

ب-ن ۵۳

گاهشماری باستانی  
مردمان مازندران و گیلان

نصرالله هومند



# گاهشمارى باستانى مردمان مازندران و گیلان

و پژوهشى در

بنیان گاهشمارى هاى ایرانى

همراه با تقویم باستانى

تَبْرِی - دَیْلُمى

نوشته

نصرالله هومند

هومند ، نصرالله ۱۳۳۱ -  
 گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان و پژوهشی  
 در بنیان گاهشماری های ایرانی، همراه با تقویم باستانی  
 تَبْرِی - دَیْلَمی / نصرالله هومند - تهران : ناشر  
 ۵۲۹  
 ۰۱۹۵۵ / مولف ، ۱۳۲۴ .  
 گ ۸۸۲ هـ.  
 ۱۲۰ ص : جدول ، نمونه .  
 کتابنامه : ص ۹۸ - ۱۰۳ .  
 ۰۱ گاهشماری ایرانی . ۰۲ گاهشماری تبری - دیلمی .  
 ۰۳ گاهنامه . الف . عنوان .

گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان  
 و پژوهشی در بنیان گاهشماری های ایرانی  
 همراه با تقویم باستانی تبری - دیلمی

نوشته : نصرالله هومند

ویراستار: رضا مرادی غیاث آبادی

ناشر: مؤلف

چاپ نخست: ۱۳۷۵

حروفچینی: سیاوش ظفری

لیتوگرافی: پام مهر ۷۵۰۸۲۵۲

چاپ: زمان ۸۳۳۷۷۲

شماره: ۳۰۰۰ نسخه

جای پخش: بنیاد نیشابور، تهران، بولوار کشاورز، خیابان جلالیه، شماره ۸

تلفن: ۶۵۲۷۸۴ - آمل، مطبوعاتی امینی، مدرسی، تلفن:

۳۲۶۱۲

نشانی مؤلف: آمل، صندوق پستی ۶۹۷-۴۶۱۳۵

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

دفتری که پیش روی دارید ؛ با پایمردی و همت یکی از دستداران تاریخ و فرهنگ و آداب و سنن ملی ایران ، به ویژه مازندران و گیلان به چاپ رسیده است . جای تقدیر است در زمانه ای که سنت های مطلوب و ارزشمند نیاکان به فراموشی سپرده می شود عزیزان و مشتاقان این مرز و بوم در اندیشه اعتلای فرهنگ و دانش و همچنین در این اندیشه اند که چگونه می توان از مجموعه دانش، آداب و سنن ، باور ها و آیین های ملی و دینی نیاکان ، که سر شار از ارزش های فرهنگی بوده پاسداری نموده و نیز در جهت ریشه یابی، گزارش و ضبط و حفظ آنها تلاش بایسته ای نمود.

نام و نشان این آرزومندان و مشتاقان را در هر جای این سرزمین کهن سال ، در میان هر طبقه و صنف می توان یافت .

برادر ارجمند سید علی عمرانی نیاکی (آملی)، گذشته از آنکه خود اهل پژوهش بوده و در مسائل تاریخی و فرهنگی صاحب نظر می باشند ، با نهایت گشاده رویی و ، با یاری خویش ، هزینه چاپ این کتاب را تقبل نموده است . بنده صمیمانه از ایشان سپاسگزاری می نمایم و امیدوارم همت و گام ارزنده و نیکوی ایشان و همچنین اثر خبری را که از خود به یادگار گذاشته اند به پاداش آن نزد خداوند منان مأجور باشند .

با آرزوی اینکه این حرکت و تلاش فرهنگی برای فرزندان ایرانی که جان و دلشان برای اعتلای فرهنگ و دانش و دین و آیین این مرز و بوم کهن می تپد؛ پندی جان نواز بوده و آنها را در انجام خدمات فرهنگی مشتاق و پیشقدم کند .

این دفتر با یاری فرهیختگان توانا استادان فرزانه بزرگوار احمد بیرشک  
و فریدون جنیدی به انجام رسید ، به پیشگاه شان سپاس میگویم و از  
درگاه آفریدگار بزرگ خواستارم زندگی شان دراز باد .

نصرالله هومند

۱۳۷۴/۱۱/۲۴

تاریخ ۱۳۷۴...۱۱...۲۴

احمد بیرشک

دوست ، همت در گذشته آتشی فعلا نه هلوند

زین که بر این هسته سپاسم

از آنچه که در این سینه ها گلهای تری در لای زنده دیدم زین  
و حیانه بزرگ گویم . هسته که زنده است این کله درم بود . این درم بود  
آن هم صلابت درم ، نه تمام می رسد با توین که لغوی و لغت های  
که تا بهر جا در کتابها خوانا را زین کله  
صفت کله آتشی است ،

کله بهر که قبل کوبه ، عاقبت کله در کله بره  
ای که کله در کله است ، کله که پیش می رسد ، و کله که پیش می رسد ؛  
در کتاب هوش آتشی است ، که کله که کله است ، کله که کله است .

دیده همت در گذشته و در کله با سپید

نصرالله هومند

## فهرست

۷	پیشگفتار
۱۵	دیباچه
۲۱	بخش نخست : پژوهشی در بنیان گاهشماری های ایرانی
۲۴	مبدأ گاهشماری باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم )
۲۵	مبدأ تاریخ رصد ( گاهشماری اوستایی )
۳۰	مبدأ گاهشماری یزدگردی نو ( فرسی )
۳۵	مبدأ جلالی ( ملکی )
۳۹	بررسی های نجومی و تاریخی
۴۸	نمایه مبدأ گاهشماری های ایرانی
۵۲	بخش دوم : گاهشماری باستانی تبری و دیلمی
۵۳	پیشگپ
۵۷	سالشمار باستانی تبری
۶۹	مبدأ گاهشماری باستانی تبری
۷۳	تبدیل سال قمری هجری به شمسی هجری / یزدگردی نو ( فرسی ) / باستانی تبری
۷۶	واژه ها ، ترکیب ها و اصطلاح های گاهشماری باستانی تبری
۸۵	سالشمار تاریخی مازندران
۹۱	گاهشماری باستانی دیلمی
۹۵	مبدأ گاهشماری باستانی دیلمی
۹۸	نمایه منابع ۱
۱۰۱	نمایه منابع ۲
۱۰۶	پیوست : سالنمای سال ۱۵۰۸ تبری و سال ۱۵۷۰ دیلمی





## بنام خداوند جان و خرد

### پیشگفتار

فریدون جنیدی

در زبان اوستایی واژه «ما» ریشه‌سنجیدن و اندازه گرفتن آمده است، و واژه‌های پیمایش، پیمان، پیمودن فارسی همه از همین ریشه بر آمده‌اند. از سویی در زبان نامبرده با افزودن پسوند **اَنگَه** از یک کنش، نام ابزاری ساخته می‌شود که همان کنش را به انجام می‌رساند، و این پسوند در زبان فارسی بگونه **انگ** در آمده است، چنانکه از کنش **کَلیدن** یا **کَلیستن** = کندن، حفر کردن با این پسوند، واژه **کلنگ** بر آمده است. از کنش ریختن با افزودن **انگ**، واژه **رنگ**، از کنش **سختن** = وزن کردن با پسوند **انگ** واژه **سنگ** = سنگ وزن، از کنش **توفیدن**، **تفنگ** ...

این پسوند در دیگر از زبان‌های ایرانی نیز هست و از آنمیان در زبان کردی بگونه **اینگ** در آمده است چنانچه از ریشه **بریدن** و پسوند **ایتنگ**، واژه **برینگ** در آمده است که ابزار **بریدن**، یا **دوکار** باشد که امروزه در زبان فارسی بیشتر برابر **مغولی** آن را که **قیچی** باشد بکار می‌بریم.

اینچنین از ریشه «ما» در زبان اوستایی با افزودن این پسوند، واژه **ماوَنگَه** بر آمده است که نام ماه بوده باشد، و معنی آن نیز ابزار **سنجش** و **پیمایش** و اندازه‌گیری زمان است و نام ماه هنوز در زبان‌های **کردی** و **تبری** و **گیلکی** به گونه **مانگ** و در گویش‌های گونه **زبان تالشی** به گونه‌های **مانگ**، **مونگ**، **مَنگ**، و **مینگ**<sup>(۱)</sup> یعنی درست به گونه اوستایی یا نزدیک به آن کاربرد دارد. و سی روز پیمایش ماه نیز در اوستا بگونه **ماه یَ** خوانده می‌شده است، و از نشانه‌های دیرپایی این فرهنگ گسترده و بزرگ یکی همین نام ماه است که معنی آن بر ما روشن است و نیز کالبدگفتاری آن هنوز در بخشی گسترده از این سرزمین به همان گونه کهن بر زبان می‌رود، و اگر چه از روی **خرد** می‌توان **داوری** کرد که

نخستین شیوهٔ سنجش زمان از بر آمدن ماه نو پدیدار گردیده است ، اما این واژه خود ، از چنین سنجش سخن میگوید .

بیگمان هزاران سال بر چنین سنجش و پیمایش زمان گذشت ، تا آنکه پیشینیان دریافتند که بر پایهٔ گردش ماه ، هیچ کارِ بایسته را نمی توان سنجید و استوار داشت ، زیرا که زمان آن همواره در گردش و دگرگونی است .

«در آن زمان پهنهٔ گستردهٔ آسمان که فراخ ترین دیدگاه و شگفت ترین تماشاگاه نیاکان آریائیان پیشین بود ، بزرگترین نیایشگاه آنان نیز گشت ، زیرا که مردمان ، روشنایی و تیرگی و بوران و برف و درخشش آذرخش و غریب تندر و تیر پرتاب ستارگان و قُزّی<sup>(۲)</sup> و آتش و آنگاه خیزاب<sup>(۳)</sup> و ویرانی زیستگاهها ، و نیز آب و آبادانی جهان ، همه را از آن گسترهٔ ژرف بی آغاز و پایان می دانستند ، و بر این بنیاد نخستین نیایشگران را از برای آنکه به آن پهنهٔ پرستاره نزدیک تر سازند ، به افراز کوهها فرستادند :

### پرستنده را جایگه کرد، کوه جدا کردشان از میان گروه

شاهنامه (آغاز هنگام جمشیدی)

و این پرستندگان نرم نرم به یک سازمان بزرگ دینی رسیدند ، و کار دین و دنیای مردمان را سامان دادند ، همان موبدان نخستین اند که دانش و خرد و دفتر و دیوان را نیز به خود وابسته کردند ، و پایهٔ داد و آئین خویش بر جهان فرمان راندند .

۲- صاعقه در زبان بیذوی قُزّی خوانده میشود و همانست که در انگلیسی Fry یعنی بریان و سوخته بر زبان میرود ، زیرا که صاعقه همواره با سوختن و بریل کردن درخت و کشتزار و جانوران همراه بوده است ، و چون در زبان فارسی امروزه ، این واژه فراموش شده است ، قُری بیذویی را برای آن برگزیدم . نگاه کنید به فرهنگ بیذوی ، عباس ، محمد

علی مزرعتی ، بنیاد نیشابور ۱۳۷۴ . ۳- خیزاب : موج

## منم گفت با فرّه ایزدی      همم شهریاری و موبدی

شاهنامه (نزدیک به پایان هنگام جمشیدی)

نیایشگران در آن هنگام دراز ، باندازه بسنده زمان داشتند تا به چرخ گردان و ستارگان ایستا و روان<sup>(۴)</sup> بنگرند و از میان آن ها دوازده پیکر را بشناسند که بر آمدن و فرو رفتنشان در یک چرخش همیشگی سنجیده شود ، و در آن زمان بود که دانستند که خورشید هر زمان ، همراه با یکی از آن دوازده پیکر بر می آید و چون سنجش ها را دنبال کردند ، بر آنان روشن شد که بدان هنگام که بهار آغاز می شود خورشید همراه با برج بره بر می آید !

چون بدینجا رسیدند ، زمان آمد و رفت و خورشید به سنجش در آمد و سالماری خورشیدی پدیدار گردید که بر پایه آن همه رویدادهای زندگی گیاهان و جانوران و آبهای روان و گرما و سرمای جهان ... سنجیده می شد .

اما باید دانست که همانگونه که هنگام یک گردش ماه ، را با نام ماه ( یک ماه ، یا دو ماه ) می خوانند هنگام گردش خورشید نیز با نام آن خوانده شد . نگرش به نام سال در زبانهای آریائی نشان می دهد که این واژه با دگرگون شدن در زبان های گونه گون ، گاه برابر ، با خورشید است ، و گاه برابر با سه سد و شست و پنج روز یا یک هنگام از گردش خورشید :

خور : فارسی ؛ خورشید

هور : فارسی ؛ خورشید

سور : تالشی لنکران ( در واژه ایمسور = امسال )

سول : دری یزدی سال

سونئ : فرانسوی خورشید

سال : فارسی سال ( در واژه سالک ) خورشید<sup>(۵)</sup>

سولار : انگلیسی خورشید

سوریه : سانسکریت خورشید

۴- ثوابت و سیارات

۵- این ناخوشی را در نیشابور لکه سال یا لکه خورشیدی می نامند .

سَرِدَ: خوارزمی سال

سَرِدَ: سُغدی سال

سارد: ارمنی ( درناواسارد = سال نو ) سال

سان: انگلیسی خورشید

سونتس: روسی خورشید

آن: فرانسوی سال

آرو: ارمنی خورشید

یار: اوستائی سال

یار: آلمانی سال

بیر: انگلیسی سال

بیل: تورانی سال

افزون بر این ، واژه «روز» = گاهِ روشنایی خورشید نیز در واژه آمیخته نروز ، برابر با سال است ، زیرا که این واژه گاهگاه به گونه «سال نو» نیز بکار می رود . بنا بر این واژه سال که هنگام یک چرخش خورشید است ، نام خورشید نیز هست و همینجا روشن می شود که بکار بردن واژه آمیخته ( سال خورشیدی ) درست نمی نماید ، و از آن نادرست تر بکار بردن سال قمری است ، زیرا که خورشید وابسته به ماه در جهان ما روان نیست اما چون مردمان برخی از کشورها ، سال یا گردش خورشید را دوازده گردش ماه روا دانستند ، و آنرا بکار نیز می برند و آن را نمی توان دیگر کرد ، بناچار آن را نیز بکار میگیریم ، تاکی این شیوه شمار جای خود را به شمار و سنجش درست پیمایش خورشیدی واگذارد!

هنگامی که ایرانیان به این شمارش و سنجش دریافتند بنا بر یافته های یاران بنیاد نیشابور به زمانی پیرامون هشت هزار سال باز میگردد. <sup>(۶)</sup>، که به شیوه باستانی

۶- نگارنده در می یابد که سخن گفتن از هشت هزار سال پیش در خوانندگان شگفتی می -

آفریند ، زیرا که پژوهندگان اروپائی این اندیشه را که ایران پیرامون ۲۵۰۰ سال تاریخ دارد ، یا آنکه دامنه تاریخ کشور را به آغاز فرمانروایی ماد می کشانند ، و انبوه پدیده های هنری

با دوازده برج ۳۶۰ روزه و پنج روز پنجه اندرگاه ، و کیبسه ۱۲۰ ساله انجام می‌گرفته است ، تا آنکه خیام فرزانه بزرگ ایرانی ، بهمراهی دیگر فرزندان همکار سنجش کیبسه ها و ماه ها را چنان به آئین کرد که اروپائیان نیز سالماری خویش را بر پایه آن نهادند و اگر چه کاست و فزود در کار آنان دیده میشود ، اما پایه سنجش همانست که خیام پیشنهاد کرده و امروز در سرتاسر جهان سالماری بر بنیاد دانش چند هزار ساله ایرانیان ، انجام میگیرد !

اگر چنین است ، ایرانیان بیش از مردمان هر کشور دیگر می باید که در چه و چون و چند کاری که نیاکانشان آغاز کرده اند ، بکوشند ، و از چندی پیش پژوهش در این زمینه آغاز شده است و نخستین کسان آنان بوده اند که کوشیده اند در یک پهنه زمانی کوتاه سال های خورشید را با گردش ماه ( سالماری قمری ) بسنجند و رویدادها را از یکی به دیگری برند ، و این کارها اگر چه همه در خور ستایش است ، اما هر یک را کبودی یا نارسایی ای هست تا آنکه استاد فرزانه احمد بیرشک کار را با کوششی بی مانند و دیدگاهی دانشی به پایان بردند .

یک گونه کار دیگر با شمارها و آمارهای ذبیح بهروز آغاز گردید و تنی چند از یاران او نیز دنباله کار را گرفتند و هیچیک نیز پایانی خجسته به کار ندادند ، تا بتوان از آن یاد کرد .

در این میان پژوهنده سخت کوش و پاک نژاد تبرستانی نصرالله هومند برای روشن کردن تاریخ یکی دو سده پس از اسلام در تبرستان و گیلان نیاز به داشتن یک جدول تاریخی درست را ، پیش از فراهم آوردن آن دفتر ، دریافت ، پس برای

و تاریخی ایران پیش از آن را از تیره های لئیرانی می شمارند ... و از آغاز پورش فرهنگی غرب این اندیشه ها در ایران نیز روان شده و همه چنین گمان را بآئین می شناسند اما در بنیادنیسابور ، کار از گونه ای دیگر است و به یاری بازشناخت زمان رویدادهای زمینی و هواشناسی و لرزه ها و آتشفشان ها ... و برابر نهادن آنها با رویدادهای زندگی ایرانیان سالماری یا تاریخی دیگر در دست داریم که نمونه آن در «زندگی و مهاجرت آریائیان» آمده و بگونه ای رساتر در نامه «داستان ایران بر بنیاد گفتارهای ایرانی» به دست جویندگان ایرانی خواهد رسید .

فراهم کردن آن دامن کوشش به کمر زد و انبوه نامه ها و پژوهش های پیشین را بر رسید ، و هر آن نامه را که وی با آن همراهی نیز نبود و یاران بنیاد نیشابور او را بدان می نمودند ، خواند و پژوهید و سگالید و رقم بر رقم زد و آمار بر آمار نهاد ، تا نامه خجسته خویش را فراهم کرد !

اما بدان هنگام که کار برای چاپ آماده شد ، با آنکه گفتار وی را می پذیرفتم ، از چاپ آن نیز در هراس بودم که مبادا لغزشی در آن باشد ، و اگر یکی از لغزش ها ، که در نامه های یاد شده فراوان است ، در این نامه نیز پیدا شود ، بنیاد نیشابور ناخود آگاه در راهی گام بر خواهد داشت که پایانی خجسته ندارد !

بنا بر این از ایشان خواستم که نامه خویش را از نگرش استاد احمد بیرشک بگذرانند ، و چون انجام این کار را دشوار میدید ، گفتم در نامه خود یادآور شوید که به خواهش بنیاد نیشابور چنین درخواست را از ایشان دارید ...

استاد که زمان زندگی دراز باد ، از نخستین برخورد سایه مهر بر پژوهنده افکند و همه کار را چند بار از دیده و از اندیشه خویش گذرانند ، و نکته ها و یاد آوری های بایسته فراوان بر آن افزود و این است بخشی از نامه ای که به فرزند خود نصر الله هومند نوشته است :

دوست با همت و کوشنده آقای نصرالله هومند

از این که به یاد من هستید سپاسگزارم

از توفیقی که در به پایان رساندن گاهشماری تبری و دیلمانی یافته اید بسیار خوشوقتم و صمیمانه تبریک میگویم . همت کسی مانند شما برای این کار لازم بود . امید دارم چاپ آن هم مطابق د لخواه شما تمام شود و کتاب شما ویرین کتابفروشیها و قفسه های کتابخانه ها و میز کتابخوانها را زیور بخشد .

عاقبت تلاش توفیق است :

گفت پیغمبر که چون کوی دری عاقبت زان در بیرون آید مری

بیچاره کسانی که از قدم در راه گذاشتن می ترسند ، و مشمول این بیت هستند :

در انتخاب و هدف آنقدر دقیق شدم که عمر طی شد و هنگام انتخاب گذشت

در پناه خدا شاد و سرزنده و موفق باشید

احمد بیرشک

و چون با چنین سخن ، آنچه که باید ، دربارهٔ این دفتر گفته شده است سخن را به پایان می برم به امید آنکه پژوهندگان ایران بویژه تبرستان و گیلان از پژوهش ایشان بهره ببرند ... ما را می باید که چشمان خویش را بگشاییم و به فراخنای تاریخ و سرگذشت و اندیشهٔ نیاکان تیز بنگریم ، تا برای آیندگان رهاوردی نیک از خود بر جای نهیم .

فریدون جنیدی

بنیاد نیشابور

بهمن ماه ۱۳۷۴

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

پس از حمد و ستایش به درگاه خداوند خَی و قَیُّوم ، بسیار شادمان هستم که توانستم این مجموعه ناچیز را در جهت تکمیل « تقویم مردمان مازندران » که پیمان به انجام آن بسته بودم با عنایت و فضل خداوندی ، پیشکش مشتاقان و علاقه‌مندان کنم . (۷)

شمار و حساب تقویم یا گاهشماری باستانی تبری (= مازندرانی) و همچنین گاهشماری باستانی دیلمی (= گیلانی) ، که از دوران باستان تا به چندی پیش در میان مردمان شریف و مسلمان مازندران و گیلان روا بوده، اکنون در میان سالخوردهگان سایه روشنی از آن به جای مانده - و دریغ - در بین نسل نوپای جامعه به فراموشی سپرده شده است ؛ این بنده به جهت علاقه‌مندی به دانش و آیین‌های نیاکان ، آرزومند حفظ و ثبت آنچه به نام گاهشماری ویژه مردمان آزاده و پاکنهاد تبرستان ( تپورستان ) = مازندران ، و دیلمان ، گیلان بوده پس از مدت‌ها پژوهش و رنج ، بر اساس مبدأهای گوناگون تقویمی ، پایه و مبدأ گاهشماری باستانی تبری - و باستانی دیلمی را تهیه نموده و به پیوست سال‌های تبری و دیلمی ، همراه با نام روزهای باستانی که هر یک وابسته به نام فرشتگان و امشاسپندان و مفاهیم دینی قدیم ایرانیان بوده است آماده کرده ام . با بدست آمدن پایه و مبدأ دو گاهشماری یاد شده - سال‌های سپری شده آنها هر دو قابل تبدیل و تطبیق با هر نوع گاهشماری بوده و روا داشتن آن ، به راستی احترام و ارزش به یادگار پیشینیان و نیاکان است .

از خوانندگان ارجمند و پژوهشگران تیزنگر صمیمانه انتظار دارم هر نوع نادرستی که در این نامه مشاهده می‌کنند با توجه به مآخذ و منابعی که نشان دارند بنده را راهنمایی فرمایند . از آغاز تا انجام این نامه ، تلاش نویسنده این بوده که از نارواگویی پرهیز کند . خداوند جهان آفرین را سپاس می‌گویم که این ناچیز را در نوشتن و انجام این نامه یاری نموده است .



وَ عِلْمَاتٍ وَّ بِاللَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ

و نشانه های زمین و ستارگان آسمان ، با آنها هدایت یابید.

سوره نحل ، آیه ۱۶

### دیباچه

انسان در سپیده دم زندگانی خویش، از سنجش زمان ، به جز بر آمدن آفتاب و رسیدن شب چیزی نمی دانست . همه تلاش او دستیابی به منابع غذایی در رو، و زیر خاک بود .

با گذشت زمان، گرسنگی و مرگ انسان ها را وا داشته تا بصورت گروهی سازمان یافته در آیند و با یاری هم در رفع نیازمندی های خویش به تلاش پیگیر دست یازند . زندگی گروهی ، ارتباط انسان ها را به هم نزدیکتر کرده و موجب گشت تا تجربه ها، خواسته ها و عواطف درونی خویش را به یکدیگر به خوبی تفهیم کنند .

نتیجه ارتباط ، انباشته شدن اندوخته های ذهنی را به همراه داشت . هوشمندی و اندیشمندی تدریجی انسان ها توان دفاعی آنها را برای حفظ جان در برابر درندگان ، رخدادهای طبیعی ، گرما و سرما و بر آورد خوراک بیشتر کرده تا جایی که توانستند برای «گرد آوری و شکار» به ابزارهای اولیه دست یابند .

پیوستگی و ارتباط انسان ها با زمین از یک سو و دریافت هنگام رویش گیاهان خوراکی و دوران میوه دهی آنها در زمان های مُعین از سویی دیگر ، توجه انسان ها را به بهره وری از زمین و یکجا نشینی به همراه داشت .

یکجا نشینی برای انسان ها همراه با آرامش خیال ، زمینه تفکر نسبت به رویدادهای پیرامون را فراهم کرد . چنانکه با سپری شدن روزگاری دراز توانستند در چگونگی و پیدایی سر سبزی و خرمی ( بهار ) ، دوران میوه دهی ( تابستان ) ، ریزش برگ درختان ( پاییز ) ، و آمدن سرما و بارش برف ( زمستان ) و ... درنگ و اندیشه کنند .

دقت و تلاش در امر کشت در فواصل معینی از سال ( کاشتن و آبیاری، داشتن و برداشتن و نگهداشتن ) ، به تدریج موجب گشت تا انسان ها در شناخت زمان و سنجش آن به واحدهایی از زمان دست یابند . با گسترش جامعه های متعدد

انسانی و افزایش ابزار و کالا و فرآورده های کشاورزی - دامداری ، فروش و تبدیل کالا از نقطه ای به نقطه ای دیگر آغاز گشت .

ره نوردان برای راه یابی از مسیرهای طی شده در مسافرت های طولانی ، به جز نشانه هایی که در طول راه به خاطر می سپردند ، از ستارگان آسمان و چگونگی قرار گرفتن و حرکات آنها در شب به عنوان راهنمای راه استفاده می کردند و نیز توانستند با بر آمدن و غروب ماه ( از یک هلال تا هلالی دیگر ) ، به شناخت روزهای ماه دست یافته و در پی آن با توجه به شکل های مختلف ماه به تقسیم روزهای ماه آگاهی یابند .

انسان ها تا دیر زمان از شمار روزهای سال خورشیدی هیچ آگاهی نداشتند . اما تعداد هلال ماه از سالی به سالی دیگر ، همانگونه که برای ساکنان دشت ها قابل دید و فهم بود برای ساکنان بلندی ها ( فلات ها ) و کنار رودخانه و دریاها هم محل دقت و سنجش بود بنا بر این نخستین سنجش سال ، بر اساس گردش ماه ( قمری ) بدست آمده با گذشت سالیان ، انسان ها دریافتند : طول سال قمری نمی تواند میزان حقیقی زمان برآمدن رویش گیاهان و همچنین کشت گیاهان خوراکی باشد . به ناگزیر در پی شناخت ایام سال طبیعی و حقیقی بر آمدند . آگاهی از اینکه از چه هنگامی انسان ها به طول سال خورشیدی دست یافته اند هیچ سند دقیقی در دست نیست . اما این گمان درست می نماید که : با توجه به عامل کشت در زمان های معین و همچنین عامل کوچ انسان های دامدار از دشت ها به بلندی ها و برگشت دوباره آنها به دشت ها و نیز دانستن هنگام زایش حیوانات اهلی ( گاو ، گوسپند ، بز و ... ) ، شناخت شمار روزها - سال خورشیدی را به آرامی برای انسان ها به همراه داشت . و این شناخت از سروران سال درو میسر شده بود .

با توجه به استعداد فطری ( عشق به آگاهی ، فضائل اخلاقی ، زیبایی و خداگرایی ) ، گرایش درونی و پناه جویی انسان های کهن به نیروی فرا انسانی ، نیرویی که بتواند انسان ها را در برابر بی کسی و درماندگی و پی آمدهای روزگار رهایی دهد بستر و زمینه پندار انسان در شناخت آفریدگار جهان گشت . ظهور و پیدایی پیامبران و پدیده اندیشه و پندارهای دینی و برگزاری آیین های نیایش و قربانی و ... در زمانهای معین ، و نیز با توجه به عواملی که از پیش ذکر آنها رفت ،

ایجاب میکرد تا انسان‌ها در شمارش روزهای سال (تمام شدن سال - و - نوشتن سالی دیگر) ، دقت و اهتمام ورزند .

بی تردید ، دینیاران، نخستین کسانی بودند که در کار شمارش دقیق روزها ، ماه‌ها، سال‌ها و گردش ماه و ستارگان و ... ( به مفهوم امروزی : اخترشناسی و نجوم ) بیش از عامه مردم تلاش کرده و باسپری شدن زمان‌های دراز توانستند به تفکیک اجزای زمان دست یافته ، بر اساس مقاصد دینی ، ملی ، مبدأ های تاریخی رابنیان‌گذاری کنند .

بر اساس روایات ایرانی ، کهن ترین مبدأ نجومی ایران ، مبدأ سال های باستانی ایرانی ، معروف به یزدگردی قدیم یا : گاهشماری ایرانی کهن ( گ .ا. ک ) است ،<sup>(۸)</sup> دیرینگی این مبدأ در پایان سال ۱۳۷۵ شمسی هجری به ۲۵۶۳۶۳۵ روز ، یعنی ۷۰۱۹ سال اعتدالی ، یا : تا پایان روز یکم امرداد ماه سال ۱۳۷۶ شمسی هجری به : ۲۵۶۳۷۶۰ روز ، یعنی ۷۰۲۴ سال خورشیدی باستانی می‌رسد .

توجه : سالشماری فرّسی ( یزدگردی نو ) که در این زمان ، شمار آن در یکی از ستون های تقویم های نجومی آورده می شود ، به راستی بدون یک روز کم و بیش دنباله همان یزدگردی قدیم است .

با عنایت به شاهنامه حکیم فردوسی توسی ، در می یابیم که بسیاری از رویدادهای تاریخی ایران باستان ، در سرزمین باستانی مازندران ( تبرستان قدیم ) رخ داده است . مازندران نه تنها پرورنده فریدون بود ، بلکه نخستین پایتخت ایرانیان ، یعنی شهر تاریخی « کوس » در غرب آمل قرار داشته و تختگاه فریدون بود . \* و در روزگاران دراز ، شاهان اساطیری ایران - و همچنین فرمانروایان تاریخی ، برای دستیابی مازندران و بیرون آوردن آن از چنگ شاهان بومی از هیچ کوششی دریغ نمی کردند .

مورخ نامدار ایرانی ، محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب آملی ، مؤلف کتاب تاریخ طبرستان ، بنای شهرهای آمل و ساری را به تهمورث و ... نسبت داده و فرمانروایان باستانی مازندران ، از جمله شاهان خاندان گشنسپ را ( در زمان

۸- گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله / ص ۲۲۰

\* زندگی و مهاجرت آریائیان بر پایه گفتارهای ایرانی / ص ۴ و ۵ ، چاپ دوم .

اشکانیان و ساسانیان) با توجه به استقلال داخلی، خراجگزار شاهنشاهان ایرانی عنوان نمود.

بنا بر این، مازندران و گیلان (مجموعه کوهستان، جنگل و جلگه)، از دیر باز بخشی از خاک ایران به شمار رفته و همه اقوام و ساکنانشان ایرانی بوده و از لحاظ نژاد، زبان، دین، آداب و سنن، آیین های ملی و گاهشماری و ... با بقیه اقوام ایرانی مشترک بوده و هستند. زبان و گاهشماری به یادگار مانده از دوران کهن در مازندران و گیلان هر دو گواه گفته بالا هستند.

در روزگار ما، از جمله دانش هایی که توانست پژوهشگران رانسبت به شناخت و پیشینه زندگی انسان ها یاری رساند دانش باستان شناسی است، پژوهشگران باستان شناسی در طی چند پژوهش و تحقیق که در چند جای مازندران به انجام رسانده اند؛ به بهره هایی دست یافته اند که در این جا برای نمونه آورده می شود: باستان شناسان در کاوش های خود در غارهای هوتو، کمر بند (نزدیک به شهر) علی تپه و ...، در لایه های مختلف، به نمونه هایی از استخوان و ابزار و اسکلت های انسان ها و استخوان حیوانات دست یافتند که دیرینگی و وجود انسان و گذران زندگی آنها به حدود ۱۲۰۰۰ سال پیش بر آورد شده است.<sup>(۹)</sup>

مردمانی که از هزاران سال پیش به این سو (با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی) با غلات و رویش آنها آشنایی داشته بی گمان از دیر باز می توانستند به کارکشت و ... پردازند و به همان اندازه می توان در رابطه با شناخت آنها نسبت به زمان و شمارش و نگهداری اجزای آن قائل به دیرینگی بسیار دور شد.

پژوهش در اسطوره های ملل نشان می دهد اسطوره های ایرانی گویای کهن ترین میراث پندارهای انسانی است. و نیز نتیجه مطالعه تاریخ ملت ها و سیر دین ها در جهان (بدون غرض و زیاده گویی) بیانگر این است که: ایرانیان از کهن ترین و بزرگترین ملت ها و نخستین مردمان خداشناس در جهان بوده اند. یک گواه، دیرینگی زبان های ایرانی است و ریشه بسیاری از زبان های جهان، از جمله انگلیسی، فرانسه، آلمانی با زبان کهن ایرانیان پیوند دیرین دارد. چنانچه،

9-" Excavations in lotu cave , Iran, 1951, A preliminary Report,"  
Proceeding of 96 No.3.

یکی از بزرگترین زبان شناسان انگلیسی بنام هارولد والتر بیلی در مقاله زبان فارسی گفته است . ... ، بنابراین یک دانشجوی انگلیسی هم که بخواهد زبان مادری خود را نیک تحصیل کند ، باید از کتیبه های پارسی باستان اطلاعاتی بدست آورد.» از هم اکنون مشکلی عمده را برای دانشجویان مسایل راجع به ایران باید متذکر شد ، و آن تشریح بقایای السنه ایرانی قدیم است که با قریب بیست و هفت خط مختلف ، به صورت کلمات منفرد و یا متون متوالی به اندازه های متفاوت ، ضبط شده است . (۱۰)

بهره و سهم ایرانیان در گسترش دانش های گوناگون بر هیچ خردمندی پوشیده نبوده و بیش از این نیازی به گفتن نیست . اما پایان سخن اینکه : در گستره زمان ، آنچه از روزگاران تا به اکنون سپری شده است ؛ هر یک از باشندگان ایرانی ، در سرزمین بزرگ باستانی ایران ، همیشه تلاش کرده اند با توجه به نیازی که داشته اند در زمینه شناخت آنچه پیوستگی به :

زمان کشت گیاهان خوراکی ، آبیاری ، برداشت و نگهداشت آنها ،  
 زمان کوچ از دشت ها به کوه ، از کوه ها به دشت ( با توجه به کار کشاورزی -  
 دامداری ) ،

زمان میوه دهی درختان و ایام نگهداری میوه ها ،  
 زمان زایش حیوانات اهلی ، هنگام شیر دهی آنها و ... ،  
 زمان فرا رسیدن هر ماه ، فصل ها ، سال نو ، آغاز جشن های بزرگ ، جشنواره ها ،  
 زمان برگزاری آیین های دینی ، نیایش های عمومی ،  
 زمان گذر پیک ها از جایی به جایی دیگر ( تعیین فاصله زمانی از مکانی به مکانی دیگر ) .

تعیین زمان گند زدایی برخی مواد با کمک داروها ، زهرها و مواد گوناگون ،  
 تعیین زمان مناسب در آماده سازی ترکیب های دارویی و مدت اثر بخشی داروها ،  
 تعیین زمان لازم در تبدیل فلزات از سوی کیمیاگران .  
 تعیین زمان تاثیر و اندازه داروها در درمان بیماران ،  
 تعیین زمان مورد نیاز در اشباع کردن بریده درختان ( تیربامها ) در درون تالابها ،

تعیین زمان پرداخت مالیات ها،

و بسیاری موارد دیگر داشت، زمینه ای بود تا اقوام گوناگون ایرانی که هر کدام در جایگاه جغرافیایی و اقلیمی ویژه ای زندگی می کردند در شناخت و شمار و سنجش زمان به اندازه های مورد نیاز و درست دست یابند. دستیابی به شمار روزهای سال خورشیدی، به سرپرستان امور دینی (که احیاناً، در آغاز رهبری جامعه ها را نیز به عهده داشتند)، این فرصت را داد تا در زمانی مناسب (در دوره خاص تاریخی)، اقدام به مبدأگذاری نمایند. پیدایی و ماندگاری مبدأهای گوناگون گاهشماری در ایران بدون تردید بیانگر دگرگونی های تاریخی، دینی و سیاسی بوده است. زیرا، دقت و اصرار ایرانیان در برگزاری آیین های دینی و ملی غیر از این نمی نمایاند. چراکه: شور و اشتیاق ایرانیان در برگزاری آداب و سنن ملی و اجرا مراسم دینی و بزرگداشت ها، جشن ها و سوگواری های مذهبی در طول تاریخ چونان چشمه ای جوشان در جان و روان ایرانی جاری بوده است. آینده با خداست.

نصر الله هومند، آمل

بیستم شهریور ماه سال ۱۳۷۴ شمسی هجری

بیستم کرچه ماه سال ۱۵۰۷ باستانی تبری

بخش نخست

پژوهشی در

بنیان گاهشماری های ایرانی

## پژوهشی در بنیان گاهشماری های ایرانی

پیش از پژوهش در باره گاهشماری های باستانی تبری و دیلمی ، بایسته است: در باره مبدأ گاهشماری های ایرانی ، گفتاری در خور ، پرداخته و آورده شود:

۱ - در میان آثار پژوهشگران معاصر درباره گاهشماری های ایرانی ، آثار زیر از لحاظ پژوهش در ریشه یابی و چگونگی سالشماری و پایه های محاسبات نجومی ، از جایگاهی بلند برخوردارند :

الف . گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله .

ب . تقویم و تاریخ در ایران.

ج . زروان سنجش زمان در ایران باستان .

د . تقویم نوروزی شهریار .

ه . شرح تقویم های مختلف و مسئله کیسه های جلالی .

و . تاریخ تاریخ در ایران.

ز . گاه شماری و جشن های ایران باستان.

۲ - در این نامه ، جهت دستیابی به مبدأ های گاهشماری باستانی تبری و باستانی دیلمی که از بن و ریشه وابسته به گاهشماری باستانی ایرانی ( معروف به یزدگردی قدیم ) بوده است ؛ و همچنین با توجه به استقرار سرسال تبری و دیلمی در میان تابستان ، و پنجه ( پتک Petak ) و پنجیک ، در اعتدال بهاری و اجرای کیسه در این دو گاهشماری ، از یکی از داده های نجومی ، از جمله : نوبه آخر از زیر دوره ۱۱۶ ساله از دوره چهارم ۱۵۰۸ ساله ، به عنوان پایه محاسبه استفاده شد .<sup>۱۱</sup>

۳ - نویسنده این نامه اصراری ندارد از اینکه تعداد دوره ها : چهارم ، سوم یا دوم شمارش شود چه بسا ممکن است دوره های سپری شده ، با توجه به شناخت ایرانیان در سنجش زمان ، در زمان های دور ، بیش از چهار دوره ۱۵۰۸ ساله باشد . آنچه غرض نویسنده از استفاده و آوردن دوره ها بوده است مربوط به تقسیم دوره به : ۱۱۶ زیر دوره در سیزده نوبه است .



جمع روز های خورشیدی در یک دوره ۱۵۰۸ ساله  $۱۳ \times ۱۱۶ \times ۳۶۵ = ۵۵۰۴۲۰$   
 سال اعتدالی  $۵۵۰۴۲۰ \div ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۱۵۰۷$

بنا بر این یک دوره ۱۵۰۸ ساله خورشیدی ( یعنی : سال گردان یا پِرسی ،  
 فرسی ) به اندازه ۱۵۰۷ سال اعتدالی است .

۴ - با داشتن سرِ مبدأ یکی از دوره های ۱۵۰۸ ساله ، مقدار این دوره را می توان  
 با برهان ، بر اساس اسناد نجومی و تاریخی افزایش داده یا کم کرد . با توجه به  
 دیرینگی تاریخ و تمدن ایرانیان ( به ویژه ناحیه البرز و اطراف آن ) ، امکان  
 افزایش بیشتر است .

۵ - قید مقدار دوره ها ، بر اساس روایات ایرانی است : « به عقیده زرتشتیان ،  
 آفرینش جهان ۳۰۰۰ سال پیش از تولد زرتشت بوده است . چنانچه بعضی از  
 موبدان زرتشتی تاریخ توفان ( نوح ) را ۲۷۱۵ سال پیش از تولد زرتشت  
 انگاشته اند .<sup>(۱۱)</sup> تا بدست آوردن سند دقیق نجومی و تاریخی ( البته اسناد  
 مربوط به تقویم تورفانی در دست است ) در انتخاب حقیقی تعداد دوره های  
 ۱۵۰۸ ساله باید درنگ و تأمل کرد .

۶ - با روایت و محاسبه شادروان ذبیح بهروز ، سال ۳۳۰۰ خورشیدی ( باستانی  
 ایرانی ، یزدگردی قدیم ) زرتشت در سن ۴۳ سالگی با اجراء ۷۰ روز کیسه ( ۶۹  
 روز ) ، مبدأ جدیدی را بر اساس نصف النهار نیمروز پایه گذاری کرده که بنام  
 تاریخ رصد ، تقویم اوستایی یا نوروزی شهریاری نامگذاری شد .<sup>(۱۲)</sup>

۷ - استاد توانا و ژرف نگر ، احمد بیرشک در گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله ، در  
 رویه ۲۰۸ در باره تاریخ رصد آورده است : « این تاریخ ایرانی است و مبدأ آن  
 اولین رصد ، در رصد خانه نیمروز بوده و مقارن بوده با ۲۳۴۶ ق . م . / ۱۷۲۵ ق . م .  
 این رصد در محاسبات کنونی تقویم ما نقشی شایان توجه دارد . »

۱۱- گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله ، ص ۲۰۷ ، ۲۰۸

۱۲- تقویم و تاریخ در ایران ، ص ۳۱ و تقویم نوروزی شهریاری ، ص ۵

## مبدأ گاهشماری باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم)

بنابر روایات ایرانی و همچنین بر اساس شمارش های (محاسبات) نجومی ، این مبدأ کهن ترین سالشمار ایرانی است . آغاز آن :

هر مزد روز ( دوشنبه ، مطابق روزهای هفته در سالشمار شمسی هجری ) ، به اندازه ۱۲۰۴۵۶۹ روز ( یا : ۱۸۹ / ۳۳۰۵ سال ) خورشیدی ، پیش از تاریخ رصد ، یا : مبدأ گاهشماری اوستایی ( نوروزی شهریاری ) بود .

با توجه به اینکه همه مبدأ های گاهشماری در ایران پس از این مبدأ ، بنیان نهاده شدند؛ بهره وری از سالشماری باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) به موازات سالشماری مبدأها<sup>۱</sup> دیگر ایرانی همچنان رایج بوده و پایه شمار آن تا به اکنون مانده است . کوشش در نگهداشت و دقت در شمار آن بسیار مهم است . چراکه نخستین پایه سالشماری در نزد ایرانیان بوده است . مبدأ ها ، سالشمارها و شمار روز های ایرانی ، از بن و ریشه به این مبدأ باستانی وابسته هستند . ایرانیان ، هزاران سال بر اساس سالشمار مبدأ باستانی ایرانی ، در روزهای سال ، آیین های دینی و ملی را برگزار کرده اند .

با اینکه بعدها ، تاریخ رصد ( گاهشماری اوستایی ) ، وضع و بنیان نهاده شده بود ؛ استفاده از سالشماری باستانی ایرانی ، در میان اقوام ایرانی ( با توجه به پذیرش دین نو ) ، برقرار ماند . چنانچه مردمان تبرستان ( ساکنان کوهستان لاریجان و ... ) و گیلان ( ساکنان کوهستان دیلمان و ... ) تا میانه دوره ساسانیان از آن استفاده می کردند و از همان زمان ، بنا به دلایل دینی ، سیاسی و اقتصادی (به ویژه اجرای دقیق آیین های دینی و ملی در زمان های معین در سال ) با انتخاب یک روز کیسه با نام های « شیشک » و « ویشک » سال گردان را در همان جا که قرار داشت ، نگاه داشتند .

دوره سال های باستانی ایرانی ۱۵۰۸ سال گردان بوده است . این دوره در شمارش های نجومی به ۱۳ نوبه از زیر دوره ۱۱۶ ساله بهره می شود . هرگاه نخستین روز از نخستین سال دوره ۱۵۰۸ ساله از اعتدال بهاری آغاز شود ( با توجه به گردان بودن سال ) ؛ پس از گذشت ۱۵۰۸ سال ، سر سال خورشیدی

گردان به نقطه اعتدال بهاری بر می‌گردد، و دوباره دوره ای دیگر آغاز می‌شود. سال باستانی ایرانی، دارای ۱۲ ماه ۳۰ روزه با افزوده ۵ روز گاهنبار بود که در پایان آبان ماه قرار داشت. طول سال روی هم ۳۶۵ روز بود. در گاهشماری سال‌های باستانی ایرانی کیبسه اجراء نمی‌شد، چون نوع سال گردان و در چرخش بود.

### مبدأ تاریخ رصد (گاهشماری اوستایی)

این مبدأ نخستین مبدأ گاهشماری سال‌های اعتدالی ایرانی بوده است. در روایات ایرانی آمده است: بنیان‌گذار این مبدأ زرتشت بوده است. وی در ۴۳ سالگی (در سال ۳۳۰۱ خورشیدی)، بر اساس مبدأ نصف النهار نیمروز (ظاهراً اطراف زابل؟) با اجراء ۷۰ روز (۶۹ روز) کیبسه، مبدأ سال‌های اعتدالی، یا وهیجکی (بهیژکی) را بنیان نهاد. (۱۳)

جمع روزها  $3300 \times 365 = 1204500$

جمع روزها با افزوده کیبسه.  $1204500 + 69 = 1204569$

(۱۴)  $1204569 \div 365 / 24219 = 3298 / 0007$

پایان روز ۶۹ از سال ۳۳۰۱ باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم) زمان تحویل و تبدیل سال گردان به سال اعتدالی (وهیجکی) بود. روز بعد، نخستین روز سال اوستایی بود. هر مزد روز (سه شنبه)، برابر با ۱۰ خرداد سال ۳۳۰۱ باستانی ایرانی. با اینکه تاریخ و مبدأ رصد؛ بنیان نهاده شد، استفاده از سالشمار باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم)، همانند گذشته در میان اقوام ایرانی همچنان روا مانده

### ۱۳- تقویم و تاریخ در ایران

۱۴- شناخت دقیق کسر ۲۴۲۱۹/افزون بر سال، در محاسبات حکیم عمر خیام نیشابوری و همکارانش به ایرانیان و جهانیان عرضه شد. از آن زمان، با اجراء دقیق کیبسه‌ها، شمار نجومی سال اعتدالی ایرانی، دقیق‌ترین محاسبه سالشماری در جهان است.

بود. چنانچه پس از ۲۲ قرن - به اینسوی، مبدأ های گاهشماری دیلمی، تبری و یزدگردی نو (فرسی)، از ریشه و دنباله آن سر بر آورده و ادامه یافته است. هر سال اوستایی عبارت بود از ۱۲ ماه / هر ماه ۳۰ روز / با افزوده ۵ روز گاهنبار (پنجگاه، خمسه).

سال اوستایی از این نظر سال اعتدالی به شمار می رفت که پس از تمام شدن هر زیر دوره ۱۲۰ ساله، ۳۰ روز کیسه اجرا می شد.

### جدول اجراء کیسه ۳۰ روزه، در یک دوره ۱۴۴۰ ساله

ردیف	سال کیسه	نام ماه	روزهای ماه	روزهای کیسه	روزهای گاهنبار	جمع روزها
۱	۱۲۰	فروردین	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۲	۲۴۰	اردیبهشت	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۳	۳۶۰	خرداد	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۴	۴۸۰	تیر	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۵	۶۰۰	امرداد	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۶	۷۲۰	شهریور	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۷	۸۴۰	مهر	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۸	۹۶۰	آبان	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۹	۱۰۸۰	آذر	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۱۰	۱۲۰۰	دی	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۱۱	۱۳۲۰	بهمن	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز
۱۲	۱۴۴۰	اسفند	۳۰ روز	۳۰ روز	۵ روز	۶۵ روز

در تقویم اوستایی، در سال های کیسه، ۵ روز گاهنبار را: «همیشه در آخر ماهی می افزودند که بنام آن کیسه مذکور شده بود» تا نشان کیسه برای نوبه بعد باشد. ایرانیان سال های کیسه را «وهیجک» یا «بهیزک» نامیده و در چنین سالی جشنی با شکوه بر پا می کردند. (۱۵)

توجه: جای گاهنبار، یا پنجه در گاهشماری سال های باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) در آخر آبان است. « پس از هفتاد روز کیسه ( منظور: اجراء ۶۹ روز کیسه در مبدأ تاریخ رصد ) جای پنجه در آخر آبان می شود. بودن خمسه در آخر آبان یادگار این کیسه است. » (۱۶)

طول سال اوستایی با توجه به اجرای ۳۰ روز کیسه در هر ۱۲۰ سال، به اندازه ۰/۹۳۸ روز بلند تر از طول سال اعتدالی بود و سر سال به تدریج از اعتدال بهاری فاصله می گرفت.

با توجه به جدول کیسه ۳۰ روزه در یک دوره ۱۴۴۰ ساله

$$(120 \times 360) + (120 \times 5) = 43800$$

جمع روزهای سپری شده ۱۲۰ ساله اوستایی.  $43800 + 30 = 43830$

$$43830 \div 365/24219 = 120/00256$$

$$120 \times 365/24219 = 43829/062$$

$$43830 - 43829/062 = 0/938$$

کسر ۰/۹۳۸ روز، طی ۱۲ نوبه زیر دوره ۱۲۰ ساله چنین خواهد بود:

$$0/938 \times 12 = 11/256 \quad \text{روز}$$

پس: از سال اول رصد ( اوستایی ) تا پایان سال ۱۴۴۰ رصد، کسر سال، به اندازه ۱۱/۲۵۶ روز از اعتدال بهاری فاصله گرفت. این فاصله در دو دور کامل، یعنی ۲۸۸۰ سال رصد ( اوستایی )، به اندازه ۲۲/۵۱۲ روز بود.

توضیح: سال های سپری شده از تاریخ رصد ( سال های اوستایی )، تا مبدأ (شمسی هجری)، برابر با ۲۳۴۶ سال تمام بود. (۱۷)

۱۵- تاریخ ادبیات ایران / جلال الدین همایی، ص ۳۶۵، ۳۶۶

۱۶- تقویم و تاریخ در ایران / ذبیح بهروز، ص ۱۵

۱۷- الف- تقویم تاریخ در ایران / ص ۶۲. ب - تقویم نوروزی شهریار / ص ۳۶.

$$۲۳۴۶ \times ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۸۵۶۸۵۸ / ۱۷$$

$$۸۵۶۸۵۸ / ۱۷ - (۴۳۸۳۰ \times ۱۲) = ۳۳۰۸۹۸ / ۱۷$$

$$۳۳۰۸۹۸ / ۱۷ \div ۴۳۸۳۰ = ۷ / ۵۴۹۵۸۱۷$$

$$/ ۵۴۹۵۸۱۷ \times ۱۲۰ = ۶۵ / ۹۴۹۸۰۴ \# ۶۶$$

$$۲۳۴۶ - ۶۶ = ۲۲۸۰ \text{ (اوستایی (۵۵۵ میلادی))}$$

زمان برگزاری کیبسه هفتم در سال ۲۲۸۰ رصد (اوستایی) ، یعنی : ۶۶ سال پیش از مبدأ شمسی هجری بود ، در صورت اجرا ، در کیبسه هفتم ، مهر ماه ۶۵ روز بود .

$$۲۲۸۰ \div ۱۲۰ = ۱۹$$

$$۱۹ - ۱۲ = ۷$$

با توجه به شمارش های انجام شده ، جمع روزهای سپری شده ، از مبدأ سال های باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) تا مبدأ تاریخ رصد (اوستایی) ، و از مبدأ تاریخ رصد تا مبدأ مبدأ شمسی هجری برابر بود :

$$۱۲۰۴۵۶۹ + ۸۵۶۸۵۸ / ۱۷ = ۲۰۶۱۴۲۷ / ۱۷ \text{ جمع روزهای سپری شده .}$$

$$۲۰۶۱۴۲۷ / ۱۷ \div ۷ = ۴ \text{ مانده}$$

هرگاه از روز دوشنبه مبدأ سال های باستانی ایرانی ۴ روز ، به توالی شمرده شود روز پنجشنبه بدست می آید: دو شنبه ، سه شنبه ، چهارشنبه ، پنجشنبه ، ... هر گاه یک واحد به جمع روزهای سپری شده سال های باستانی ایرانی افزوده گردد؛ روز مبدأ شمسی هجری ( روز جمعه ) بدست می آید .  
برای آگاهی ، ارقام بالا به سال اعتدالی تبدیل می شود .

$$۲۰۶۱۴۲۷ \div ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۵۶۴۴ / ۰۰۰۰۲$$

و نیز : هرگاه جمع روزهای سپری شده سال ۱۳۷۵ شمسی هجری ، در عدد ۷ طرح گردد ؛ روز جمعه ، مبدأ شمسی هجری بدست می آید .

$$۱۳۷۵ \times ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۵۰۲۲۰۸ / ۰۱$$

$$۵۰۲۲۰۸ \div ۷ = ۰ \text{ مانده}$$

توجه : آخرین روز سال ۱۳۷۵ شمسی هجری روز پنجشنبه است ، هر گاه به طور غیر توالی ( به قهقراء ) هفت روز ( صفر ، نشانه عدد ۷ است ) ، شمردن شود؛ روز جمعه بدست می آید. ضمناً کسر ۰/۱ به اندازه ۱۴ دقیقه ، مربوط به روز جمعه آغاز سال ۱۳۷۶ است .

جمعه ، شنبه ، یکشنبه ، دو شنبه ، سه شنبه ، چهار شنبه ، پنجشنبه

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

تبدیل روزهای سپری شده باستانی ایرانی تا روز مبدأ شمسی هجری ، به سال ، ماه و روز باستانی ایرانی .

سالهای سپری شده باستانی ایرانی .  $2061427 \div 365 = 5647 / 7452$

روزهای سپری شده از سال ۵۶۴۸ باستانی ایرانی

$$/7452 \times 365 = 271 / 998 \# 272$$

روزهای مانده از سال ۵۶۴۸ باستانی ایرانی .  $365 - 272 = 93$

$$272 = (8 \times 30 + 5) + 27$$

روز پیش از مبدأ شمسی هجری برابر با ۲۷ آذر ماه سال ۵۶۴۸ باستانی ایرانی بود .

## مبدأ گاهشماری یزدگردی نو - (فرسی)

مبدأ یزدگردی نو ( فرسی ) را چنین گزارش دادند :

(۱) روز سه شنبه ۲۲ ربیع الاول سنه ۱۱ هجری ، ۱۶ ژوئن ( حریران ) سال ۶۳۲ مسیحی ( میلادی ) ، روز نود و یکم از اول بهار ، بین التاریخین ۳۶۲۳ روز. (۱۸)

(۲) روز سه شنبه ۲۲ ربیع الاول سال ۱۱ قمری. (۱۹)

(۳) روز سه شنبه ۲۱ ربیع الاول ۱۱ ه.ق/ ۲۹ خرداد ۱۰ ایرانی / ۱۶ ژوئن ۶۳۲. (۲۰)

(۴) مبدأ گاه شماری یزدگردی ۳۶۲۴ روز بعد از مبدأ گاه شماری ه.ق. (۲۱)

(۵) روز سه شنبه ۱۶ ژوئن سال ۶۳۲ مسیحی ( میلادی ) ، برابر با ۲۲ ربیع الاول سال ۱۱ هجری قمری. (۲۲)

توضیح : مبدأ یزدگردی ( یزدگردی نو - فرسی ) بدون کمترین اختلاف ، دنباله سال های باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) است ؛ اما با تاریخ نو . دلیل آن کاملاً مشخص نیست . آنچه پیشینیان راجع به جلوس یزدگرد سوم پادشاه ساسانی و مبدأ تاریخ یزدگردی گفته اند ، با توجه به سکه های موجود و روایات گوناگون ، جای گمان و درنگ است .

با توجه به جدول همزمانی ( تقارن ) دوره های ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ ساله ، مبدأ

یزدگردی ( یزدگردی نو - فرسی ) مقارن بوده است با :

روز چهارشنبه آغاز سال ۵۶۵۹ باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) .

برابر با ۳۰ خرداد ماه سال ۱۱ ایرانی ( شمسی هجری ) .

مطابق با ۲۲ ربیع الاول سال ۱۱ قمری هجری .

همزمان با : ۱۷ ژوئن سال ۶۳۲ میلادی .

۱۸- گاه شماری در ایران قدیم ، مقالات نفی زاده / جلد دهم ، ص ۴ ، متن و حاشیه.

۱۹- تاریخ ادبیات ایران . ص ۴۲۱

۲۰- گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله / ص ۲۲۹

۲۱- تحقیقی در زمینه گاه شماری هجری و مسیحی / ص ۶۷

۲۲- تاریخ تاریخ در ایران / ص ۲۴۹



- روزهای سپری شده از مبدأ شمسی هجری تا مبدأ یزدگردی نو - فرسی ،  
۳۷۴۳ روز .

- روزهای سپری شده از مبدأ قمری هجری تا مبدأ یزدگردی نو ( فرسی ) ۳۶۲۴  
روز

- روزهای مانده تا زمان تقارن ۱۳۶۵۱۰ روز .

توجه : داده های بالا اینگونه بدست آمد :

سال های سپری شده باستانی ایرانی .  
 $۵۶۵۹ - ۱ = ۵۶۵۸$

روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی .  
 $۵۶۵۸ \times ۳۶۵ = ۲۰۶۵۱۷۰$

مانده  
 $۲۰۶۵۱۷۰ \div ۷ = ۲$

مبدأ روز سال های باستانی ایرانی ، مطابق سالشمار شمسی هجری ، روز  
دوشنبه بود . هرگاه ۲ روز به توالی ( به پیش ) شمرده شود روز سه شنبه ، یعنی  
پایان سال بدست خواهد آمد . با افزودن یک واحد به ارقام روزهای سپری شده ،  
آغاز سال ۵۶۵۹ باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) یا : مبدأ یزدگردی  
( یزدگردی نو - فرسی ) بدست خواهد آمد .

روز  
 $۲۰۶۵۱۷۰ + ۱ = ۲۰۶۵۱۷۱$

مانده  
 $۲۰۶۵۱۷۱ \div ۷ = ۳$

دوشنبه سه شنبه چهارشنبه

۱ ۲ ۳

از سوی دیگر ، روزهای سپری شده باستانی ایرانی تا مبدأ شمسی هجری ، برابر  
با ۲۰۶۱۴۲۷ روز بود . همچنین : روزهای سپری شده باستانی ایرانی در هنگام  
تقارن ( روز یکم از سال ۳۸۵ شمسی هجری ) ، برابر با ۲۲۰۱۶۸۰ روز بود .

$۳۸۵ - ۱ = ۳۸۴$

روز  
 $۳۸۴ \times ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۱۴۰۲۵۳$

پایان دور چهارم .  
(  $۱۵۰۸ \times ۴ = ۶۰۳۲$  )

روز  
 $۶۰۳۲ \times ۳۶۵ = ۲۲۰۱۶۸۰$

روز  
 $۲۲۰۱۶۸۰ - ۱۴۰۲۵۳ = ۲۰۶۱۴۲۷$

مانده  
 $۲۰۶۱۴۲۷ \div ۷ = ۴$

هر گاه از روز دوشنبه مبدأ باستانی ایرانی ، ۴ روز به توالی شمرده شود روز پنجشنبه ، یعنی : روز قبل از مبدأ شمسی بدست می آید . با افزودن یک واحد ، روز جمعه ، مبدأ شمسی هجری خواهد بود .

با توجه به اینکه بطور اجماع ، مبدأ یزدگردی ( یزدگردی نو - فرسی ) را سال ۱۱ هجری ذکر کرده اند :

سال تامه هجری .  $11 - 1 = 10$

سال تامه یزدگردی نو ( فرسی )  $384 - 10 = 374$

روز  $374 \times 365 = 136510$

- روزهای سپری شده باستانی ایرانی تا روز پیش از مبدأ یزدگردی ( فرسی )

$2201680 - 136510 = 2065170$

روز  $140253 - 136510 = 3743$

رقم ۳۷۴۳ مربوط به فاصله روزهای بین مبدأ شمسی هجری تا مبدأ یزدگردی نو ( فرسی ) است .

رقم ۱۱۹ روز ، فاصله از مبدأ شمسی هجری تا مبدأ قمری هجری

$3743 - 119 = 3624$

$2065170 + 1 = 2065171$

مانده  $2065171 \div 7 = 3$

هر گاه ، از روز دو شنبه از مبدأ باستانی ایرانی ۳ روز به توالی شمرده شود روز مبدأ یزدگردی ( یزدگردی نو - فرسی ) بدست می آید :

دوشنبه ، سه شنبه ، چهارشنبه .

۱ ۲ ۳

سال سپری شده باستانی ایرانی  $2065170 \div 365 = 5658$

پایان هر سال ، آغاز سال نو است .  $5658 + 1 = 5659$

$2065171 \div 365 = 5658 / 0027$

کسر ۰۰۲۷ / مربوط به سال ۵۶۵۹ باستانی ایرانی ، یا سال یکم از مبدأ یزدگردی نو ( فرسی ) است .

ضمناً : ( سال اعتدالی )  $2065170 \div 365 / 24219 = 5654 / 2482$

روز  $2482 \times 365 = 90 / 593 \# 91$

رقم ۹۱ نشان می دهد: در مبدأ گاهشماری یزدگردی نو (فرسی) ۹۱ روز تمام از اعتدال بهاری گذشته بود.

روزهای سپری شده.  $91 = (31 \times 2) 29$

( ← جدول همزمانی دوره های ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ ساله ) .

سال  $6032 - 5658 = 374$

روز  $374 \times 365 = 136510$

روز  $140253 - 136510 = 3743$

تطبیق مبدأ یزدگردی نو (فرسی) با سال و ماه روز قمری هجری

روز های سپری شده از سال های قمری هجری  $3743 - 119 = 3624$

رقم ۱۱۹ روز فاصله بین ( بین التاریخین ) مبدأ شمسی هجری تا مبدأ قمری هجری است .

سال تامه ، ۱۰ سال تمام .  $3624 \div 354 / 3671 = 10 / 226683$

روز  $10 / 226683 \times 354 = 80 / 245782 \# 80$

$80 = (30 + 29) + 21$

رقم ۲۱ مربوط به پایان روز بیست و یکم ربیع الاول سال یازدهم قمری هجری است هر گاه یک واحد به ۳۶۲۴ روز افزوده گردد ، سال و ماه و روز سپری شده قمری هجری منطبق با مبدأ یزدگردی نو (فرسی) خواهد بود .

$3624 + 1 = 3625$

مانده  $3625 \div 7 = 6$

هر گاه از مبدأ قمری هجری ( روز جمعه ) ۶ روز به توالی شمرده شود ، روز چهارشنبه مبدأ یزدگردی نو (فرسی) بدست می آید .

جمعه      شنبه      یکشنبه      دوشنبه      سه شنبه      چهارشنبه

۱      ۲      ۳      ۴      ۵      ۶

توجه : سال و ماه و روز سپری شده از مبدأ یزدگردی نو (فرسی) تا پایان روز یکم امرداد ماه سال ۱۳۷۶ شمسی هجری عبارت است از : ۱۳۶۶ سال تمام . و آغاز سال ۱۳۶۷ یزدگردی نو (فرسی) ، برابر با روز پنجشنبه خواهد بود .

دقت : از مبدأ باستانی تبری تا پایان سال ۱۳۶۶ فرسی ، یعنی : روز یکم امرداد

ماه سال ۱۳۷۶ شمسی هجری ، یک دور کامل ۱۵۰۸ ساله باستانی سپری شده است . بنا بر این مشاهده می شود که سالشمار یزدگردی ( فرسی ) پس از ۹۹۲ سال ، با توجه به چرخش یک روز ، در هر ۴/۱۳۱۵۰۶۸ سال ، سِر سالِ یزدگردی نو ( فرسی ) با جزئی اختلاف مقارن و همزمان با سالشمار باستانی تبری گشته است . پایان این تقارن سال ۱۳۶۸ یزدگردی نو ( فرسی ) خواهد بود.

## مبدأ جلالی (ملکی) و فاصله نوروز یزدگردی نو (فرسی) با آن

آگاهی از سال و ماه و روز یزدگردی نو و تطبیق آن، به هنگام تعیین مبدأ جلالی بی فایده نخواهد بود. البته باید به خاطر داشت: گاهشماری باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم) از روز چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۱ ایرانی (شمسی هجری) بنابه دلایلی که هنوز دقیقاً مشخص نیست، به نام یزدگردی (فرسی) تغییر کرد. اما اساس و چگونگی سالشمار آن با نام نو محفوظ ماند. در واقع، یزدگردی نو (فرسی) همان گاهشماری باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم) است. یزدگردی را «الهی»، «دینی» معنی کرده اند. (۲۳)

مبدأ گاهشماری جلالی (ملکی) چنین گزارش شده است:

روز آدینه (جمعه) یکم فروردین ۴۵۸ ایرانی (شمسی هجری) / ۹ رمضان ۴۷۱ هـ ق (۲۴)

پیش از شمارش و محاسبه سالشمار یزدگردی نو (فرسی)، در وقت مبدأ جلالی، باید به داده ها و پایه های نجومی زیر توجه داشت:

الف) روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم)، تا روز پنجشنبه، روز پیش از مبدأ شمسی هجری، ۲۰۶۱۴۲۷ روز بود. «مبدأ شمسی هجری روز جمعه بود» (۲۵)

ب) روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی، از مبدأ شمسی هجری تا روز سه شنبه، روز پیش از مبدأ یزدگردی نو، ۳۷۴۳ روز بود. مبدأ یزدگردی نو (مبدأ سال های فرسی)، روز چهارشنبه، ۲۲ ربیع الاول سال ۱۱ قمری هجری بود.

ج) روزهای سپری شده از سال های باستانی، از مبدأ یزدگردی نو، تا پایان سال ۳۷۴ یزدگردی نو، روز جمعه، ۱۳۶۵۱۰ روز بود. نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو (فرسی)، برابر با روز شنبه، مقارن با نوروز سال ۳۸۵ ایرانی (شمسی هجری)

بود .

توجه :

تا روز جمعه ، پایان اسفند سال ۳۸۴ ایرانی ( شمسی هجری ) ، جمع روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی ، ۲۲۰۱۶۸۰ روز بود . در زمان یاد شده ، چهار دوره ۱۵۰۸ ساله ، یعنی : ۶۰۳۲ سال ، از سال های باستانی سپری شده بود ، و آغاز دور پنجم از دوره ۱۵۰۸ ساله ، یعنی : روز یکم از سال ۶۰۳۳ ، از روز شنبه ، مقارن با نوروز سال ۳۸۵ ایرانی ( شمسی هجری ) بود .

سال گردان  $4 \times 1508 = 6032$

روز  $6032 \times 365 = 2201680$

جمع روزهای ۶۰۳۲ سال گردان ، به سال اعتدالی چنین خواهد بود :

سال اعتدالی  $2201680 \div 365 / 2422 = 6028$

روز مبدأ سال های باستانی ایرانی ، مطابق روز شمار هفته ، دو شنبه بود . لذا هر گاه ۲۲۰۱۶۸۰ روز در عدد ۷ طرح گردد ، مانده آن ۵ خواهد بود . از دو شنبه ، ۵ روز به توالی شمرده شود ، روز جمعه بدست می آید . پایان اسفند سال ۳۸۴ ایرانی ( شمسی هجری ) جمعه بود . بنا بر این روز پس از آن روز ، آغاز روز یکم از سال ۳۸۵ ایرانی ( شمسی هجری ) ، شنبه بود .

$2201680 + 1 = 2201681$

مانده  $2201681 \div 7 = 6$

هر گاه ، از روز دو شنبه مبدأ سال های باستانی ایرانی ۶ روز به توالی شمرده شود روز شنبه بدست می آید .

دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶

د ( از خوردات روز ( یکشنبه ) ، از امرداد ماه سال ۲۲۱۴ رصد ( سال اوستایی ) ، یعنی : از مبدأ گاهشماری باستانی تبری ( ۱۳۲ سال و ۲۴۰ روز پیش از مبدأ شمسی هجری ) ، تا نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو ، سال گردان باستانی ، با ۱۲۵ روز چرخش ، از یکم امرداد ماه ، به آغاز سال حقیقی ( اعتدال بهاری ) پیوست . سال های سپری شده در این مدت ، تا روز پیش از نوروز سال ۳۸۵ ایرانی

(شمسی هجری) ، عبارت از : ۱۸۸۷۰۵ روز ، یا : ۵۱۷ سال بود .

$$\text{روز} \quad ۴۸۴۵۲+۳۷۴۳+۱۳۶۵۱۰=۱۸۸۷۰۵$$

$$\text{یا : سال گردان} \quad ۱۳۳+۱۰+۳۷۴=۵۱۷$$

$$\text{و نیز:} \quad ۱۲۵ \times ۴ / ۱۳۱۵۰۶۸ = ۵۱۶ / ۴۳۸۳۵ \# ۵۱۷$$

(هـ) با پایان یافتن دور چهارم از دوره ۱۵۰۸ ساله ، یعنی : سال ۶۰۳۲ باستانی ایرانی و آغاز سال ۶۰۳۳ از دور پنجم ، مجدداً سر سال باستانی ایرانی ( با نام جدید یزدگردی نو - فرسی ) ، در هر ۴ / ۱۳۱۵۰۶۸ سال ، یک روز ، از نوروز حقیقی ( اعتدال بهاری ) فاصله گرفته است . این چرخش و فاصله از سال ۳۷۵ یزدگردی نو ( فرسی ) تا پایان آبان ماه ۱۳۶۴ یزدگردی نو ( فرسی ) ، یعنی تا پایان سال ۱۳۷۳ شمسی هجری ، ۲۴۰ روز ، از اعتدال بهاری بود .

$$۳۷۵-۱=۳۷۴$$

$$۱۳۶۴-۳۷۴=۹۹۰$$

$$\text{روز} \quad ۹۹۰ \div ۴ / ۱۳۱۵۰۶۸ = ۲۳۹ / ۶۲۲۰۱ \# ۲۴۰$$

$$\text{روزهای مانده از سال} \quad ۳۶۵-۲۴۰=۱۲۵$$

اینک ، با توجه به داده های فوق به آسانی می توان ، سال و ماه و روز یزدگردی نو ( فرسی ) ، و تطبیق آن با مبدأ جلالی ( ملکی ) را بدست آورد .

$$\text{سال تامه اعتدالی} \quad ۴۵۸-۱=۴۵۷$$

$$\text{سال تامه اعتدالی، هنگام تقارن} \quad ۳۸۵-۱=۳۸۴$$

$$\text{سال های سپری شده .} \quad ۴۵۷-۳۸۴=۷۳$$

$$\text{روز} \quad ۷۳ \div ۴ / ۱۳۱۵۰۶۸ = ۱۷ / ۶۶۹۰۹۸ \# ۱۸$$

$$\text{یا : روز های سپری شده سال یزدگردی نو ( فرسی )} \quad ۷۳ \times ۳۶۵ = ۲۶۶۴۵$$

$$\text{روزهای سپری شده سال اعتدالی} \quad ۷۳ \times ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۲۶۶۶۲ / ۶۷۹$$

$$\text{فاصله سال گردان از سال اعتدالی} \quad ۲۶۶۶۲ / ۶۷۹ - ۲۶۶۴۵ = ۱۷ / ۶۷۹$$

بنابراین سر سال یزدگردی نو ( فرسی ) در طول ۷۳ سال ، ۱۷ روز ، از نوروز حقیقی ( اعتدال بهاری ) فاصله داشت . کسر ۱۷ / ۶۷۹ روز ، مربوط به نخستین روز از مبدأ جلالی است .

$$\text{پس : جمع روزهای سپری شده فرسی} \quad ۱۳۶۵۱۰ + ۲۶۶۴۵ = ۱۶۳۱۵۵$$

سال تمام شده فرسی در ۱۲ اسفند سال ۴۵۷ ایرانی (شمسی هجری) .

$$۱۶۳۱۵۵ \div ۳۶۵ = ۴۴۷$$

کسر ۶۷۹ / یک روز بشمار می آید ، پس :

$$۱۷ + ۱ = ۱۸$$

$$۱۶۳۱۵۵ + ۱۸ = ۱۶۳۱۷۳$$

رقم ۱۶۳۱۷۳ روز نشان دهنده جمع روزهای سپری شده از مبدأ یزدگردی نو (فرسی) تا پایان روز هژدهم فروردین سال ۴۴۸ یزدگردی نو (فرسی) و یا : به عبارت دیگر ، برابر با روز جمعه آغاز سال ۴۵۸ ایرانی (شمسی هجری) ، یا روز یکم ، از ماه فروردین ، از سال یکم جلالی (ملکی) بود .

$$۱۶۳۱۷۳ \div ۷ = ۳ \quad \text{مانده}$$

هرگاه ، از روز چهارشنبه مبدأ یزدگردی نو (فرسی) ۴ روز به پیش (به اینسو ، به توالی) شمرده شود روز جمعه بدست می آید .

چهارشنبه پنجشنبه جمعه

۳      ۲      ۱

همچنین ، از روز جمعه مبدأ شمسی هجری تا مبدأ یزدگردی نو (فرسی) ، ۳۷۴۳ روز سپری شده بود ، با جمع ۱۶۳۱۷۳ روز پیش از مبدأ جلالی (ملکی) بدست می آید .

$$۱۶۳۱۷۳ + ۳۷۴۳ = ۱۶۶۹۱۶ \quad \text{روز}$$

سال تمام شده ایرانی (شمسی هجری)

$$۱۶۶۹۱۶ \div ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۴۵۷ / ۰۰۰۸۷$$

رقم ۱ مربوط به روز جمعه مبدأ جلالی (ملکی) است . مانده ۱ =  $۱۶۶۹۱۶ \div ۷$



## بررسی های نجومی و تاریخی

(۱) در سالشماری سال های باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) کبیسه اجرا نمی شد ؛ چون : سر سال ، گردان و در چرخش بود . قید ۱۳ نوبه از زیر دوره ۱۱۶ ساله ، از دوره ۱۵۰۸ ساله ، فقط یک محاسبه نجومی است . اگر در سالشماری سال های باستانی ایرانی ، کبیسه اجرا می گردید ، نیازی به رصد ، و مبدأ سال های اوستایی و شمار آن نبود . وانگهی تعداد ماه های سال ۱۲ تا بوده است ؛ چگونه می توانستند ۱۳ نوبه را با ۱۲ ماه تطبیق دهند . چون نشان سپری شدن هر نوبه از هر زیر دوره ، این بوده که گاهنبار در پایان ماه یکم ، دوم ، سوم ، یا ... قرار گیرد ؛ پس : در نوبه ۱۳ از زیر دوره ۱۱۶ ساله ، گاهنبار در پایان کدام ماه قرار می گرفت ؟ در باره قرار گرفتن گاهنبار ( خمرسه ) در پایان آبان ماه باستانی ، پیشتر یاد آوری شده است .

(۲) گاهشماری یزدگردی نو ( فرسی ) : بدون یک روز کم و بیش ، دنباله سال های باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) بوده و از لحاظ سالشماری ربطی به گاهشماری رصد یا اوستایی نداشته است . ( با توجه به روز سه شنبه ، که در داده های تاریخی و نجومی ذکر گردید ) .

(۳) مبدأ گاهشماری یزدگردی نو ( فرسی ) ، مربوط به یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی نیست ، چراکه وی در سال ۱۱ ایرانی ( شمسی هجری ) در زمان حیات ، پیامبر اسلام ، حضرت محمد (ص) ، پادشاه ایران نبود .

(۴) مبدأ یزدگردی نو ( فرسی ) : روز چهارشنبه ۳۰ خرداد سال ۱۱ ایرانی (شمسی هجری) مقارن با ۲۲ ربیع الاول سال ۱۱ قمری هجری ، مربوط به رحلت پیامبر اسلام نیست . چراکه آن حضرت ، بنا بر روایات اسلامی ، در روز دوشنبه ۲۸ ماه صفر وفات یافته بود .<sup>(۲۶)</sup> ضمناً روز ۲۲ ربیع الاول سال ۱۱ قمری هجری ، به افق ایران برابر با روز چهارشنبه بود !

$$11-1=10$$

$$10 \times 354 / 3671 = 3543 / 671 \# 3544$$

$$3544 + (30 + 29) + 22 = 3625$$

مانده

$$۳۶۲۵ \div ۷ = ۶$$

هرگاه از روز جمعه ( مبدأ قمری هجری ) ، ۶ روز به اینسو شمرده شود ، روز چهارشنبه بدست خواهد آمد :

جمعه ، شنبه ، یکشنبه ، دو شنبه ، سه شنبه ، چهار شنبه ، پنجشنبه

۱      ۲      ۳      ۴      ۵      ۶      ۷

و همچنین در آن سال ، دوم و دوازدهم ربیع الاول ، به ترتیب پنجشنبه و یکشنبه بود . و نیز ، دوم ، دوازدهم و بیست و دوم ربیع الاول سال دهم قمری هجری ، برابر با روزهای : شنبه ، سه شنبه و جمعه بود .

(۵) در دوره ساسانیان ، به دلیل انتخاب تاریخ سال ها بر اساس جلوس سلطنت هر پادشاه ، و نیز کنار گذاشتن آن پس از ساسانیان ، اغلب ایرانیان مسلمان ، که همچنان پای بند به برگزاری نوروز و آیین های ملی نیاکان بودند ؛ به ناگزیر به خاطر اینکه متهم به گرایش به دین زرتشتی نشوند زمان برگزاری آیین ها را برابر سال های باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) که حساب و شمار آن به عنوان پایه نجومی سال های ایرانی در دست بود ؛ قرار دادند . پس آنگاه ، با توجه به سپری شدن سال ها و اختلال در تاریخ و تقویم ایرانیان ، مورخان و منجمان از روی قرائن و داده های تاریخی گمان کردند ، که سالمشار یزدگردی نو ( فرسی ) مربوط به یزدگرد سوم ، و شمار و جای ماه و روز آن هم ، دنباله سال های اوستایی ( وهیجک ) بوده است . لذا با توجه به آنچه در کتب تاریخی ، مربوط به زمان جلوس یزدگرد سوم قید گردیده بود ، سال ۱۱ قمری هجری را ، مبدأ یزدگردی نو ( فرسی ) دانستند .

(۶) تاریخ جلوس و مرگ یزدگرد سوم ، با توجه به سکه های موجود مربوط به وی <sup>(۲۷)</sup> ظاهراً غیر از آنست که منابع تاریخی ایرانی و غیر ایرانی داده اند . در این زمینه ، پژوهش و هماهنگی گروهی ، از سوی باستان شناسان ، سکه شناسان ، زبان شناسان آگاه به خط و زبان پهلوی ساسانی و مورخان مطلع ، تاریخ دقیق جلوس و مرگ یزدگرد سوم را ( با قید مکان ) بدست خواهد داد .

(۷) در سال هایی که ایرانیان مسلمان ، گاهشماری یزدگردی نو ( فرسی ) را به

عنوان سالشمار ایرانی انتخاب کردند؟! - در نواحی شمالی ایران که اسپهبدان یسنایی ( شاهان بومی ، مانند : گیل ژاماسپ ، پادوسپان ، فرخان ، دادمهر ، خورشید ، و ... ) تا سه قرن دارای حکومت مستقل ایرانی بودند ، در گاهشمار باستانی ساکنان کوهستان البرز و نواحی جلگه ای مازندران و گیلان تغییری رخ نداد .

۸) در کتب تاریخی مربوط به مازندران و گیلان ، رویان ( مجموعه مناطق کوهستانی و غیر کوهستانی ) ، به هنگام ذکر وقایع تاریخی ، در کنار تاریخ قمری هجری در برخی جاها ، نام ماه ها و روزهای ایرانی ( مثلاً : بیست و نهم تیر ماه قدیم ) آورده شده که متأسفانه ، عموماً نادرست هستند ، چون نه تنها با سال و ماه و روز باستانی ، تبری یا دیلمی ، برابر نیستند بلکه با سالشمار فرسی هم جور در نمی آیند . این نادرستی ها احتمالاً از سوی کاتبان رخ داده است . ( ۲۸ )

۹) در مازندران و گیلان از اواخر قرن سوم هجری به اینسو ، کارگزاران دولتی اسپهبدان ، در امور دیوانی ، همانند رسوم رایج در حکومت مرکزی ایران عمل می کردند . یعنی : در ذکر وقایع ، به ویژه وقایع تاریخی ، در کنار سالشمار دینی ( قمری هجری ) گاهی ، از سالشمار ایرانی ( یزدگردی نو ) بهره می جستند . با اینکه از زمان خیام و بعد از آن ، آغاز سال با نوروز ( اعتدال بهاری ) مرسوم گشت ؛ دبیران و مورخان دربار اسپهبدان بنا به سابقه ذهنی و رسم رایج از شمار ماه و روز ایرانی در کنار سالشمار قمری هجری استفاده می کردند . دبیران ، مورخان و منجمان حکومتی در مازندران و گیلان با توجه به عدم آگاهی از مبدأ و ریشه سال های باستانی تبری و دیلمی ، نتوانستند سالشمار یا تقویم مربوط به گاهشمار رایج در میان مردمان کوهستان را تنظیم کنند ؛ اما مردمان کوهستان ، شمار روز و ماه و سر سال را ( همراه با برگزاری آیین های باستانی ) پیش خود محفوظ می داشته اند .

۱۰) استفاده از تقویم های نجومی ( تقاویم احکامی ) در مازندران و گیلان سبب گشت که ساکنان این مرز و بوم بپندارند : گاهشمار باستانی تبری ( تقویم تبری ) یا گاهشمار دیلمی ( تقویم دیلمی ) همان سالشمار یزدگردی نو

(فرسی) است .

(۱۱) در یک قرن اخیر ، سال گردان یزد گردی نو ( فرسی ) از لحاظ زمانی ، به تدریج همزمان و مقارن با روزها و ماه های سالشمار باستانی تبری و با اندکی اختلاف ، سالشمار باستانی دیلمی شده است .

(۱۲) از مبدأ باستانی دیلمی ( ۱۹۵ سال قبل از مبدأ شمسی هجری ) ، و از مبدأ باستانی تبری ( ۱۳۳ سال پیش از مبدأ شمسی هجری ) به اینسو ، در هر چهار سال یک روز با نام «ویشک» و «شیشک» کیسه اجرا می شده است . اجرای کیسه در هر چهار سال تا مبدأ گاهشماری جلالی ( نوروز سال ۴۵۸ ایرانی ) برقرار بود . در فاصله سال های سپری شده تا مبدأ جلالی ، در گاهشماری باستانی دیلمی و تبری تقریباً ۵ و ۴ روز اختلاف زمانی به جهت کسر ۰۰۷۸ / (حدود ۱۱ دقیقه در هر سال) ایجاد گردید ؛ و پنجیک دیلمی و پتک تبری و نیز سر سال هر دو از اعتدال بهاری فاصله گرفتند .

با توجه به حساسیت ملی در برگزاری جشن نوروز و اجرای آیین های باستانی در زمان معین ( و مسئله اعتدال بهاری و تنظیم طول سال در زمان خیام ) ، مردمان دیلمان و لاریجان جای پنجیک و پتک تبری و سر سال را به جای اصلی برگرداندند و همانند گذشته پنجیک دیلمی از ۱۶ فروردین ، و پتک تبری در ابتدای نوروز قرار گرفت . و از آن پس اجرای کیسه دیلمی «ویشک» و اجرای کیسه تبری «شیشک» به موازات کیسه سال های اعتدالی ( جلالی ) قرار گرفت . و در این روزگار ، نیز به موازات کیسه سال های شمسی هجری عمل می گردد .

(۱۳) مرحوم سید حسن تقی زاده ، در مقاله یک عادت قدیمی ایرانی ... (۲۹) پس از گفتار کوشیار گیلانی ، از قول اسکندر بیک ، ترکمان ، منشی در بار شاه عباس ، مؤلف عالم آرای عباسی ( ضمن گزارش وقایع سال ۱۰۲۱ قمری هجری ) آورده است : « رسم مردم گیلان چنان است که در طول مدت پنج روز (خمسه) اضافی که بنا به ، محاسبه منجمان آن ناحیه پس از سه ماه بهار واقع است و در میان ایرانیان روز های آب افشاندن است ، همه مردم از پیر و جوان و

زن و مرد بکنار دریا می روند و با آب دریا استحمام می کنند. « دنباله - > ...»  
 واقعاً در آن زمان آغاز سال ایرانی ( فرسی ) ۱۴ اکتبر بوده و بنا بر آن پایان ماه  
 آبان فرسی مطابق با ۲۰ ژوئن ( سال ۱۶۱۲ م ) می شده که همان آخر بهار بوده  
 است . ولی استعمال گاه شماری ایرانی در میان مسلمانان ایران همانگونه که از  
 پیش اشاره کردیم (کردم) ظاهراً از میان رفته است . و با احتمال غالب امروز هیچ  
 جای ایران نیست که این گاه شماری در آن رواج داشته باشد فقط در بعضی از  
 تقاویم احکام نجومی ، که سالانه در ایران منشر می شود گاه شماری اصلی قدیم  
 ایران را در ستون های مخصوصی ثبت می کنند . « گفته های بالا که در چند  
 کتاب دیگر هم آمده است (۳۰) ؛ نیاز به پاسخ دارد :

الف ) شاه عباس صفوی ، همانند شاه اسماعیل صفوی (۳۱) و تیمور لنگ (۳۲)  
 و مسعود غزنوی (۳۳) و ... ، فجیع ترین جنایت ها را در مازندران و گیلان  
 مرتکب شده تا بتواند همانند اسلاف ، این دو سرزمین را جزء حکومت خویش  
 قرار دهد . پس از تسلط ، کارگزاران او مردم را وادار می کردند که مطابق سیره و  
 سنن آنها رفتار کنند .

ب ) از زمانی که فرمانروایان مرکزی ایران بر مازندران و گیلان چنگ انداخته اند  
 قید سالشمار یزدگردی نو ( فرسی ) ، در کنار سالشمار قمری هجری به هنگام  
 ذکر وقایع رسم شده است . ابن اسفندیار در چگونگی کارگیل گاو باره - فقط  
 آورده است : و این در سال سی و پنج بود از تاریخی که عجم به نو نهاده  
 بودند، (۳۴)

ج ) اطلاعات اسکندرمنشی ، از سالشمار و تقویم مردم گیلان ، که بیشماری از  
 آنها در مناطق کوهستانی زندگی می کرده اند ؛ نادرست بود . منشی ، سالشمار  
 رایج در میان منجمان و دبیران را ( که در تقویم های احکامی ، فرسی ، و به

۳۰- نقد و تحقیق : دفتر سوم / ص ۸۶ ، ۸۷

۳۱- تاریخ خاندان مرعشی مازندران / ص ۸۴ ، ۸۵

۳۲- تاریخ طبرستان ، رویان و مازنداران / ص ۲۲۵-۲۳۴

۳۳- تاریخ بیهقی / ص ۶۷ ، ۶۸ ، ۶۹ - ۶۸۷

۳۴- تاریخ طبرستان . ص ۱۵۴

اشباه فرس می نامیدند) ؛ با سالشمار باستانی مردم گیلان ، یکی دانسته و  
 خمسۀ تقویم یزدگردی نو ( فرسی ) را با : پنجیک پایان آبان ماه باستانی دیلمی و  
 روبرای پنجیک و گالشی پنجیک برابر پنداشت و شاید اصلاً از این نام‌ها خبر  
 نداشت .

د ) آیین باستانی آب افشانی ، در قدیم در تیر ماه بود . پنج روز گاهنبار باستانی  
 (یا: خمسۀ ) در پایان آبان ماه (آول ما ، دیلمی - و - اونه ماه تبری ) ، از ۱۳۳  
 سال پیش از مبدأ شمسی هجری ، در وسط و آغاز فروردین ( اعتدال بهاری )  
 قرار داشته است . و مردم گیلان و مازنداران در این روزها ، که مقارن با روزهای  
 نوروزی می شد به جشن و شادمانی می پرداخته اند . تا آنجا که این بنده دیده و  
 شنیده‌ام ، در میان مردم چنین مرسوم بوده که در ایام گاهنبار ( خمسۀ ) نباید  
 زمین را شخم زد ؛ شلتوک را خیس کرد ؛ و یا هر نوع بذر در زمین افشانند . چرا که  
 بر این باور بوده‌اند که این روزها مقدس بوده و اگر کسی در این روزها به این امور  
 بپردازد برای او نیامد دارد .

هـ) با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی ، مازندران و گیلان به ندرت دچار  
 خشکسالی و کم آبی گشته است و هر گاه هم خشکسالی و کم آبی پدید آمده  
 باشد گذرا و موقتی بوده است بنا بر این قبول برگزاری آیین آب پاشان در  
 مازندران و گیلان جای درنگ است . در این دو سرزمین ، از قدیم مرسوم بوده  
 است : هر گاه بلای مفاجات روی می آورده است ؛ و یا احیاناً در سالی ، باران  
 خیلی کم - و یا زیاد می بارید و زیان همگان در میان بود ؛ به صورت گروهی  
 تجمع کرده به دعا می پرداخته اند و شیلان میکشیدند . اصولاً عادت ساحل  
 نشینان و استفاده آنها از دریا و شنا ( از آغاز گرما و تابستان ) امری عادی بوده  
 است .

و ) بنا به گفته مرحوم تقی زاده پایان آبان ماه سال ۹۸۱ یزدگردی نو ( فرسی ) ،  
 مقارن با سال ۱۰۲۱ قمری هجری ، مطابق با ۲۰ ژوئن ( سال ۱۶۱۲ م ) بود . با  
 توجه به سالشمار باستانی تبری و دیلمی :

روز چهارشنبه ۳۰ آبان ماه سال ۹۸۱ یزدگری نو ( فرسی ) .

۲۰ ژوئن سال ۱۶۱۲ میلادی .

۲۰ ربیع الثانی سال ۱۰۲۱ قمری هجری .

۳ تیر ماه سال ۵۳۴ جلالی (اعتدالی) .

۳۱ خرداد ماه سال ۹۹۱ شمسی هجری .

۱۳ وَرْقَنَه ما سال ۱۱۸۵ باستانی دیلمی .

۲۸ وَهْمَنَه ماه سال ۱۱۲۳ باستانی تبری .

ز ( تقی زاده ، از قول موسی نثری همدانی آورده است : نوروز سال ۱۳۱۷ (شمسی هجری) در ۱۶ اونماه بوده است . این حساب با یک روز اختلاف با حساب یزدگردی ( فرسی ) درست می آید و ... ، و از قول شادروان پرویز ناتل خانلری در سال ۱۳۳۹ آورده است : اکنون اول فروردین رسمی مطابق بیست و سوم اونماه است .<sup>(۳۵)</sup> آنچه در بالا ، با نام اونه ماه *unemah* تبری ذکر گردید نیاز به پاسخ صریح است : از سال ۱۲۴۹ ( شمسی هجری ) به اینسو ، آبان ماه سالِ گردانِ یزدگردی ( فرسی ) از ماه اردیبهشت وارد ماه فروردین شد . درست همزمان و مقارن با ماه‌های دیلمی و تبری گردید . با توجه به اینکه گاهشماری تبری ، دیلمی و یزدگردی نو ( فرسی ) هر سه از بن و ریشه وابسته به گاهشماری باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم بوده و هستند . فرق شان در این است که : مردمان کوهستان دیلمان و کوهستان لاریجان که پیش از اسلام از گاهشماری ایرانی باستانی ( یزدگردی قدیم ) ، بهره می جستند بنا به دلایل دینی ، سیاسی و احیاناً اقتصادی ، با انتخاب « ویشک » و « شیشک » به عنوان یک روز کیسه ، سر سال باستانی را که در وسط تابستان قرار داشت نگاه داشتند . به طوری که به یادمان همان سال هنوز هر سال در وسط تابستان ( آغاز سال باستانی تبری ) جشن و آیین « عید ماه ، نوروز قدیم » اجرا می‌گردد . چنانچه در همین سال ( تابستان ۱۳۷۴ ) ، جشن و آیین عید ماه « در جنوب بندپی منطقه کلیا و دیگر جاها ، در دل کوهستان اجرا گردید . « اکنون ۳۰ آبانماه یزدگردی نو ( فرسی ) ، که دنباله دقیق گاهشماری باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) است ؛ درست ، پس از ۱۵۰۸ سال خوردشیدی در جایی قرار گرفت که در ۱۳۳ سال پیش از مبدأ شمسی هجری قرار داشت . در آن زمان سر سال باستانی ایرانی ، ۱۲۵ روز از اعتدال بهاری فاصله داشت به عبارت دقیق تر ، از سال جاری باستانی تا اعتدال

بهاری ۲۴۰ روز سپری شده بود. از آن زمان به اینسو ۵۱۷ سال طول کشید تا سر سال با اعتدال بهاری مقارن شود و این تقارن در نوروز سال ۳۸۵ (شمسی هجری) پیش آمد. از سال ۱۱ ایرانی (شمسی هجری) نام گاهشماری باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم) بنا به دلایلی که هنوز کاملاً مشخص نیست، از سوی ایرانیان، به نام یزدگردی (فرسی) تغییر کرد.

روز یکم، یا نوروز سال ۳۸۵ (شمسی هجری) برابر با روز شنبه، نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو (فرسی) بود. از آن سال تا به اکنون (دوم امرداد ماه سال ۱۳۷۴ شمسی هجری)، سالگردان یزدگردی نو (فرسی)، دقیقاً ۲۴۰ روز چرخش کرده و پایان آبان ماه آن مقارن با اعتدال بهاری گردید. همان گونه که در ۱۵۰۸ سال پیش قرار داشت.

بنا بر این یک دور کامل سپری شد.  $۱۲۵ + ۲۴۰ = ۳۶۵$

سال  $۳۶۵ \times ۴ / ۱۳۱۵۰۶۸ = ۱۵۰۷ / ۹۹۹۹ \rightarrow ۱۵۰۸$

تقارن و همزمانی آبان ماه یزدگردی نو (فرسی)، (در طول ۱۲۴ سال اخیر) با «آول ماه» دیلمی و «اوته ماه» تبری در فروردین ماه (اعتدال بهاری) باعث گردید که هم مردمان مازندران و گیلان که در جلگه‌ها زندگی می‌کنند؛ و هم پژوهشگران ایرانی بیندارند که: گاهشماری دیلمی و تبری، که اسامی ماه‌های آن، از لحاظ ریشه‌ای و معنایی همانند نام ماه‌های باستانی ایرانی است با گاهشماری یزدگردی نو (فرسی) یکی بوده و هست و اما چنین نیست، خوشبختانه هنوز نشان سالشمار باستانی تبری و دیلمی در میان سالخوردهگان کوهستان‌های البرز به ویژه لاریجان و دیلمان و جاهای دیگر محفوظ است. اما دور نیست که با خاموش شدن این پیر مردان و پیر زنان کوه‌ستین (نگاهبانان آیین‌های کهن) که در دور دست‌ها، در بنه‌ها بسر می‌برند؛ این نشان باستانی، همانند بسیاری از نشان‌های دیگر در دل خاک‌ها پنهان شوند و سال‌ها، پس از این روزگار فرزندان ایرانی، در پژوهش‌های خویش ناچار شوند برای باز یافتن همین نشان و نشان‌های دیگر به آثار و نوشته‌های بیگانگان نگاه کنند؛ تا چه به گیرشان آید.

ح) گفته اسکندر بیک ترکمان در تاریخ عالم آرای او چنین است:

«... و حضرت اعلی شاهی ظل الهی بدستور ولایت بهشت آسای مازندران



کامیاب دولت بودند و چون فصل نشاط افزای بهاری سپری گشته هوای آن دیار رو بگرمی نهاد اراده تماشای جشن و سرور و عشرت و سرور پنجه که معتاد مردم گیلان است از خاطر خطیر سرزد رسم مردم گیلان است که در ایام خمسه مسترقه هر سال که بحساب اهل تنجیم آن ملک بعد از انقضای سه ماه بهار قرار داده اند و در میانه اهل عجم روز آب پاشان است بزرگ و کوچک و مذکر و مؤنث بکنار دریا آمده در آن پنجروز بسور و سرور می پردازند و همگی از لباس تکلیف عریان گشته هر جماعت با اهل خود بآب در آمده با یکدیگر آب بازی کرده بدین طرب و خرمی میگذرانند و الحق تماشای غریبی است. (۳۶)

با توجه به آنچه ذکر شد هر گاه منشی، قدری تحقیق و دقت می کرد؛ می توانست فرق خمسه یزدگردی نو (فرسی) را با پنجه اهل تنجیم، بعد از پایان سه ماه بهار در هر سال پی ببرد چون قید عبارت هر سال در پایان سه ماه بهار، این مفهوم را می رساند که آن جشن ۵ روزه به گمان قوی مربوط به یکی از پنجیک های باستانی بوده باشد. پنجیک های باستانی تابع سال گردان فرسی نو نبودند. ضمن اینکه منشی خود ذکر کرده است: هر سال (نه فقط در آن سال)، پس از انقضای سه ماه بهار. ضمناً اگر آن جشن ۵ روزه مربوط به فرا رسیدن خمسه یزدگردی تلقی گردد؛ می بایست در مازندران نیز اجراء می گردید. بدانسان که جشن تیر ماه سیّزه و جشن عید ماه با اختلاف ۱۵ روز اجراء می گردید و هنوز، اجراء این دو جشن کم و بیش دیده می شود.

## نمایه مبدأ های گاهشماري های ایرانی

در این گفتار ، فهرست توصیفی یا نمایه داده ها و پایه های نجومی مربوط به مبدأ ها و فاصله های آنها نسبت به هم آورده شده است .  
این نمایه به علاقه مندان و پژوهشگران کمک خواهد کرد که بدون جستجو در متن ، شمار و داده های مربوط به مبدأ ها و پایه های نجومی را یکجا مطالعه و پژوهش و بررسی نمایند . این نمایه بر اساس ترتیب زمانی مبدأها فهرست شده است .

مبدأ گاهشماري باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) . هر مزد روز برابر با (دوشنبه) ، ۱۲۰۴۵۶۹ روز ، پیش از مبدأ رصد .

مبدأ گاهشماري تاریخ رصد ( اوستایی ) / هر مزد روز ( سه شنبه ) .

۱۲۰۴۵۶۹ روز ، پس از گاهشماري باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) .

مبدأ گاهشماري باستانی دَیلمی / هر مزد روز سال ۵۴۵۴ باستانی ایرانی ، یا : رام روز ( دوشنبه ) ، امرداد ماه سال ۲۱۵۲ از تاریخ رصد ( اوستایی ) .

- روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی ، ۱۹۹۰۳۴۵ روز .

- فاصله تا مبدأ شمسی هجری ، ۷۱۰۸۲ روز .

مبدأ گاهشماري باستانی تبري / هر مزد روز سال ۵۵۱۶ باستانی ایرانی ، یا : خوردهات روز ( یکشنبه ) ، امرداد ماه سال ۲۲۱۴ از تاریخ رصد ( اوستایی ) .

- روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی ، ۲۰۱۲۹۷۵ روز

- روزهای سپری شده از سال باستانی دیلمی ، ۲۲۶۳۰ روز .

- فاصله تا مبدأ شمسی هجری ۴۸۴۵۲ روز .

مبدأ گاهشماري شمسی هجری / روز جمعه ( هر مزد روز ، سال ۲۳۴۷ از تاریخ رصد یا : ۲۸ آذر ماه سال ۵۶۴۷ باستانی ایرانی .

- فاصله تا مبدأ سال های قمری هجری ، ۱۱۹ روز .

- فاصله تا زمان تقارن ( نوروز سال ۳۸۵ شمسی هجری ) ، ۱۴۰۲۵۳ روز تمام .

- روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی ، ۲۰۶۱۴۲۷ روز .

مبدأ گاهشماري قمری هجری - مهی / روز جمعه ، ۱۱۹ روز تمام پس از مبدأ

شمسی هجری - ۲۷ تیر ماه ، برابر با ۱۶ ژوئیه سال ۶۲۲ میلادی .  
 مبدأ گاهشماری یزدگردی ( یزدگردی نو - فرسی ) روز ۳۰ خرداد ( برابر با  
 چهارشنبه ) سال ۱۱ شمسی هجری ، ( یا :هر مزد روز ، آغاز سال ۵۶۵۹  
 باستانی ایرانی ) ، برابر با ۲۲ ربیع الاول سال ۱۱ قمری هجری ، مطابق با ۱۷  
 ژوئن ۶۳۲ میلادی .

- روزهای سپری شده از مبدأ قمری هجری ۳۶۲۴ روز .  
 - روزهای سپری شده از مبدأ شمسی هجری ۳۷۴۳ روز .  
 - روزهای سپری شده از مبدأ باستانی تبری ۵۲۱۹۵ روز .  
 - روزهای سپری شده از مبدأ باستانی دیلمی ۷۴۸۲۵ روز .  
 \* زمان تقارن یا همزمانی پایان دور چهارم : ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ ساله / روز جمعه  
 پایان سال ۳۸۴ شمسی هجری ( پایان سال ۲۷۳۰ از تاریخ رصد ) ، برابر پایان  
 سال ۳۷۴ یزدگردی نو ( ۶۰۳۲ باستانی ایرانی ) ، برابر با ۱۱ جمادی الاول سال  
 ۳۹۶ قمری هجری ، مطابق ۱۵ مارس سال ۱۰۰۶ میلادی .  
 توجه : روز شنبه ، نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو - فرسی ، برابر با اول اعتدال  
 بهاری بود .

مبدأ گاهشماری جلالی ( ملکی ) / روز جمعه آغاز سال ۴۵۸ ( شمسی هجری ) ،  
 برابر با ۱۸ فروردین یزدگردی نو ( فرسی ) ، ( = ۶۱۰۵ باستانی ایرانی ) ، مطابق  
 با ۹ رمضان سال ۴۷۱ قمری هجری ، همزمان با ۱۵ مارس ۱۰۷۲ میلادی .

جدول همزمانی دوره های ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ ساله

(پرسی - اعتدالی)

سالهای تقارن	باستانشناسی تیری (کیسه دارد)	باستانشناسی دلمس (کیسه ندارد)	دوره ۱۵۰۷ ساله (اعتدالی)	تاریخ رصد (اوستایی)	پهلوی (زولویوس)	شمسی هجری	قمری هجری	پهلوی (ملکی)
مبدأ		آغاز دوره	آغاز	-۳۲۹۸	-۵۰۲۳	-۵۶۲۳		
•		۱۵۰۸	۱۵۰۷	-۱۷۹۱	-۳۵۱۶	-۴۱۳۷		
•		۳۰۱۶	۳۰۱۴	-۲۸۲	-۲۰۰۹	-۲۶۳۰		
		۲۳۰۰/۱۸۹	۲۲۹۸	مبدأ	-۱۷۲۵	-۲۳۲۶		
•		۲۵۲۲	۲۵۲۱	۱۲۲۳	-۵۰۲	-۱۱۲۳		
		۵۰۲۷	۵۰۲۴	۱۷۲۵	مبدأ	-۶۲۱		
	مبدأ	پایان ۵۲۵۳	۵۲۴۹	۲۱۵۱	۲۲۶	-۱۹۵		
		آغاز ۵۲۵۳	۵۲۴۱	۱۲۸۲۱				
	مبدأ	پایان ۵۵۱۵	۵۵۱۱	۲۲۱۳	۲۸۸	-۱۳۳		
		آغاز ۵۵۱۶	۵۵۱۳	۱۲۳۳				
	۱۳۲	۲۸ آذر ماه	پایان	پایان	۱۹	مبدأ	-۱۱۹	
	۱۶۵۷	۵۶۲۸	۵۶۲۲	۲۳۲۶	مارس			
		باستان ایران	اعتدالی	رصد	۶۲۲	مبدأ		
	۱۳۳	مبدأ	۵۶۵۲	۲۳۵۶	۱۸ مارس	۱۰	۱۰	
	۱۶۵۷	قمری	۱۲۲۸۲	۱۲۲۸۲	۶۲۲	۱۲۲۷۹	۱۲۲۵۹	
•	۵۱۶	پایان	پایان	پایان	۱۵ مارس	پایان	۳۹۵	
	۱۶۵۷	۳۷۳	۶۰۳۲	۲۷۳۰	۱۰۰۶	۲۸۲	۱۲۴۸۶	
	۵۸۹	۲۲۷	۶۱۰۵	پایان	۱۵ مارس	آغاز	مبدأ	
	۱۶۵۷	۱۰۲۸۲	۶۱۰۱	۲۸۰۳	۱۰۷۹	۲۵۸	۳۷۱	
	۱۵۰۷	۱۳۶۵	۷۰۲۳	پایان	۲۰ مارس	پایان	۱۱ ذیحجه	۹۱۸
	۱۶۵۷	۱۶۵۷	۱۶۵۷	۳۷۲۱	۱۹۹۶	۱۳۷۵	۱۴۱۷	

توجه : پایان دوره ها و تقارن آنها ، با ستاره نشان داده شده است . پایان هر دوره آغاز دوره بعد است ، در باره تقارن نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو ( فرسی ) با نوروز سال ۴۸۵ ایرانی ( شمسی هجری ) ، به گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله ، ص : ۲۲۹ ، ۲۳۴ رجوع شود .

بخش دوم

گاهشمارى باستانى تبرى

و

دئلمى

## پیشگپ :

مردمان پر تلاش و همیشه سخت کوش مازندران و گیلان در گسترهٔ دراز آهنگ ایران کهن ، از پیشینه ای دیرین و روشن و زنده برخوردار هستند . سرگذشت زندگی نیاکان این مردمان ، سرشار از سادگی و درستی و رادمردی و همچنین همراه با دلاوری و پایداری در برابر پلیدی ها و ناراستی ها بود .

مردان و زنان گیلانی و مازندرانی در تمامی روزهای سال سرگرم کار و بهره وری بوده و در برابر دردها و زخم ها و رنج های روزگار ، بی آنکه تن به سستی داده باشند با ایستادگی و درنگ ، خود را آماده بر آمدن زمان های شادمانی و سرخوشی می کرده اند . شادمانی و سرخوشی آنان را در برگزاری آیین های دینی و جشن های باستانی ، و آندوه و اندیشمندی شان را در سرود خوانی و موسیقی دل انگیزشان می توان جستجو کرد .

با کاوش و جستجو درجای باش هر مازندرانی و گیلانی ، چه درکوهستان ها و چه در جلگه ها می توان دریافت که: دانش و هنر و فن در نزد زنان و مردان گیلانی و مازندرانی که همگی از یک تخته و از دوران کهن دارای یک فرهنگ بوده اند ، از جایگاهی بلند برخوردار است .

نگرش به نامه های ایرانی ، بویژه به نامه های دانشمندان مازندران و گیلان نشان میدهد که این دو بخش از سرزمین کهن ایران ، پرورنده و برخوردار از چه شمار دانشمندان و پژوهشگران ژرف نگر بوده است . دانشمندانی همانند : کوشیارگیلانی صاحب زیج جامع و اصول حساب الهند ،<sup>(۳۷)</sup> و محمد بن ایوب (ابو جعفر) طبری آملی، ریاضی دان و اختر شناس بزرگ صاحب کتاب هایی چون : زیج المفرد ، شمار نامه ، رساله استخراج در شناختن عمر و بقای آن ،<sup>(۳۸)</sup> و شمس الدین محمد بن محمود آملی ، صاحب نفائس الفنون فی عرائس العیون ، و محمد مؤمن تنکابنی پزشک معروف صاحب کتاب تحفه و ... که همگی پرورده سرزمین همیشه سر سبز و بار آور گیلان و مازندران بوده اند. با نگاهی ژرف به نامه کهن ایران ، شاهنامه و به یاری آن و همچنین با

۳۷- خلاصه زندگینامه علمی دانشمندان / ص ۶۷۹

۳۸- راهنمای خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ج ۶

پژوهش های انجام شده ، آشکار گشت : شهر کهن کوس ، پایتخت و جایگاه فریدون شاهنشاه کیانی ایران ، در غرب آمل بوده ، چنانچه تپه موجود در میان دو روستای کوس رز Kusèraz و کوس مله Kusmalè بازمانده شهر تاریخی کوس شناسایی شده است . حضور این تپه کهن ، تاریخ چندین هزار ساله آمل و اطراف آن و همچنین پیشینه باستانی مازندران و گیلان را پیش رو گذاشته است. (۳۹)

هر گاه در جای جای گیلان و مازندران از هر سوی پژوهشی ژرف و گسترده انجام پذیرد ، بسیاری از دانستنی ها بدست خواهد آمد که گویای دیرینگی فرهنگی و هنری و علمی ساکنان این دو سرزمین خواهد بود. نمونه آنچه که به روشنی از پیشینیان مردمان مازندران و گیلان به یادگار مانده است ، یکی : بازمانده گاهشماری باستانی تبری و دیلمی ست . دیرینگی گاهشماری باستانی دیلمی و تبری را می توان در ایجاد و ریشه جشن هایی مانند: نوروز ماه ( = عید ماه ) و تیر ماه سیزه ( = تیر جشن ) پنجیک های ( = گاهنبار های ) گوناگون جستجو کرد.

در کتاب « زمان زرتشت » ص ۷۰ : تالیف پرفسور کاتراک آمده است « ضمن مراجعه به تیر یشت ( تیر یا بیشتر ستاره باران ) ، از نقطه نظر نجومی ... قدمت زمان انشاء نیایش تیر یشت که بعد از زرتشت بوده است ۵۳۰۰ سال ق . م می باشد . ... ضمن محاسبات نجومی مربوط به منطقه البروج زمان انشاء گاتاها ۸۵۰۰ سال پیش بوده است » (۴۰)

در ارتباط با دیرینگی تاریخ ، تمدن و دین ایرانیان ، در همان کتاب در ص ۷۱ آمده است : « زرتشت نخستین پیامبر جهان ، در حدود ۸۵۰۰ سال پیش ( یا ۶۵۰۰ سال ق . م ) می زیسته است . دلایل نجومی و ستاره شناسی نیز دلایل تاریخی و باستان شناسی را تأیید می کند . زمان زرتشت و شاه گشتاسب کیانی از گفته حکیم توس

« گذشته بر آن سالیان شش هزار گرایدون که برتر نیاید شمار »



بنا بر نشانه‌ها و جشن‌های به یادگار مانده از دوران بسیار کهن، بدرستی می‌توان پنداشت: بر سالشماری سال‌های ایرانی دوره‌های زیادی سپری شد. از نمونه جشن‌ها و نشان‌های به یادگار مانده از پیشینه دراز آهنگ سرزمین کهنسال ایران، که در میان کوه‌نشینان لارجان، رویان، دیلمان، پیروزکوه، سوادکوه، وزنا، زرمون، سوچلماکوه، واریونکوه، پُراتکوه، ارات‌بُن، خورتاو، گلیان، و...، و جنگل‌نشینان و جلگه‌نشینان نگاه داشته شده است: و هار جشن، نورزماه ۲۶، تیرماه ۱۳ شو، میرروز، کوچ و... که هر یک با اندکی اختلاف در زمان‌های جدا از هم، گویای آیین و آداب و سنن ایرانیان در دوره‌های مختلف تاریخی و اساطیری بوده است.

مظفر گنابادی، ملا و منجم دربار شاه عباس صفوی (فرمانروای خان و مانسون)، جشن تیر ماه سیزده کوه‌نشینان را، نوروز طبری (تبری) قید کرد. (۴۱)

صاحب فرهنگ اسدی یکی از معانی تیر را فصل خزان نوشته.  
عنصری میگوید:

اگر به تیرمه از جامه بیش باید تیر

چرا برهنه شود بوستان چو آید تیر (۴۲)

هرگاه به اعتبار گفته ملا مظفر گنابادی، تیر جشن را نوروز طبری، نوروز مردمان قدیم لارجان، دیلمان و...، و نیز ایرانیان کهن بدانیم، میتوان گفت: پیش از مبدأ سال‌های باستانی ایرانی، سر سال، از اول تیر ماه آغاز می‌گشت و تیر ماه در اعتدال پاییزی قرار داشت؛ و دیرینگی این جشن بین ۸ تا ۱۰ هزار سال پیش است. پختن میوه و گندم و جو و مَرّجی (عدس) در شب ۱۳ تیر ماه، یادگار آن زمان است. با توجه به تقارن جشن تیر با وقایع خاص تاریخی و اساطیری، مانند پیروزی ایرانیان بر بابلیان یا تورانیان شکوهمندی برخی از جشن‌ها، در طول تاریخ، بازتاب زنده‌ای از آن‌ها به یادگار مانده است.

توجه «شاید استعمال «تیر» و «تیر ماه» در معنی فصل خزان، یادگار باقی مانده نوعی از گاه‌شماری قدیم ایران باشد که تحویل سال را از اول تابستان می‌گرفتند.

اتفاقاً در سال خراجی زمان متوکل و معتضد عباسی نیز منظور همان بود که مبدأ سال یعنی فروردین ماه را با اول تابستان منطبق کنند. (۴۳)

سالشمار کهن مردمان قدیم تبرستان و گیلان، همان گاهشماری باستانی ایرانی بود. اما با توجه به دگرگونی هایی که درمیانه شاهنشاهی ساسانیان روی داده است؛ مردمان دیلمان و لارجان، وقتی که سر سال باستانی ایرانی به نیمه امرداد ماه، و آغاز امرداد ماه (وسط تابستان) رسیده بود با انتخاب یک روز کیسه (وهیزک) در هر چهار سال با نام های: «ویشک» و «شیشک» سال را در همان جا که بود نگاه داشته اند. چنانچه اکنون نیز، دنباله همان سال باستانی ایرانی با نام یزدگری نو - فرسی، سر سال آن در میانه تابستان قرار گرفته است.

انتخاب یک روز کیسه، سالشمار باستانی کوه نشینان لارجان و دیلمان را که سالی گردان و پرسی بود، به سالی ثابت تغییر داد و این تغییر درحقیقت باعث مبدأ جدید گاهشماری در این دو بخش از سرزمین باستانی ایرانیان گشت. جای شگفتی است، که هیچ یک از مورخان و منجمان که از سال های خراجی دوره ساسانیان و پس از آن در ایران نام برده اند، گاهشماری خراجی مردمان کوه نشین لارجان و دیلمان از نظر آنها ناپدید بود.

با اجرای یک روز کیسه در کنار «پتک» از ۱۳۳ سال پیش از مبدأ شمسی هجری، در ابتدای شاهنشاهی قباد ساسانی، آغاز سال، یعنی فروردین ماه (فردینه ماه باستانی تبری) در وسط تابستان ثابت ماند. از سویی دیگر، آغاز سال همراه با جمع آوری محصولات کشاورزی و دامی بود، از این روی پرداخت خراج به اسپهبدان و شاهان بومی که خراجگذار و مودیان شاهان ساسانی بودند؛ بر کشاورزان و دامداران، آسان و بدون رنج بود.

ممکن است یکی از دلایل عدم آگاهی مورخان و منجمان از این دو گاهشمار خراجی، به خاطر قطع ارتباط ایرانیان مسلمان با مردمان کوه نشین، که تا سه قرن بر کیش و آیین باستانی نیاکان خویش وفادار مانده بودند باشد.

### سالشمار باستانی تبری

هر سال باستانی تبری، دارای ۱۲ ماه سی روزه با افزوده پنج روز پتک Petak، یا patak (گاهان بار، گاهنبار، پنجک، پنجه، خمسه)؛ و نیز: دارای یک روز کبیسه با نام شیشک ŠIŠAK (ششگاه) است؛ که با توجه به استقرار پتک باستانی تبری دراعتدال بهاری، از دیر باز در میان کوه نشینان به موازات کبیسه سال های ایرانی (جلالی) و در زمان معاصر (سال های شمسی هجری) اجرا می شده است.

استقرار پنج روز پتک در اعتدال بهاری و اجرای کبیسه شیشک، به عامه مردم که دارای شغل کشاورزی و دامداری بودند کمک می کرد که حساب سال و ماه و روز و اجراء مارمه marmê یا: مادزه maderà (آیین نو شدن ماه) و پرداخت خراج و مالیات و برگزاری آیین های باستانی و ملی و دینی، همچنان در زمان مناسب و همیشگی نگاه داشته شود.

مردمان کوهستان و جنگل و جلگه مازندران (تبرستان)، ۱۲ ماه سال را «زمینی» و ماه های قمری را «آسمانی» نامگذاری کرده و در کنار برگزاری آیین های ملی و باستانی، فرایض و مراسم اسلامی - شیعی را انجام می دادند؛ به طوری که اکنون نیز در طول سال قمری به جای می آورند.

هر سال، در میان فصول به شرح زیر بهره می شود:

- (۱) سرد و هار sard-ê, Vêhâr، بهار سرد، ۵۰ روز
- (۲) گرم و هار garm-ê, Vêhâr، بهار گرم، ۵۰ روز.
- (۳) تاوَسون Tāvêsson، تابستان، / اول تاوَسن، چله، تاوَسن سر، ۸۵ روز
- (۴) گرم پییز garm-ê, payiz، پاییز گرم، ۵۰ روز
- (۵) سرد پییز sard-ê, payiz، پاییز سرد، ۵۰ روز
- (۶) زمَسون zêmêsson، زمستان، / گته چله، کچیک چله، پیژ ناسوز، ۸۰ روز.

(۷) پتک petak، پنج روز

(۸) شیشک šišak، روز کبیسه.

پنج روز پتک، یا شش روز در سال کبیسه جزء روزهای سرد و هار به شمار می رود. در ضمن، تقسیمات روزها، به جز بند ۷ و ۸، چندان پایه استواری

ندارد. زیرا، گاهی شرایط هوا به گونه ای می شود که زمستان زود می رسد و از آن سوی، هنوز ۲۵ تا ۲۰ روز مانده به اعتدال بهاری درختان شکوفه می کنند و رستنی ها بالیده می شوند. و گاهی برعکس. نشانه پایان زمستان، مه گرفتگی پی در پی بامدادی، همراه با درخشش آفتاب در روز است. با آبست شدن شاخه های درختان، روستاییان می گویند: **بَنَه دَم بَكْشِيَه**؛ زمین نفس کشیده است. یعنی زمستان تمام شده و سرد و هار، بهار سرد رسیده است. در واقع با تمام شدن چله کوچک، پس از چند روز طبیعت مازندران دارای نسیم بهاری می شود. از گفتار پیشینیان است:

**نِيَمَه اوْنَه ماه اوّل و هارَه . / نيمه آبان ماه اول بهار است ← سرد و هار .** پایان اوْنَه ماه، ( آبان ماه ) مقارن با آغاز اعتدال بهاری ( جشن نوروزی ) و آغاز پتک، پنج روز مقدس دینی پیشینیان است. پنج روز پتک که مقارن با جشن نوروز است؛ آیین باستانی آن با جشن نوروز در هم آمیخته گشت اما از دعا و نیایش آن اثری نیست.

پیشینیان باور داشتند: که در پنج روز پتک نباید زمین را شخم زد؛ بذر پاشید؛ شلتوک نخیس کرد (= تیم بینج او بزوئن). و نیز نباید، به مسافرت رفت. چرا که «نیامد» دارد. آخرین روز پتک را به گورستان رفته و فاتحه خوانده و برای در گذشتگان خیرات می دادند. و بعضی برای مردگان خویش که هنوز به سال شان مانده بود؛ شام، همراه بامیوه، لباس و پول به خانه مستمندان می فرستادند، زیرا که باور داشتند روح و روان فرد در گذشته چشم انتظار هدیه آن ها است.

مردمان مازندران ( اهالی کوهستان، جنگل و جلگه )، هر ساله با فرارسیدن نوروز ( اعتدال بهاری ) همانند بقیه ایرانیان با خانه تکانی، خرید پوشاک نو و شیرینی و ...، خود را آماده جشن نوروزی می کنند. همچنان همگان پیش از تحویل سال نو و نوروز به گرمابه رفته و خود را شستشو می دهند.

در شب تحویل سال همانند شب های ۲۶ نورزماه، ۱۳ تیرماه<sup>(۴۴)</sup> و شب پنجم پتک، هر کس به فرا خورخویش برای در گذشتگان ( بطور عام ) هدایایی از قبیل پوشاک، کفش، شام و پول به مستمندان می بخشند. و همچنین در این

شب یا شب قبل ، از سوی خانواده داماد و عروس ( طرفین نامزد ) هدایایی از قبیل پیراهن ، کفش ، سکه و ... ، فرستاده می شود . از جمله آیین پسندیده ای که در گذشته در روستاها مرسوم بود اینکه : چند روز پیش از تحویل سال نو ، بزرگ محل یا ده ، در پنهان با چند تن از اهالی هماهنگی کرده ؛ برای فرزندان خانواده بی سرپرست ( یتیمان ) و بی بضاعت مبلغی نقدی و جنس ( پوشاک ، کفش و ... ) و نیز برنج و شیرینی ، تهیه و جمع می کردند و در دل شب به خانه نیازمندان می بردند .

با آغاز سال نو ( زمان تحویل سال ) ، فردی از میان اعضای خانواده ، یا خویشان و آشنایان که « خُش پِه » خوش قدم باشد ؛ آیین مادَرْمَه māderme برگزار می شود . یعنی : فرد «خش پِه» با یک سینی همراه با چند شاخه کوچک درخت که تازه غنچه و برگ در آورده باشد ؛ یا گلهای بهاری و یا : کاسه و کوزه سبز گندم ، جو و مَرَجی ( عدس ) ، همراه با شیرینی و قرآن با پای راست ، با ذکر مِهْر (بسم الله) و قرائت حمد و سوره ، از بیرون وارد حیاط خانه شده آنگاه رو به قبله ، از درگاه خداوند برای خود و آن خانواده طلب خیر و تندرستی و روزی حلال می کند . آنگاه وارد خانه ( اتاق ) شده و سینی را به دست بزرگ خانه داده و شیرینی را میان اعضاء خانواده تقسیم می کند و پس از شادباش ، عیدی خویش را از بزرگ خانه دریافت میکند . بزرگ خانه نیز سبزه را در جاهای دلخواه میگذارد .

با توجه به آغاز سال نو و آغاز پتک ، برخی افراد پس از برگزاری مادَرْمَه به سوی زیارتگاهها و به زیارت اهل قبور رفته و قرآن و فاتحه میخوانند ، پس از برگشت به دیدار همسایگان ، خویشان و آشنایان می روند . جشن نوروزی و دید و بازدید تا ۵ روز ادامه دارد . در شب پنجم نوروز ( شب پنجم پتک ) برخی مردم برای درگذشتگان خیرات می کنند . اگر سالی از ماه قبل از نوروز دچار خشکسالی یا احياناً دچار سرما و باران پی در پی شود ؛ بعضی از روستاییان و جنگل نشینان نذر کرده و در روز پنجم پتک ، در گورستان یا تکیه محل شیلان می کشند تا نحوست خشکسالی یا سرما و باران زیاد برطرف شود . در برخی جاها در شب ۱۲ نوروز ( نو سال ماه ) زن عقد کرده و عروس به خانه می برند مشروط بر اینکه ساعت داشته باشد ؛ یا : قمر ، در عقرب نباشد . اما در شب ۱۳

این کار را نمی کنند . در چند جا مشاهده نمودم ؛ که بعضی مردان در صبحگاه روز ۱۹ فروردین ، بر ایوان خانه ، بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب قرآن می خوانند و اگر صبح آن روز بارانی باشد ؛ قدری باران برداشته به بیمار می دهند تا شفا یابد ، و نیز اهل دعا و رقعہ در صبح این روز لوح شرف شمس رقم می کنند

در روستاها با پایان یافتن پتک ، از اول ارگه ماه Parkemāh ، پس از مادز مه اول ماه ، کار پاک کردن شالی زارها و کندن جوی های کوچک را آغاز کرده ؛ و نیز باغداران شروع به کاشتن بذر و تخم افشانی می کنند و کار شخم زنی شالیزارها عموماً پس از ۱۳ فروردین آغاز می شود .

در گذشته ، در روستاها آیین مادز مه ، در آغاز هر ، ماه باستانی انجام می گرفت . به گونه ای که یکی از اعضای خانواده ، مثلاً پدر یا مادر ( عموماً زن ها ) ، پس از وضو به کنار رودخانه رفته با ظرفی آب و یک شاخه سبز همراه با ذکر میهر (بسم الله) ، و قرائت حمد و سوره وارد خانه شده و پس از نماز ، و احیاناً بعد از قرائت قرآن از خداوند استعانت می کردند ، تا بیماری ، نکبت ، بلای ناگهانی (مفاجات ) و فقر و درماندگی را از آن ها دور کند . در آن روز حتماً به درویش وسایل خیرات می دادند .

با پایان یافتن سرد و هار ( و اندکی زودتر از آن ) ، دامداران و حشم داران ، مال و احشام خویش را به تدریج به سمت بلندی ها و کوهستان کوچ داده و می دهند . و نیز ، در گذشته از ۵ تا ۱۰ وَهْمَنَه ماه Vahmènemah آغاز کشت نشا بود . و «نورز ماه بیس شش» زمانی بود که شالی ها در اغلب جاها سر کشیده و خوشه بسته بود . با خوشه بستن بوته های شالی ، کشاورز شالی کار ، به عنوان سپاس و ستایش به درگاه خداوند ، به فراخور بضاعت خویش مبلغی به مستمندان کمک می کرد .

توجه : واژه « میهر » و عبارت « میهر ها گردن ، میهر بگردن » که از دوران باستان به یادگار مانده است ؛ به شناخت دین باستانی مردمان کهن تیرستان ، یاری می رساند .

یاد آوری : فرق سال باستانی تبری با سال شمسی هجری در این است که : سال باستانی تبری ، هر سال پس از سپری شدن ۱۲۵ روز از اعتدال بهاری آغاز می

شود. به عبارت دیگر، زمانی که سال شمسی هجری از اعتدال بهاری شروع می شود؛ از سال باستانی تبری ۲۴۰ روز سپری شده است.

نام های ماه های باستانی تبری

(۱) فردینه ماه *Fērdinēmāh* فروردین ماه: «فرورتی، ماه اول از تقویم پارسی است و روز نوزدهم از روزهای پارسیان در هر ماه» (۴۵)

«فروردین ماه، به زبان پهلوی است، معنیش چنان باشد که این ماه است که آغاز رستن نبات دروی باشد، و این ماه هر برج حمل راست که سر تا سر وی آفتاب اندر این برج باشد.» (۴۶)

توجه: ۵۰۲ سال پیش از میلاد، فردینه ماه باستانی تبری، همزمان با فروردین ماه اعتدالی بود. در تعریف بالا نظر حکیم عمر خیام نیشابوری مربوط به فروردین اعتدالی است، فردینه ماه، یا عید ماه، نخستین ماه تبری است. آغاز آن برابر با دوم امرداد ماه شمسی هجری است. یعنی: ۱۲۵ روز پس از اعتدال بهاری.

(۲) کزچه ماه *Kērcē-māh* دومین ماه باستانی تبری است. آغاز آن، برابر با نخستین روز از شهریور ماه شمسی هجری.

(۳) هر ماه *harē-māh* سومین ماه باستانی تبری است. آغاز آن، برابر با آخرین روز از شهریور ماه شمسی هجری. هر ماه «هثورو = Haurva + دات = Data هثورودات بمعنی عدل یا درستی تمام و کامل ...، ماه سوم از ماه های تقویم پارسی و روز ششم از هر ماه، خرداد روز ...» (۴۷)

«خرداد ماه، یعنی آن ماه است که خورش دهد مردمان را از گندم و جو و میوه، ...» (۴۸)

(۴) تیر ماه *Tirē-māh* چهارمین ماه باستانی تبری است. آغاز آن، برابر با آخرین

۴۵- فرهنگ اصطلاحات نجومی ۱۷+۱۰۲۲

۴۶- نوروز نامه / ۱۴

۴۷- فرهنگ اصطلاحات نجومی / ۹+۱۰۲۲

۴۸- نوروز نامه / ۱۵

روز از مهر ماه شمسی هجری است. « تیر = تیستر *Tištir* ایزد مزدیسنا و نگهبان باران، نام دیگر ستاره شباهنگ و نام تیر، ماه چهارم تقویم پارسی قدیم. » (۴۹)  
 « تیر ماه، این ماه را بدان تیر ماه خوانند که اندر او جو و گندم و دیگر چیزها را قسمت کنند، ... » (۵۰)

سیزدهمین روز از تیر ماه، تیر روز نام دارد. (۵۱) درین شب بنا بر آیین باستان، مردمان مازندران و گیلان ( اهالی کوهستان، جنگل و جلگه ) جشن می گیرند. در باره آن گفتاری جداگانه نوشته خواهد شد.

(۵) مَلارَ ماه *Mellārē-māh* ( مردال ماه )، پنجمین ماه باستانی تبری است. آغاز آن برابر با آخرین روز از آبان ماه شمسی هجری است. « مَلارَ ما » مرداد ماه، یعنی خاک دادِ خویش بسداد از برها و میوه ها ... » (۵۲) ماه پنجم، امرتات *amaretat* بیمرگ و نمرانی. جاوید و مرداد روز، نام روز هفتم از هر، ماه است در تقویم پارسی قدیم (۵۳)

(۶) شَرَوینَه ماه *šarvinē- māh* (شهریر ماه، شَرَوَنَه ماه )، ششمین ماه باستانی تبری است. آغاز آن برابر با آخرین روز از آذر ماه شمسی هجری است ← « این ماه را از بهر آن شهریور خوانند که ربو دخل بود ... » (۵۴) « و روز چهارم هر، ماه است از تقویم پارسی قدیم » (۵۵)

(۷) میزَ ماه *Mirē-māh* هفتمین ماه باستانی تبری است. آغاز آن برابر با آخرین روز از دی ماه شمسی هجری است. روز شانزدهم میر ماه را هَسْت هشت، یا میر روز می نامند. ← « این ماه را از آن جهت مهر ماه گویند که مهربانی بود

۴۹- فرهنگ اصطلاحات نجومی / ص ۸+۱۰۲۲

۵۰- نوروز نامه / ص ۱۵ ۵۱- زروان، سنجش زمان

۵۲- نوروز نامه / ص ۱۵

۵۳- فرهنگ اصطلاحات نجومی / ۲۳ + ۱۱۰۲۲

۵۴- نوروز نامه / ۱۵

۵۵- فرهنگ اصطلاحات نجومی / ۱۴+۱۰۲۲



مردمان را بر یکدیگر « (۵۶) مهر - میترا Mithra و میترا ایزد بزرگ دین زردشتی بمعنی فروغ و روشنایی و درستی و عهد و پیمان و دوستی است . ماه هفتم و روز شانزدهم از هر ماه در تقویم پارسی را مهرگان گویند » (۵۷)

۸) اونه ماه Punē-māh هشتمین ماه باستانی تبری است . آغاز آن برابر با آخرین روز از اسفند ماه شمسی هجری است ← «آبان ماه یعنی آبها در این ماه زیادت گردد از بارانها که آغاز کند و مردمان آب گیرند از بهر کشت ... » (۵۸) «آبان-مه-آپاوان apovaan آبمند ، آبدار ، دارای آب . (۵۹) دهمین روز از هر ماه آبان روز نام دارد .

توجه : در سالشمار باستانی تبری پس از « اونه ماه » تا پنج روز « پتک Petak » نام دارد ، که به پارسی « گاهنبار » می گویند . در سال های کبیسه ، یک روز بر پنج روز افزوده گشته و آنرا « شیشک šišak » می نامند . جای شیشک پیش از پتک است .

۹) آرگه ماه Parkē-māh نهمین ماه باستانی تبری است . آغاز آن برابر با ششم فروردین شمسی هجری است ← « آذر ماه ، به زبان پهلوی آذر آتش بود ... » (۶۰) نهمین روز از هر ماه آذر روز نام دارد .

۱۰) ده ماه de-māh نهمین ماه باستانی تبری است . آغاز آن برابر با پنجم اردیبهشت شمسی هجری است ← « دی ماه دهم . دتهوش Dathush در اوستا . یعنی دادار هوش و آفریدگار حیات . » (۶۱)

۱۱) وهمنه ماه Vahmēnē-māh یازدهمین ماه باستانی تبری است . آغاز آن برابر با چهارم خرداد شمسی هجری است ← « بهمن - وهمنه = Vahu-mana

۵۶-نوروز نامه / ۱۵

۵۷-فرهنگ اصطلاحات نجومی / ۲۴+۱۰۲۲

۵۸-نوروز نامه / ص ۱۶

۵۹-فرهنگ اصطلاحات نجومی / ص ۱+۱۰۲۲

۶۰-نوروز نامه / ص ۱۶

۶۱-فرهنگ اصطلاحات نجومی / ص ۱۰۲۲+

نیک منش . یازدهمین ماه . امشاسپند اوستایی»<sup>(۶۲)</sup> دومین روز از هر ماه بهمن (= وهمن) نام دارد .

۱۲) نورز ماه *nurzē-māh* دوازدهمین ماه باستانی تبری است ، آغاز آن برابر با سوم تیر ماه شمسی هجری است . « اسفند ، اسفندار مد سپنتا - ارمتی = Spenta-armati ، مقدس متواضع ، ماه دوازدهم سال<sup>(۶۳)</sup> پنجمین روز از هر ماه اسفندارمد ( سپنت ) نام دارد .

از دیر باز در شب ۲۶ نورز ماه ، جشنی با نام « نورز ماه ۲۶ » برگزار می شود ، چگونگی آن ، در گفتاری جداگانه نوشته خواهد شد .

### تیر ماه ۱۳ « تیر جشن »

تیر ماه *tir-ē-māh* ماه چهارم از ماه های باستانی تبری ؛ در این ماه ، جو ، گندم و عدس و دیگر چیزها تقسیم کنند .

تیر ماه ، نام آن منسوب به تیر یا تیشتر ، ستاره باران است ، تیر ماه باستانی تبری همزمان با دومین ماه از اعتدال پاییزی است .

تیر ماه ، معنی مطلق آن فصل پاییز یا خزان است ، امیر معزی گفته است :  
کنون که خور به ترازورسید و آمد تیر

شدند راست شب و روز چون ترازو تیر<sup>(۶۴)</sup>

سیزدهمین روز از ماه تیر ، تیر روز نام دارد . ایرانیان باستان در این روز جشنی با شکوه به نام « تیر جشن » برگزار می کردند . باز مانده این جشن به نام *میر ماه* سیزده شو - شب سیزدهم تیر ماه ، در میان کوه نشینان لارجان و دیلمان و ... نگاه داشته شد - توجه : در تیر روز از ماه فروردین نیز ، جشن گرفته می شود که معروف به سیزده فروردین است . تطبیق این دو جشن قابل توجه است .

پیشینیان با فرارسیدن تیر ماه و جشن « تیر ماه سیزده شو » ، به تهیه خوراک و

۶۲- فرهنگ و اصطلاحات نجومی / ص ۱۰۲۲+

۶۳- فرهنگ اصطلاحات نجومی / ص ۱۰۲۲+

۶۴- التفهیم ، مستدرکات و یادداشتهای متن تفهیم طبع دوم / ص ۷۰۰ ، ۷۰۱

خورش و شیرینی و میوه پرداخته و شامگاه به گرمابه رفته و جامه‌نو می‌پوشیدند. به مهمانی رفته یا سور می‌دادند. همچنین خانواده‌های قدیمی غروب روز ۱۲ تیر ماه به گورستان‌ها و زیارتگاهها رفته و نیز به یاد درگذشتگان خویش با خیرات و صدقات به مستمندان کمک می‌کنند. و بازی‌هایی مانند **لَاکُ کَا**، **لَال زَنْ شِیش**، **شَالْ اَنگَنی**، **گوشیاری کاهو**...، ریشه تاریخی و آیینی نداشته و سست و ناروا است. انجام دادن چنین اعمالی شایسته نیست.

در بلندی‌ها، جوانان به اشاره سالخورگان، در شامگاه ۱۳ تیر ماه، با افروختن آتش، خونخواهی **منوچهر** (پادشاه کیانی ایران) بر «تور» را پاس می‌دارند. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه آورده است: «... که افراسیاب چون به کشور ایران غلبه کرد و منوچهر را در طبرستان در محاصره گرفت. منوچهر از افراسیاب خواهش کرد (؟) که از کشور ایران به اندازه پرتاب یک تیر درخورپا و بدهد و یکی از فرشتگان که نام او اسفندارمذ بود حاضر شد و منوچهر را امر کرد که تیر و کمان بگیرد باندازه‌ای که بسازنده آن نشان داد چنانکه در کتاب اوستا ذکر شد و (اَرش) را که مردی با دیانت بود حاضر کردند. گفت: که تو باید این تیر و کمان را بگیری و پرتاب کنی و ارش برپاخاست و برهنه شد و گفت: ای پادشاه و ای مردم بدن مرا ببینید که از هر زخمی و جراحی و علتی سالم است و من یقین دارم که چون با این کمان این تیر را بیندازم پاره پاره خواهم شد و خود را تلف خواهم نمود ولی من خود را فدای شما کردم سپس برهنه شد و بقوت و نیرویی که خداوند به او داده بود کمان را تا بناگوش خود کشید و خود پاره پاره شد و خداوند باد را امر کرد که تیر او را از کوه رویان بردارد و به اقصای خراسان که میان فرغانه و طبرستان است پرتاب کند و این تیر درموقع فرود آمدن به درخت گردوی بزرگی گرفت که در جهان از بزرگی مانند نداشت ...، و منوچهر و افراسیاب به همین مقدار زمین با هم صلح کردند و این قضیه در چنین روزی بود و مردم آن را عید گرفتند.

...، منوچهر و ایرانیان را در این حصار کار سخت و دشوار شده بود بقسمی که دیگر بآرد کردن گندم و پختن نان نمی‌رسیدند. زیرا طول میکشید و گندم و میوه‌های کال را که هنوز نرسیده بود می‌پختند و بدین جهت پختن میوه و گندم در این روز رسم شده و برخی گفته‌اند که روز پرتاب کردن تیر این روز بوده که

روز تیر می باشد که تیرگان کوچک است و روز چهاردهم آن که شش روز است که تیرگان بزرگتر باشد و در این روز خیر آوردند که تیر بکجا افتاده و در این روز مردم آلات طبخ و تنورها رامیشکنند زیرا در این روز بوده که از افراسیاب رهایی یافتند و هر یک بکار خود مشغول شدند. (۶۵)

داستان و روایت تاریخی بالا با کمی اختلاف، در کتاب تاریخ طبرستان تألیف محمد بن حسن ابن اسفندیار کاتب آملی، در ص: ۶۰، ۶۱، ۶۲ آمده است. یادآوری: در شاهنامه، ظهور افراسیاب، بعد از منوچهر، از دوره نوذر است. صلح ایرانیان با تورانیان، بعد از نوذر در دوره «زو» زوتهماسب رخ داد.

### نورز ماه بیس شش nurz-ē-māh, biss-ē-šēš

نورزماه (نوروز ماه)، آخرین ماه از سال باستانی تبری است (به مفهوم اسفند ماه شمسی هجری)، نورزماه به معنی ماه نوروز نیست. بلکه ماهی است که نوروز باستانی و سر سال نو در پی آن خواهد آمد. به حساب قدیم ماهی است که گیاهان پس از سرمای زمستان، سبز و بالیده می شوند. نورزماه رامردمان دیلمان، اسفندارمذماه می نامند. آنان ماه فروردین (فردینه ماه تبری) را نوروز ماه می نامند. مردمان دیلمان در زمان ساسانیان به سبب برپایی جشن های نوروزی عامه، و خاصه نام ماه فروردین را به نوروز ماه تغییر دادند.

بی تردید، سال ۴۵۲۴ باستانی ایرانی (۵۰۲ سال پیش از میلاد) سرسال باستانی ایرانی، مقارن و همزمان با اعتدال بهاری بود. چنانچه پس از ۱۵۰۸ سال، سر سال باستانی مقارن با اعتدال بهاری شد (مطابق نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو-فرسی، برابر با نوروز سال ۳۸۵ شمسی هجری، همزمان با ۱۵ مارس ۱۰۰۶ میلادی). در آن زمان نورزماه تبری همانند و همزمان با اسفند ماه باستانی ایرانی بود. یعنی در آخر فصل زمستان قرار داشت.

نورزماه باستانی تبری از سال ۵۵۱۶ باستانی ایرانی (حدود ۱۳۳ پیش از مبدأ شمسی هجری)، هر سال ازسوم تیر ماه مطابق سالشمار شمسی هجری آغاز

میشود.

کوه نشینان با فرارسیدن نورزماه بیس شش ( ۲۶ نوروزماه ) ، شامگاهان با گرد آوردن بوته های خشک گهن̄ gēhēn آتش می افروزند . سالخوردگان کوه نشین بر این باورند که پیشینیان : ۱) ۵ روز پیش از رسیدن نوروز یا سرسال ، با افروختن آتش آمدن سال نو را به یکدیگر پیام می دادند تا خود را برای و هار جشن « بهار جشن » آماده کنند . مردم در این ۵ روز می بایست خانه و سرای خویش را روفته و تن خویش و فرزندان را با آب پاک شسته ، جامه های نو در بر کرده و خوراک و خورش و شیرینی نوروزی آماده کنند . ۲) در چنین روزی ، شاه فریدون کیانی با مردم لارجان و دیگر ایرانیان ، ضحاک مار دوش را در بن دماوند کوه ، در چاهی در تخت فریدون انداخت ؛ و به نوروز بار داد و در میان بزرگان ایران که انجمن کرده بودند ، فریدون کلاه پادشاهی ( کیانی ) بر سر نهاد و آنچه را که از خزانه ضحاک گرفته بود ؛ میان انجمن و مردم ستمدیده دهش کرد . مردم لارجان از آن زمان تا به اکنون پیادگار و یادمان آن روزگار آتش افروخته و جشن میگیرند .

۳) عامه مردم روستایی ( اهالی جلگه ، جنگل و کوهستان ) ، با فرارسیدن شب نورزماه ۲۶ ، به هنگام غروب به زیارتگاه ها ، اما مزاده ها و گورستان ها رفته و باقراآت فاتحه و خیرات و صدقات به خانه برگشته به شادمانی و سور می پردازند ، برخی برابر باور پیشینیان ، پیش از شامگاه به گرمابه رفته و پس از شستشو جامه پاک و نو می پوشند و به هنگام نماز شام قرآن می خوانند و به یاد درگذشتگان خویش فاتحه می فرستند . در این شب از سوی خانواده زوما Zumā ( داماد ) و آروس Pārus ( عروس ) برای یکدیگر هدیه و صله فرستاده می شود . این رسم و آیین در میان خانواده های قدیمی همچنان مرسوم است . دانشمند نامدار ایرانی : ابوریحان بیرونی ، در التفهیم آورده است : «مهرگان چیست ؟ شانزدهم روز است از مهر ماه و نامش مهر . و اندرین روز آفریدون ظفر یافت بر بیوراسب جادو . آنک معروف است به ضحاک . و بکوه دماوند بازداشت و روزها که سپس مهرگان است همه جشن اند برکردار آنچه از پس نوروز

بود و ششم آن مهرگان بزرگ بود و رام روز نام است و بدین داندش (۶۶) توضیح: کوه نشینان لارجان روز ۱۶ میر ماه باستانی تبری (مهر ماه) را هشت هشت، یا میز روز mir-ē-ruz می نامند. شامگاه پیش از میز روز، گالشان و چوپانان به جل شور Jel-ē-šur برای شستشو و دیدار خانه و خانواده می روند. ابوریحان بیرونی، در آثار الباقیه، در باره جشن اسفندار مد ماه آورده است: «در روز پنجم این ماه، اسفندار مد (= فرشته موکل به زمین و زنان عقیق و پارسا) روز عید زنان بوده و در این عید مردان به زنان بخشش می نمودند و هنوز این رسم در اصفهان و ری و دیگر بلاد پهلوانانده و به فارسی مردگیران می گویند...» (۶۷)

از دیر باز، برگزاری آیین های باستانی از جمله: نورزماه ۲۶، تیر ماه ۱۳ و ... در میان جلگه نشینان، جنگل نشینان و کوه نشینان روا بوده است. مانند: گلپا، دیا، میزنا، زیارو، کاسمه، کتی، نوده، سنگ تجن، داوو، اهللم، درز، کوس رز، یاشمین کلا (سایچ محله)، ونوش ده، افرادی، رزکه، شیاده، تیار، سنگ چال، تاگر، واز، گزناسرا، خشواش، آخری، پیل بن، اندوار، فیس، نمار، امره، لهر، گیون، دلا، نوئل، تینه کرف، هفت تن، نوسر، دینون، نوا، گزونه، گرموسر، ایرا، زیار، لاسم، وشتون، آسور، اندریه، الاشت، لهاش، آخا، ترم، زارم، پهنه کلا، ارم، اوز، پارم، یوش، کیاسر، چنار بن، اوزکلا، کندلوس، ولم و ... یاد آوری: با آگاه شدن از جای «نماز چال namāzčāl» از سوی شاهنامه شناس بزرگ ایرانی، استاد فریدون جنیدی، که در تابستان ۱۳۷۴ (با اینکه در سوگ برادر ارجمندش بود)، با تلاش فراوان آنجا را یافته و از نزدیک از نماز چال، دیدار کرده است؛ این بنده نیز: از سالخورده ای که پیش تر، کارش چوپانی و سرگالشی بود از نماز چال جو یا شدم؛ گفت: نماز چال در کوه نوا، در آزو قرار دارد. وقتی که کوچک بودم؛ جوانان آن زمان در غروب روز نورزماه ۲۶، به نماز چال و اطراف آنجا رفته، آتش روشن می کردند و کشتی می گرفتند و آواز تبری و طالب و دشتی می خواندند.

## مبدأ گاهشماری باستانی تبری «مازندران»

دیرینگی گاهشماری باستانی تبری نشان می دهد مردمان تبرستان (تپورستان) = مازندران، یعنی: مردمانی که در دشت، در جنگل و بلندی های کوهستان، از جمله کوهستان لاریجان زندگی می کردند با توجه به شرایط اقلیمی و اقتصادی و برگزاری آیین های ملی و دینی، و همچنین کوچ های سالانه از دشت به کوه، و از کوه به دشت ایجاب می کرد که شمار و حساب سال را به خوبی دریافته، با گذشت زمان به طول سال حقیقی دست یابند. ارتباط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مردمان تبرستان با بقیه اقوام ایرانی و نیز ارتباط ایرانیان با ملت های باستانی همجوار و همسایه در کسب و تبادل یافته های زمان شناختی بی تاثیر نبوده است.

قرار گرفتن آغاز گاهنبار تبری (پنج روز مقدس دینی) با نام پتک Petak: پنجیک، (= پنجگاه)، در آغاز اعتدال بهاری و نیز اجرای یک روز کیسه با نام شیشک Šišak در سال های کیسه، که باعث استقرار سال گشت؛ به خوبی می توان به ریشه و مبدأ گاهشماری باستانی تبری دست یافت.

چنانچه پیش تر نیز گفته شد؛ سالشمار باستانی تبری با توجه به ویژگی هایی که دارد از بن وابسته به گاهشماری باستانی ایرانی، معروف به گاهشماری یزدگردی (الهی) قدیم است. دنباله این سالشمار از: ۳۰ خرداد سال ۱۱ ایرانی (شمسی هجری)، به تقویم یا گاهشماری یزدگردی نو (فرسی) نامگذاری شد. در این زمان، در تقویم های نجومی مانند: مصباح زاده، نجومی و قبلاً: نجم الممالک و نوبخت و ... ستونی بنام سالشمار فرسی دیده می شود که در بعضی از آنها در ذکر رقم سال و شمارش روز های ماه اشتباه وجود داشته و دارد. سالشمار فرسی (در واقع: سالشمار یزدگردی باستانی)، یکی از مهم ترین پایه تقویمی ایرانیان است و باید در تنظیم آن نهایت دقت به عمل آید.

در ارتباط با چگونگی گاهشماری باستانی ایرانی و دوره ها و نوبه های آن در اغلب کتب نجومی دانشمندان ایرانی اعم از کهن و معاصر، گفته های فراوانی آمده است. در این جا با توجه به موقعیت و چگونگی گاهشماری باستانی تبری، و تعیین مبدأ آن، از داده تاریخی و نجومی ذیل استفاده، و شمارش می شود: نوبه آخر، از زیر دوره ۱۱۶ ساله، از دوره چهارم ۱۵۰۸ ساله، همزمان با پایان

سال ۶۰۳۲ باستانی ایرانی ( روز جمعه پایان سال ۳۷۴ یزدگردی نو - فرسی ،  
همچنین : پایان سال ۳۸۴ ایرانی « شمسی هجری » ) .

یاد آوری ( ۱ ) هر دوره ۱۵۰۸ ساله گردان - فرسی = فرسی به ۱۳ نوبه از زیر دوره  
۱۱۶ ساله بهره می شود :

$$۱۳ \times ۱۱۶ = ۱۵۰۸$$

منظور از نوبه آخر ، عبارت از ، پایان دور چهارم است . ( ۶۸ )

$$۴ \times ۱۵۰۸ = ۶۰۳۲$$

روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی  $۶۰۳۲ \times ۳۶۵ = ۲۲۰۱۶۸۰$   
تبدیل سال های باستانی ایرانی به اعتدالی

$$۲۲۰۱۶۸۰ \div ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۶۰۲۸ / ۰۰۰۰۲$$

چنانچه دیده می شود؛ پایان دور چهارم از سال های باستانی ایرانی - فرسی ،  
مقارن با پایان سال های اعتدالی شد . بنا بر این ، اولین روز از دور پنجم ۱۵۰۸  
ساله ، یا : اولین روز از سال ۶۰۳۳ باستانی ایرانی ، مقارن بود با : روز شنبه ،  
نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو - فرسی ، مطابق نخستین روز از سال ۳۸۵ ایرانی  
( شمسی هجری ) .

یاد آوری ( ۲ ) گردش سال ( فاصله سر سال از مبدأ اعتدالی ) ، در سال های  
باستانی ایرانی عبارت بود :

$$۱۵۰۸ \div ۳۶۵ = ۴ / ۱۳۱۵۰۶۸$$

سال

یعنی : سر سال گردان = فرسی ، در هر  $۴ / ۱۳۱۵۰۶۸$  سال ، یک روز از مبدأ  
اعتدالی فاصله می گرفت .

یاد آوری ( ۳ ) استقرار گاهنبار باستانی تبری ( پتک Petak ) ، از دیر باز ، در ابتدای  
اعتدال بهاری نشان می دهد ، انتخاب یک روز کیسه با نام « شیشک šišak » و  
تبدیل سال های باستانی ایرانی به سال ثابت ، در زمانی دور ، از سوی اسپهبدان  
و کوه نشینان تبرستان ( تپورستان ) رخ داده است .

یاد آوری ( ۴ ) در سال های باستانی ایرانی ، گاهان بار ( گاهنبار ) ، در پایان ماه  
آبان قرار داشته است :

$$۸ \times ۳۰ = ۲۴۰$$



روزهای مانده از سال باستانی ایرانی  $365 - 240 = 125$

$$125 \times 4 / 1315068 = 516 / 43835 \# 517$$

سال های سپری شده باستانی ایرانی .  $6032 - 517 = 5515$

یعنی : انتخاب یک روز کیسه ، در پایان سال ۵۵۱۵ باستانی ایرانی رخ داده است . با توجه به : جدول تقارن یا همزمانی ... ، روز ، ماه و سال اعتدالی چنین خواهد بود .

روزهای سپری شده از سال های باستانی  $5515 \times 365 = 2012975$

تبدیل به سال اعتدالی  $2012975 \div 365 / 24219 = 5511 / 343$

روزهای سپری شده از اعتدال بهاری  $343 \times 365 = 125 / 195$

از سوی دیگر ، روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی به هنگام مبدأ رصد ، برابر با :  $1204569$  روز بود . پس :

روزهای سپری شده از مبدأ رصد  $2012975 - 1204569 = 808406$

سال های سپری شده رصد .  $808406 \div 365 / 24219 = 2213 / 3423$

روزهای سپری شده سال  $2214$  رصد  $125 \# 125 / 9395 = 124 / 3423 \times 365 =$   
روز پنجم از ماه پنجم رصد ( اوستایی ) که برابر با سپنت روز بود .

$$125 = 4 \times 30 + 5$$

و نیز از سوی دیگر ، نخستین روز از سال ۳۸۵ ایرانی ( شمسی هجری ) ، برابر با نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو - فرسی ، یا : اولین روز از سال ۶۰۳۳ باستانی ایرانی بود . بنا بر این :

$$2201681 - 1 = 2201680$$

سال های سپری شده از مبدأ شمسی هجری  $385 - 1 = 384$

روزهای سپری شده از مبدأ شمسی هجری  $384 \times 365 / 24219 = 140253$

روزهای سپری شده سال های باستانی ایرانی تا مبدأ شمسی هجری

$$2201680 - 140253 = 2061427$$

فاصله روزهای سپری شده از مبدأ باستانی تبری با مبدأ شمسی هجری .

$$2061427 - 2012975 = 48452$$

و باز از سوی دیگر ، با توجه به مبدأ سال های یزدگردی نو :

$$۳۷۵-۱=۳۷۴$$

روزهای سپری شده از سال های یزدگردی نو - فرسی .

$$۳۷۴ \times ۳۶۵ = ۱۳۶۵۱۰$$

روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی

$$۲۲۰۱۶۸۰ - ۱۳۶۵۱۰ = ۲۰۶۵۱۷۰$$

$$۲۰۶۵۱۷۰ \div ۳۶۵ = ۵۶۵۸$$

سال های سپری شده باستانی ایرانی

روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی ، از مبدأ شمسی هجری تا مبدأ

$$۲۰۶۵۱۷۰ - ۲۰۶۱۴۲۷ = ۳۷۴۳$$

یزدگردی نو - فرسی .

$$۲۰۶۵۱۷۰ \div ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۵۶۵۴ / ۲۴۸۲$$

تبدیل به سال اعتدالی

روزهای سپری شده از اعتدال بهاری ۹۱ # ۹۰ / ۵۹۳ = ۲۴۸۲ \times ۳۶۵

هرگاه روزهای سپری شده از سال های باستانی ایرانی ، از مبدأ شمسی هجری تا

مبدأ یزدگردی نو - فرسی ، به سال ، ماه و روز اعتدالی تبدیل شود ، خواهیم

داشت :

سال های سپری شده از مبدأ شمسی جلالی

$$۳۷۴۳ \div ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۱۰ / ۲۴۷۹۹۴$$

روزهای سپری شده از اعتدال بهاری ۹۱ # ۹۰ / ۵۱۷۸۱ = ۲۴۷۹۹۴ \times ۳۶۵

پس ، با توجه به شمارش های گوناگون ، مبدأ گاهشماری باستانی تبری چنین

بوده است :

هرمزد روز ( یکشنبه ) آغاز سال ۵۵۱۶ باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ) ،

خوردات روز از امرداد ماه سال ۲۲۱۴ تاریخ رصد ، و نیز : ۴۸۴۵۲ روز پیش از

مبدأ شمسی هجری ، و همچنین : ۵۲۱۹۵ روز پیش از مبدأ یزدگردی نو -

فرسی .

## تبدیل سال و ماه و روز قمری هجری به : شمسی هجری / یزدگردی نو ( فرسی ) / باستانی تبری

برای نمونه ، از داده تاریخی و تقویمی که در نمونه خطی ، مربوط به مصالحه ملکی که حدود ۶۱ سال قبل ( در منطقه یاسل نور نزدیک یوش ) ، نوشته شده و دارای چندین مهر شخصی است ؛ استفاده می شود .

داده تاریخی و تقویمی در مصالحه باغ پیش حیاط باقلاکاری ... ، چنین است :  
بیستم فروردین ماه قدیم ، مطابق دهم جمادی الاولی ۱۳۵۴ قمری هجری .

از ابتدای سال ۱۳۵۴ تا دهم جمادی الاولی ، روزهای سپری شده ۱۲۸ روز بود .  
روز  $10 + (2 \times 29) + (2 \times 30) = 128$

سال های تمامه قمری  $1353 = 1354 - 1$

روز  $479458/55 = 354 \times 1353 / 367$

$479458/55 + 128 = 479586/55$

روزهای سپری شده سال های قمری

رقم بین التاریخین ، از روز جمعه مبدأ شمسی هجری تا روز جمعه مبدأ قمری هجری ۱۱۹ روز بود .

روزهای سپری شده ی شمسی هجری  $479586/55 + 119 = 479705/55$

$479705/55 \div 365/2422 = 1313/3902$

سال های سپری شده شمسی هجری

روزهای سپری شده از سال ۱۳۱۴ شمسی هجری  $142/423 = 365 \times 3902 /$

$142 = (4 \times 31) + 18$

تقسیم روزها در ماهها

پس : دهم جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ قمری هجری مقارن با ۱۸ مرداد ماه سال

۱۳۱۴ شمسی هجری بود .

با توجه به نمایه گاهشماری های ایرانی و نیز جدول تقارن ( همزمانی )

دوره های سال های ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ ساله ، پایان سال ۳۸۴ ایرانی

( شمسی هجری ) ، برابر با پایان سال ۳۷۴ یزدگردی نو ( فرسی ) بود . به عبارت

دیگر ، نوروز سال ۳۷۵ یزدگردی نو ( فرسی ) با نوروز اعتدالی سال ۳۸۵ ایرانی

( شمسی هجری ) همزمان و مقارن بود . بنا بر این :

$$روز \quad 384 \times 365 / 2422 = 140253$$

$$479705 / 55 - 140253 = 339452 / 55$$

روزهای سپری شده سال های یزدگردی نو ( فرسی ) ، از زمان تقارن به اینسو عبارت بود از :  $339452 / 55$  روز . این روزهای یاد شده باید در طول سال های گردان ( ۳۶۵ روزه ) طرح گردد .

$$339452 / 55 \div 365 = 930 / 00698$$

$$روز \quad / 00698 \times 365 = 2 / 5477 \# 3$$

رقم  $2 / 5477$  روز  $\# 3$  روز مربوط به سال نو فرسی است .

$$374 + 930 + 1 = 1305$$

پس : روز ۳ فروردین ماه سال  $1305$  یزدگردی نو ( فرسی ) برابر با ۱۸ امرداد ماه سال  $1314$  شمسی هجری بود .

توجه : نظر به اینکه آغاز هر سال باستانی تبری ( با توجه به استقرار پستک = گاهنبار » در آغاز نوروز اعتدالی ) ، برابر دوم امرداد ماه ( مطابق سالشمار شمسی هجری ) بوده است . روز شنبه ۱۸ امرداد ماه سال  $1314$  شمسی هجری ، برابر با ۱۷ فردینه ماه باستانی ( یا : فروردین ماه قدیم ) تبری بود .

اختلاف یک ، یا دو ، یا سه روز در محاسبه شمار روز از ماه ، در میان برخی از مردم کوه نشین که تقویم تنظیم شده در اختیار نداشته اند ؛ امری عادی و بدیهی است . وانگهی ، امکان دارد که راقم متن مصالحه ، در تطابق روز شمار ماه قمری دچار اشتباه شده باشد . در ضمن : آغاز فردینه ماه باستانی تبری ، ۱۴ روز ، پیش تر از آغاز فروردین ماه یزدگردی نو ( فرسی ) بود .

$$17 - 3 = 14$$



## واژه ها ، ترکیبات و اصطلاحات گاهشماري باستانی تبری

P ā Ā

آسمَن P āsēmēm / آسمون : آسمان

آسمَن راد rād-~ / آسمون راد : رعد : تندر

آسمونی Pasēmuni : آسمانی ، نام عام برای هر یک از ماهها ( قمری )

pa Ā / Pe Ā

آرزا Pērz ā : دیر ، دیر هنگام

آستارک Pēstārak : ستاره ای که از دور ، کوچک دیده شود .

آستاره Pēst ārē : ستاره

آستاره بَل bal~ : شهاب ، شهاب ثاقب

آستاره سو su~ : ستاره روشن ، روشنایی ستاره . در نزد برخی مردم به معنای شهاب ثاقب است .

آستاره شمَر Šēmēr~ : ستاره شمار ، منجم ، اختر شناس .

آشون Pešun : دیشب ، شبی که گذشت .

آفتاؤ Pēft āv / آفتاب Pēft āb : آفتاب

آفتاؤ تِه te~ : سپیده آفتاب ، تیغ آفتاب .

آفتاؤ در پِموئن darbemupan~ : آفتاب در آمدن ، خاور ، شرق ، طلوع خورشید .

آفتاؤرس Pēftavēras / آفتاب اُس Pēs~ : هنگام که آفتاب به نیمه آسمان رسد .  
ظهر ، جنوب ، قبله .

آفتاؤسو su~ : آفتابگیر ، به سوی آفتاب . خاور . جایی که خورشید بتابد .

آفتاؤ کِل kel~ / آفتاب کِل kel~ : آفتابگیر ، زیر درخشش آفتاب . جایی که خورشید بتابد .

آفتاؤگیری giri~ : آفتاب گرفتگی ، کسوف

آفتاؤ ماژبورڈ m ār bourd~ : غروب آفتاب ، شفق ، هنگام که خورشید در

باختر ناپدید شود .

آفتاؤماژشو  $m \bar{a}r\bar{s}u$  - : غرب ، باختر ، هنگام غروب آفتاب

آلب  $Palb$  : آذرخش ، برق .

آمشو  $Pamsu$  : امشب

آمروز  $Pamruz$  : امروز

آنجیل پیج ماه  $Panjilpajem \bar{a}h$  : بخشی از روزهای تابستان ، ماهی که در آن

میوه درخت انجیر پخته شود ؛ اواخر فردینه ماه ( امرداد ماه ) .

### ب b

باد خنک  $b \bar{a}d\bar{e} \bar{x}en\bar{e}k$  / خنک وا  $\bar{x}en\bar{e}k\bar{e} \bar{v}a$  : هرگاه اولین باد خنک ، پس از

آغاز تابستان بوزد ؛ ( حدود نورز ماه ۲۶ / آخر تیر ماه ) .

بنه  $b\bar{e}n\bar{e}$  : زمین

بنه روز  $b\bar{e}n\bar{e}r\bar{u}z$  : آغاز روز ، بنیاد ، مبدأ ، آغاز و از ابتداء .

بهار ماه  $b\bar{e}h \bar{a}r\bar{e}m \bar{a}h$  : فصل بهار ، زمان بهار .

### پ P

پار  $P \bar{a}r$  : گذشته ، سال پیش ، سالی که گذشت

پرشو  $Pare\bar{s}u$  : سه شب پیش / پرروز  $Pareruz$  پرروز

پس چم  $Pas\bar{c}em$  : پس از سایه روشن شامگاهی ، پس از شفق .

پسون  $PasuN$  : پس از این ، پسین ، بعداً ، بعد از این ، آینده .

پنجی  $panji$  : نوبت ، بار ، دفعه

پنجی مجی  $Panji M\bar{e}ji$  : مدت زمانی را که شب پا در شالیزار شب پایی کند .

نام دیگر شب پا ، پنجی مج  $Panji m\bar{e}j$  است . در هر واحد از شالیزار دو نفر

پنجی مج ، به نوبت شب پایی می کردند ، اولی رأسر شو پنجی مج ، و دومی را

نیمه شو پنجی مج می نامیدند . یک شب در میان نوبت (پنجی) را جابه جا

می کردند . اکنون با آباد شدن روستا ها ، پنجی مجی در شالیزار هایی انجام

می گیرد که در مدخل جنگل ها وجود دارد . دلیل ان حضور خوک ها است .

په  $pe$  : پیش ، پیش از این ، قبل ، قبل از این ، گذشته .

په چاشت pe č āšt : پیش از چاشت ← چاشت  
 په نما شوم Penēmāšum : پیش از نماز شام  
 په نماز Penēmāz : پیش از نماز ، عصر ، پیش از نماز عصر . بعد از ظهر  
 په نماز سر sar ~ : عصر ، هنگام نماز عصر ، بعد از ظهر ، هنگام پیش از  
 نماز عصر .  
 پیاشتون Piyāštun : هنگام چرای نیمه شب گوسپندان . زمان پیاشت .  
 پیش زمون Pišzamun : پیش از این زمان ، زمان پیش ، پیشتر  
 پیرار pirār : پیرار ، دو سال پیش  
 پیشکش Piškaš : ستاره روشنی که پیش از ترازوی ( ← ترازوی ) در آسمان دیده  
 شود . و آن در امتداد ترازوی است .

## ت T

تاژماه t ārem āh : خزان ، پاییز . نام دیگر تیر ماه از زمان های بسیار دور .  
 ترازوی tērāzi : ترازو ، میزان ، (برج) ، حضور ترازو در آسمان ، از هنگامی که  
 پدیدار گردند و تا به میان آسمان برسند و آنگاه در سپیده دم ناپدید شوند به چند  
 پاس بهره می شود و هر بهره آن نشان ساعت و آغاز کاری در شب بوده است . مثلاً  
 : به هنگام پاییز ( سرده پییز ) ( آبان ، آذر ) ، در دشت ها ، هر گاه ترازوی از میانه  
 آسمان بگذرد ، زمان پیاشت Piy āšt ( پیاستن : بلند کردن ) ، یا چرای شبانه  
 گوسپندان بوده است . از قدیم تجمع چند ستاره کنار هم را ترازوی نام نهاده اند  
 تلاونگ tēl āvang : خروسخوان ، دم صبح ، پیش از سپیده آفتاب .  
 تلاخون tēl āxun ( خونس خوان : آواز خوانی ) : خروسخوان ،  
 توم tum : هنگام ، زمان ، وقت ، لحظه ( آنه توم : زمانی چند ، مدتی ، ... )  
 ته te : تیغ ، طلوع ، اولین تیغ سپیده آفتاب . سپیده دم .  
 تیل کار Tilē k ar : هنگام کشت شالی . در گذشته بسته به آب و هوای هر محل  
 ، زمان کشت شالی ( از ابتدای تمیز کردن ، شخم زدن ، نشاکاری ) ، از دمای قدیم  
 ( باستانی تبری ) تا ۲۰ و همنه ماه بود . البته در برخی جاها فرق میکرد .



چاشت Č āst̄ : روشن ، نمایان ، خوراکی بامدادی ، ناهار . خوردن خوراک به هنگام ناشتا ،

چاشت بیّن bayyan ~ : روشن شدن ، نمایان شدن / روز چاشت تیّه : آفتاب بالا آمده است . روز روشن شده است . واژه چاشت ، در میان برخی مردم معانی گوناگون می دهد . برخی ، زمان صرف خوراکی را که پس از ۲ ساعت از دمیدن خورشید و بالا آمدن آن باشد می نامند . عده ای همین را ، شو چاشت ( سب چاشت ) می گویند . برخی صرف خوراک هنگام نیمروز را ، زمانی که خورشید در میان آسمان باشد آنرا چاشت ( ناهار ) می نامند .

چاشت په : pe ~ : پس از چاشت . / پس چاشت : پس از چاشت .  
چاشت گدر : Č āst̄ è gedèr : هنگام چاشت .

چم čem : سایه روشن / په چم : پیش از سایه روشن بامدادی . پیش از فلق / پس چم : پس از سایه روشن شامگاهی ، پس از شفق .

چم Čem : تیره ، تار ، هنگامی که هوا ابری و تیره باشد .

چم čem : سرخی نور آفتاب ، پیش از طلوع ، یا پس از غروب ، در آسمان .

خ x :

خت xet : تیغ ، نشان ، رج ، خراش ، خط

خت بزوتن bazutan ~ : تیغ زدن ، سرخی آسمان پیش از طلوع خورشید ، / سواهی خت بزو : سپیده تیغ زده است . صبح صادق ، سحرگاه .

خورتاو xurt̄ āv : آفتابگیر ، جایی که آفتاب بر آن بدمد . بر خلاف جایی که سایه باشد .

خورتااون xurt̄ āvun ~ : جایی که آفتاب از آنجا بدرخشد ، خاور ، مشرق

د d :

دازک d āzak : هلال ماه . ( داز : داس . « داس + ک ← داسک » )

دبزارون dēberarun : دو برادران ( ستاره ) ، فرقدان .

دیر der : دیر ، دیر هنگام

درازی dērāzi : در نزد برخی مردم ، به معنی ستاره دنباله دار است .

دِر زَمون *derzamun*: دیرزمان ، دیر هنگام  
 دَرَس *darès*: آینده ، سال دیگر  
 دَرَس گَدَر *gedèr* ~: زمان آینده ، هنگام سال دیگر  
 دَمَالَه کَش *dèmm ālè kaš*: ستاره روشنی که در امتداد ، و پس از ترازی ، در  
 آسمان دیده شود .  
 دِرروز *deruz*: دیرروز ، روز گذشته .  
 دِشو *dešu*: دو شب پیش . / در برخی جاها ، شبی که گذشت را دِشو ، می نامند .  
 راد *r ād*: رعد ، تندر  
 روجا *ruj ā*: ستاره بامدادی ( روج ← روج + ) ، روجا پس از دَمَالَه کَش ، در  
 آسمان ، نزدیک سپیده ( سحر ) پدیدار می شود .  
 روز ، *ruz*: روز ، روج ، روج ، / تقسیمات روز / پیش پَرروز : سه روز پیش /  
 پس فردا : پس فردا / پسون فردا : پس از سه روز / روز دَلَه : در طول روز / روز  
 پَه : در طی روزها /  
 روزگار *Ruzèg ār*: روزگار ، ایام ، سالها .  
 روشنک *Rušènak*: ستاره شامگاهی .

z

زَمون *zamun*: زمانزَمونَه *zamuñè*: زمانه .زَمی *zami*: زمین .زود *zud*: زود

s

سا *s ā*: روشن ، ساعتسائه *s āpè*: سایه ، ساعتسات *sāt*: روشن ، چاشت ، نمایان .

سال *sāl*: سال ، بهره های سال عبارتند از : امسال : امسال / پار سال : پار سال /  
 پیرار سال : دو سال پیش / پیش پیرار سال : سه سال پیش / سال پَه سال : سال

به سال / این سال به اون سال : از این سال به آن سال ، نو سال : سال نو / کهنه  
 سال : پایان سال / سال سُر : سُر سال / مین سال : میانه سال / خَشْکِه سال :  
 سالی که در آن باران کم باریده باشد /

سال پشت : آخر سال / سال په : در طی سال .

سالزون sālè zun : ایام سال به غیر از ماه رمضان .

سال ماه sālēmāh : سال و ماه ، زمانه ، روزگار .

سَرِ شو saresu : آغاز شب

سُرگرد sar gard : برگشت ، آغاز نیمه دوم سال . هنگامی از سال که روزهای آن  
 کوتاه شود . ابتدای تابستان ( ریشه : سرگارد نین )

سَب sēb : بامداد ، صبح .

سَب ستاره sēbe sētārē : ستاره بامدادی ، روجا

ستاره sētārē : ستاره ، کوكب ، اختر

ستاره سو su ~ : شهاب ، شهاب ثاقب ، ستاره روشن ، روشنائی ستاره .

ستاره شمَر šēmēr ~ : ستاره شمار ، منجم ، اختر شناس .

سَو sēv : صبح ، بامداد .

سَواهی sēvāhi : صبحگاهی ، بامدادی ، بامدادان .

سَو ستاره sēve sēt ārē : ستاره بامدادی ، روجا .

سَو دم sēve dam : دم صبح ، آغاز بامداد .

سَواهی سَر sēvāhi sar : هنگام دم صبح ، به وقت صبح ، موقع صبح .

سَواهی سَرِ sari ~ : هنگام صبحگاهی

سو su : روشنائی ، نور

سوپه su pe : کنار روشنائی ، به طرف روشنائی .

سوپیشی su piši : نزدیک روشنائی ، جایی که روشنائی باشد ، وقتی که

روشنائی باشد . بر خلاف تاریکی شب .

ش Š

شیر šer : شیر ، اسد /

شیشه še šē : ( شیشک ) : پروین ، پرند ، ثریا ، تجمع آنها نشانه مهر و مهربانی





نشا کار *nəšākār*: نشاکننده در شالیزار، زمان نشا کاری  
 نشا کاری *~k āri*: هنگام نشا کاری، وقت نشا در شالیزار.  
 نمازین *nəm āzin*: هنگام نماز، عصر، نماز عصر / په نماز: پس از نماز عصر  
 ، عصر.

نما شتر *nəm āster*: غروب، شامگاه.  
 نما شتر سر *~ sar*: هنگام غروب، هنگام شامگاه.  
 نما شوم *nəmāšum*: نماز شام، شامگاه، غروب.  
 نما شوم سر *nəm āšumēsar*: هنگام نماز شام. هنگام شامگان. وقت شام  
 نما شوم *nəm āršum*: نما شوم.  
 نور زماه بل *nurzēm āh bal*: آتش نوروزی، آتشی راکه به هنگام رسیدن سال  
 نو باستانی بر افروزند.

نور زماه خونی *nurzēm āh xuni*: نور روز خوانی، سرودی که به هنگام  
 رسیدن سال نو باستانی میخواندند، تا مدتی قبل، این سرود، پیش از رسیدن  
 نوروز اعتدالی خوانده میشد.

## و V

ور چاشت *Varč āš*: پس از چاشت.  
 وره *Varč*: بره، حمل (برج).

## ه h

هفت برارون *haft bër ārun*: هفت برادران، هفت ستاره روشن در آسمان.  
 هفت اورنگ.

## سالشمار تاریخی مازندران

نظر به اینکه این بنده در سال ۱۳۶۶ شمسی هجری در تنظیم تقویم مردمان مازندران، شمار سال های سپری شده تبری را بر اساس داده های تاریخی مورخان قرار داده ام؛ نیاز به توضیح است:

(۱) در آن زمان نتوانستم مبدأ گاهشماری باستانی تبری را ارائه نمایم.  
 (۲) بنا به داده های تاریخی و تصریح مورخان، سال ۳۱ قمری هجری، سال مرگ یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی اعلام گردیده<sup>(۶۹)</sup> و نیز با توجه به سکه های موجود تاریخدار از اسپهبدان تبرستان در قرن اول و دوم هجری با عنوان «تاریخ تبری» یا «عصر تبری»، مورخان گفته اند: پس از کشته شدن یزدگرد سوم، گیل ژاماسپ (جیل جیلا نشاه) در حدود فرمانروایی خویش، از غرب گیلان تا شرق مازندران پرچم استقلال بر افراشت و جلوس نمود.<sup>(۷۰)</sup> از اینک گیل گاو باره از سوی یزدگرد سوم به فرمانروایی تبرستان انتخاب و ملقب به «فرشواد جَر شاه» گردیده و خراجگزار او بود حرفی نیست.<sup>(۷۱)</sup> اما اینک یزدگرد سوم در سال ۳۱ قمری هجری (۳۰ شمسی هجری) کشته شده و متعاقب آن گیل (گاو باره) ژاماسپ اعلام استقلال نموده باشد جای درنگ و نیاز به پژوهشی گسترده است. چون نشانه هایی در دست است که می توان گفت: استقلال گیل، ربطی به مرگ یزدگرد سوم نداشت. بلکه سیطره و استیلاء کامل گیل ژاماسپی بر سرتاسر تبرستان، پس از مرگ «آذر و لاش» نایب پیشین یزدگرد سوم (که همچنان تا زمان مرگ، صاحب قدرت و نفوذ بود)، در سال سی و پنج عجم واقع شد. سال سی و پنج عجم، مربوط به سالشمار یزدگردی نو (فرسی) نیست، در زیج ها و کتب نجومی آمده است: در سال ۶۱۱ میلادی (۱۱۱ سال

۶۹- تاریخ سیاسی ساسانیان / ص ۱۲۷۶ و دایره المعارف فارسی / ص ۱۲۳۱ و فرهنگ

فارسی معین ج ۶

۷۰- تاریخ مازندران / ج ۱، ص ۵۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳ و ایرانشهر / ص ۲۴۸ - ۲۵۱

۷۱- تاریخ طبرستان / ص ۱۵۴







۱۸ هجری است و این تاریخ با آغاز فرمانروایی گیل گیلانشاه در تبرستان مطابقت دارد. بنا بر این می توان برای فرمانروایی گیل گیلانشاه در تبرستان سه مرحله تعیین کرد: ۱ - مدتی که او سپاهدار آذر و لاش بود ( ص ۱۵۴ )  
 ۲ سال هایی که به فرمان یزدگرد در این استان حکمرانی مینمود ۳ - از سال ۳۱ هجری که رسماً پادشاه شد. (۷۶)

مرحوم محمد حسن اعتماد السلطنه ابتدای حکومت گیل گاو باره را سال ۲۷ هجری برابر با ۶۴۷ م (۷۷) و آخرین سال حکومت اسپهبد خورشید را سال ۱۴۹ هجری برابر با ۷۶۶ قید نمود. (۷۸)

توجه  $647 - 622 = 25$

$766 - 647 = 119$

با توجه به اینکه سال ۲۷ قمری هجری برابر با سال ۲۶ شمسی هجری بود باز، یک سال اختلاف مشاهده می شود.

اما نظرات گوناگون درباره آخرین سکه مربوط به اسپهبد خورشید:

(۱) مارکوارت، در کتاب ایرانشهر، آخرین سکه تاریخدار مربوط به خورشید را سال ۱۱۶ تبری برابر با ۱۴۹ قمری هجری، مطابق ۷۶۶ م ذکر کرد. (۷۹)

(۲) مورد تمان، آخرین سکه را مربوط به سال ۱۱۴ تبری دانست (۸۰)

(۳) واسمر آلمانی، آخرین سکه را مربوط به سال ۱۱۶ تبری ذکر کرد (۸۱)

(۴) جمشید، اونوالا، که بسیاری از سکه های اسپهبدان ژاماسپی را در اختیار داشت؛ تاریخ آخرین سکه مربوط به اسپهبد خورشید را سال ۱۱۵ تبری قید کرد.

با توجه به آنچه ابن اسفندیار آملی در کتاب خود ذکر کرده است و نیز نظر مرحوم

۷۶- تاریخ مازندران / ج ۱ ، حاشیه ص ۶۰

۷۷- التدوین فی احوال جبال شروین ... / ص ۲۹۲ و ۲۹۶

۷۸- ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی / ص ۲۵۰

۷۹- تاریخ مازندران / ج ۱ ص ۶۲      ۸۰- همان کتاب . ص ۶۱

۸۱- همان کتاب ص ۶۱

مهجوری و اعتماد السلطنه ، و همچنین مورخان و سکه شناسانی که در قرائت تاریخ آخرین سکه اسپهبد خورشید نظر داده اند ، قابل ذکر است :

اینکه مهجوری : آورده است ... «تاریخ ابن اسفندیار ( سال ۳۵ عجم ) مجهول بنظر می رسد » باید متذکر شد ؛ وقتی خواننده در یابد منظور از سال عجم همان سالشمار خراجی است به تاریخ واقعی راهنمایی می شود . مبدأ سال خراجی ، سال ۶۱۱ میلادی ( ژولیوسی ) ، و مبدأ سال های شمسی هجری ، و قمری سال ۶۲۲ م بود .

$$۶۲۲-۶۱۱=۱۱$$

در اواخر دوره ساسانیان و صدر اسلام ، در اکثر جاهای ایران، طول سال ۳۶۵ روز بود ؛ چون به علت عدم اجرای دقیق کیسه های وهیجکی ، حساب سالشمار اوستایی در اختیار اغلب ایرانیان نبود .

مبدأ حکومت گیل ژاماسپی  $۳۵-۱۱=۲۴$

رقم ۲۴ مربوط به سال های خورشیدی است . در طول ۲۴ سال خورشیدی رقم سال های قمری آن ۲۵ سال می شود . سال ۲۵ قمری هجری مطابق با سال ۶۴۵ میلادی بود .

سال های تامه میلادی  $۶۲۲-۱=۶۲۱$

سال های سپری شده میلادی  $۶۲۱+۲۴=۶۴۵$

آخرین سال حکومت خورشید ژاماسپی  $۶۴۵+۱۱۶=۷۶۱$

سال ۷۶۱ میلادی ، مطابق ۱۴۰ ( شمسی هجری ) ، برابر با ۱۴۴ قمری هجری بود . بالاترین تاریخ قرائت شده مربوط به سالشمار سکه های اسپهبد خورشید ، سال ۱۱۶ تبری عنوان شد ، که سه سال اختلاف مشاهده می شود . با توجه به اختلاف میان سکه شناسان ، در قرائت تاریخ ضرب سکه ها ، گمان می رود با تجدید نظر در قرائت سکه ها ، سه سال اختلاف نیز تصحیح گردد .

تاریخ آخرین سکه باز مانده از اسپهبد خورشید برابر سال ۱۱۶ تبری قرائت شد ؛ سال مذکور ، مطابق ۱۴۰ ( شمسی هجری ) ، و اواخر سال ۱۴۴ قمری هجری بود ؛ لاجرم تاریخ ضرب آخرین سکه را باید مربوط به آخرین سال حکومت خورشید تلقی کرد . چون ابن اسفندیار نیز در کتاب خود آورده است :

« ... اول عمارت که اهل اسلام فرمودند مسجد جامع ساری ، ابوالخصیب فرمود





اهالی جلگه ، جنگل و کوه نشینان بوده است . فاصله های کم میان پنجیک ها نشان می دهد ؛ در گاهشماری دیلمی ، احیاناً بنا به دلایل اقتصادی ( = پرداخت خراج و مالیات ) ، سیاسی ( جابه جایی و تغییر فرمانروایان بومی ) و دینی ( روی کار آمدن نهضت و اندیشه های مزدکی ، و مقاومت موبدان زرتشتی ) ، به احتمال زیاد اختلال ایجاد کرده اند . چراکه : فقط یکی از پنجیک های بازمانده ( پنجیک - گاهنبار پس از پایان اول ما ) از دوران کهن در دیلمان - گیلان ، می تواند بر اساس نوبه ها و دوره های ۱۵۰۸ ساله باستانی ایرانی دارای سرشناسه حقیقی باشد .

در زمینه معرفی و چگونگی گاهشماری دیلمی ، و اصطلاحات و ترکیبات و واژه های مربوط به آن ، از سوی پژوهشگر توانای دیلمان ، عبدالرحمن عمادی به طور مستوفی ، پژوهش گردیده و به چاپ رسیده است .<sup>(۸۳)</sup> و همچنین نویسنده محترم محمود پاینده گفتاری در باره گاهشماری دیلمی در کتاب خویش آورده است . نظر ایشان در باره آغاز سال دیلمی چنین است : آغاز نوروز دیلمی با نوروز خورشیدی تقریباً چهار ماه و نیم اختلاف دارد .<sup>(۸۴)</sup> سخن ایشان به دو گونه باید تصحیح گردد :

۱) قید نکردند که آیا سال دیلمی ثابت است یا گردان . سیاق گفته ایشان به گونه ای است که می توان پنداشت ، سال دیلمی ثابت است . و گرنه می توانستند بگویند : « در این زمان ، آغاز نوروز ... »

۲) نوروز خورشیدی مطلقاً به نوروز باستانی ایرانی ( یزدگردی قدیم ، و یا یزدگردی نو - فرسی ) اطلاق می شود . چون نوروز مربوط به سال های شمسی هجری ، نوروزی است که بر اساس اعتدال بهاری تنظیم می شود . لذا نوروز دیلمی پس از استقرار و نگاهداشت آن ، ثابت است . بنا بر این نمی تواند نوروز خورشیدی یا نوروز فرسی - پرسی باشد .

ایشان ، در جدول ماه های دیلمی - ماه های خورشیدی ، در ستون ۹ آورده

۸۳- سومین کنگره تحقیقات ایرانی ج ۱ / مقاله : واژه هایی از گاهشماری کهن دیلمی /

است : سیاما = ۱۵ فروردین - ۱۵ اردیبهشت<sup>(۸۵)</sup> . متاسفانه ۵ روز گاهنبار = پنجیک که در پایان اول ما ( آبان ماه ) قرار دارد حذف گردید . احتمال اینکه ۵ روز پنجیک را از ۲۵ تا ۳۰ اول ما دانسته شود دور از خرد است . چرا که ماه ۲۵ روزه در هیچ یک از گاهشماری های ایرانی وجود نداشته است . ضمناً در همان جدول ، طول سال ۳۶۰ روزه است ؛ در صورتیکه می بایست با قید ۵ روز پنجیک طول سال به ۳۶۵ روز می رسید . وانگهی اساسی ترین موضوع یعنی کیسه « ویشک » را که پیش تر ، عبد الرحمن عمادی متذکر شده بود ؛ نادیده گرفته ؛<sup>(۸۶)</sup> و سال گردان و فزسی یزدگردی نو ، با سال ثابت دیلمی یکی انگاشته شد . آنچه موجب گردید که مولف ارجمند کتاب آیین های گیل و دیلم نتواند آگاهی درستی از گاهشماری دیلمی در اختیار مردمان زحمتکش و ستمدیده دیلمان و گیلانیان توانا ارائه دهد ؛ عبارت از بهره مندی ایشان از تحریرات مرحوم سید حسن تقی زاده ( و تقی زاده - از گفته های موسی نشری همدانی ، و شادروان نائل خاقلری ) و کیا و همچنین از بعضی از داده های تاریخی ( ... عبدالفتاح قومنی ) بود .

قرائن تاریخی نشان می دهد با توجه به پاره ای اصلاحات دیوانی در امر دریافت مالیات و خراج سالیانه و کاستن فشار از طبقه محروم جامعه ( کشاورزان ، دامداران ، صنعتگران و ... ) در دوران پیش از قباد و همچنین گرایش قباد پادشاه ساسانی به اصلاحات دیوانی و اجتماعی ، زمینه برای انتخاب سال ثابت آماده شده بود . از سوی دیگر ، حضور و زندگی جمع کثیری از مسیحیان در ایران و نیز ارتباط ایرانیان با یونانیان و رومیان که دارای سالشمار ژولیوسی (  $\frac{1}{4}$  ۳۶۵ روز ) بودند ، و نیز اجرای کیسه ۳۰ روزه در هر ۱۲۰ سال در ایران ( بهیژکی ) که از دیر باز رایج بوده ، نشان دهنده آگاهی ایرانیان از طول سال در آن هنگام بوده است . بنابراین انتخاب یک روز کیسه در هر ۴ سال و اجرای آن چندان کاری صعب و دشوار نبود . وانگهی ، یک محاسبه کوچک از سوی منجمان می توانست آنها را در انتخاب یک روز کیسه در هر ۴ سال ، به جای ۳۰ روز کیسه در هر ۱۲۰ سال

۸۵- همان ماخذ / ص ۱۳۳

۸۶- سومین کنگره تحقیقات ایرانی ج ۱ / ص ۵۹۸







تبدیل سال باستانی به اعتدالی  $۱۹۹۰۳۴۵ \div ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۵۴۴۹ / ۳۸۴۱$   
روزهای سپری شده از اعتدال بهاری  $۳۸۴۱ \times ۳۶۵ = ۱۴۰ / ۱۹۶۵$

$$۷۱۰۸۲ + ۱۴۰ = ۷۱۲۲۲$$

سال ۱۹۵ #  $۷۱۲۲۲ \div ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۱۹۴ / ۹۹۹۳۷$

با توجه به جدول همزمانی (تقارن) دوره های ۱۵۰۸ - ۱۵۰۷ ساله ، از مبدأ سال های باستانی تا مبدأ تاریخ رصد ۱۲۰۴۵۶۹ روز سپری شده بود .  
فاصله روزهای سپری شده از مبدأ رصد تا مبدأ دیلمی

$$۱۹۹۰۳۴۵ - ۱۲۰۴۵۶۹ = ۷۸۵۷۷۶$$

سال های سپری شده از تاریخ رصد

$$۷۸۵۷۷۶ - ۳۶۵ / ۲۴۲۱۹ = ۲۱۵۱ / ۳۸۳۴$$

روزهای سپری شده از سال ۲۱۵۲ رصد ۱۴۰ #  $۳۸۳۴ \times ۳۶۵ = ۱۳۹ / ۹۴۱$

$$۱۴۰ = ۴ \times ۳۰ + ۲۰$$

رقم ۲۰ نشان دهنده روزهای سپری شده از ماه پنجم از سال های رصد ایرانی است ؛ روز پس از آن رام روز نام دارد . هر گاه یک واحد به ارقام ۱۹۹۰۳۴۵ ، افزوده گردد ؛ ( با توجه به روز شمار هفته در سال های شمسی هجری ) ؛ نام روز مبدأ دیلمی بدست خواهد آمد .

$$۱۹۹۰۳۴۵ + ۱ = ۱۹۹۰۳۴۶$$

$$۱۹۹۰۳۴۶ \div ۷ = ۱$$

مانده

روز شمار هفته از مبدأ سال های باستانی ایرانی ، از روز دوشنبه ( روز قمر ) بوده است :

دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰

با توجه به مانده ۱ ، نام روز مبدأ دیلمی ، روز دوشنبه بود . بنا بر شمارش های انجام شده ، مبدأ گاهشماری باستانی دیلمی چنین بوده است: هر مزد روز ( آغاز ) سال ۵۴۵۴ باستانی ایرانی ، یا : رام روز ( دوشنبه ) ، امرداد ماه سال ۲۱۵۲ از تاریخ رصد ( اوستایی ) . فاصله تا مبدأ شمسی هجری ، ۷۱۰۸۲ روز .



بلندای بارو ی ویران شده شهر کوس. / برگرفته از نامه: زندگی و مهاجرت آریاییان.



نگاره ۲- نمایی از دهکده کوهستانی سنگ چال. / نمونه جایی که هنوز، آیین‌های باستانی

در میان مردمان آنجا برگزار می‌گردد. /

## نمایه منابع ۱

نمایه منابع ۱ ، منابعی هستند که در نوشتن این نامه ، از داده های تاریخی ، نجومی و پژوهشی آنها استفاده شد .

(۱) آخرین شاه / علی حصوری - تهران : (بی نا) ، پخش : کتاب چشمه ، ۱۳۷۱  
(۲) آیین ها و باورداشتهای گیل و دیلم / محمود پاینده - تهران : بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۵۵

(۳) التدوین فی احوال جبال شروین ( تاریخ سواد کوه مازندران ) / محمد حسن اعتماد السلطنه ؛ تصحیح و پژوهش مصطفی احمد زاده - تهران : فکر روز ، ۱۳۷۳

(۴) التفهیم لاوائل صناعة التنجیم / ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی ؛ با مقدمه و تعلیقات جلال الدین همائی - تهران ، بابک ، ۱۳۶۲

(۵) ایرانشهر : برمبنای جغرافیای موسی خورنی / یوزف مارکوارت ، ترجمه مریم میر احمدی - تهران ، اطلاعات ، ۱۳۷۳

(۶) بیست مقاله تقی زاده / حسن تقی زاده ؛ ترجمه احمد آرام ، کاووس جهاننداری - تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۶

(۷) تاریخ تاریخ در ایران / رضا عبدالمهدی - تهران : امیر کبیر ، ۱۳۶۶

(۸) تاریخ ادبیات ایران از قدیمترین عصر تاریخی تا عصر حاضر / جلال الدین همائی - تهران : کتابفروشی فروغی ، ۱۳۴۶

(۹) تاریخ اسلام / علی اکبر فیاض - تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۶۷

(۱۰) تاریخ بیهقی / ابوالفضل بیهقی ؛ بکوشش خلیل خطیب رهبر - تهران : مهتاب ، ۱۳۷۱

(۱۱) تاریخ خاندان مرعشی . میر تیمور مرعشی ؛ به تصحیح منوچهر ستوده - تهران : بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۵۶

(۱۲) تاریخ رویان / اولیاء الله آملی ؛ به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده (تهران) : بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۴۸

(۱۳) تاریخ سیاسی ساسانیان / محمد جواد مشکور ، تهران : دنیای کتاب ، ۱۳۶۶ ، ج ۲ .

(۱۴) تاریخ طبرستان / بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب آملی ؛ به

- تصحیح عباس اقبال آشتیانی - تهران : پدیده ( خاور ) ، ۱۳۶۶
- ۱۵) تاریخ طبرستان و رویان و مازندران / ظهیر الدین بن نصیر الدین مرعشی ؛  
یا مقدمه محمد جواد مشکور؛ بکوشش محمد حسن تسبیحی - (تهران) :  
شرق، ۱۳۵۵
- ۱۶) تاریخ عالم آرای عباسی / اسکندربیک ( منشی ) ترکمان - تهران : امیر کبیر  
- اصفهان : تأیید ، ۱۳۵۰
- ۱۷) تاریخ مازندران / اسمعیل مهجوری - « بی جا » : « بی نا » ، ۱۳۴۲ ، ج ۱
- ۱۸) تاریخنامه طبری . گردانیده منسوب به بلعمی به تصحیح و تحشیه محمد  
روشن . تهران : نشر نو ، ۱۳۶۸ . ج ۲
- ۱۹) تحقیقی درزمینه گاه شماریهای هجری قمری و مسیحی ( میلادی ) / رضا  
عبداللهی - تهران : امیر کبیر . ۱۳۶۵
- ۲۰) ترجمه آثار الباقیه / ابو ریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی ، بقلم  
( ترجمه ) اکبر دانا سرشت - تهران : ابن سینا ، ۱۳۵۲
- ۲۱) تقویم مردمان مازندران / نصر الله هومند - آمل : کتابسرای طالب آملی ،  
۱۳۶۷ .
- ۲۲) تقویم نوروزی شهریاری / ذبیح بهروز - « تهران » ایران کوده ، ۱۸ ، ۱۳۴۸
- ۲۳) تقویم و تاریخ در ایران . ذبیح بهروز - « تهران » ایرن کوده ، ۱۵ ، ۱۳۳۱
- ۲۴) خلاصه زندگینامه علمی دانشوران / زیر نظر احمد بیرشک - تهران ، علمی  
و فرهنگی ( بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی ) ، ۱۳۷۴
- ۲۵) دایرة المعارف فارسی / غلامحسین مصاحب - تهران : کتابهای جیبی -  
فرانکلین ، ۱۳۵۶
- ۲۶) راهنمای خطی کتابخانه مجلس شورای ملی ، ج ۶
- ۲۷) زروان، سنجش زمان در ایران باستان / فریدون جنیدی - تهران : بنیاد  
نیشابور ، ۱۳۵۸
- ۲۸) زمان زرتشت / کاتراک ، ترجمه کیخسرو کشاورزی - تهران : فردوسی ،  
۱۳۷۳
- ۲۹) زندگی و مهاجرت آریائیان بر پایه گفتار های ایرانی / فریدون جنیدی -  
تهران بنیاد نیشابور ، ۱۳۷۴ ، چاپ دوم .

- ۳۰) سومین کنگره تحقیقات ایرانی، سی و چهار خطابه / به کوشش محمد روشن - تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۱ - ۱۶ شهریور ۱۳۵۱ - مقاله: واژه‌هایی از گاهشماری کهن دیلمی.
- ۳۱) فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی / ابوالفضل مصفی - تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ... ۱۳۶۶
- ۳۲) فرهنگ فارسی / محمد معین - تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ج ۶
- ۳۳) گاه شماری در ایران قدیم / مقالات تقی زاده، زیر نظر ایرج افشار - تهران: شکوفان، ۱۳۵۷، ج. دهم
- ۳۴) گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله / احمد بیرشک - تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۷۳
- ۳۵) میراث ایران / یازده تن از خاور شناسان؛ ترجمه احمد بیرشک، محمد معین و ... - تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶
- ۳۶) نقد و تحقیق / رحیم رضا زاده ملک - تهران: سحر، ۱۳۵۶. دفتر سوم.
- ۳۷) نوروز نامه / منسوب به: عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری؛ به کوشش علی حصوری - تهران: طهوری، ۱۳۵۷
- ۳۷) واژه نامه طبری / صادق کیا - تهران: ایران کوده، ۹، ۱۳۱۶ یزدگردی، (۱۳۲۶ شمسی هجری)
- ۳۸) یادگار فرهنگ آمل / صمصام الدین علامه. - (بی جا)، (بی نا)، ۱۳۲۸

-Excavations in Hotu cave , Iran, 1951, A preliminary Report.  
Proceeding of American philosophical societies, 96 No. 3.

## نمایه منابع ۲

نمایه منابع ۲، منابعی هستند که برای آگاهی پژوهشگران و خوانندگان آورده شده است. هرچند از این منابع، در این نامه شاهد آورده نشد، اما مطالعه آنها برای نویسنده، بسیار سودمند واقع گردید.

(۱) احسن التقویم الدائم / محمد کریم خان - بندر بمبئی: (بی نا)، (بی تا)  
(۲) اختران لامع در شرح عباراتی از ارمغان نجوم / علی اکبر صابری - کرمان: (بی نا)، ۱۳۵۴.

(۳) اختیارات / منسوب به محمد باقر بن محمد تقی مجلسی - (تهران): (بی نا)، ۱۳۵۷ هجری قمری.

(۴) ادوار جهان خلقت / علی اکبر صابری - کرمان: (بی نا)، ۱۳۶۴

(۵) پیشنهاد در مورد رویه کشور ایران در قبال تقویم جهانی. ابوالقاسم اشتری یزدی. (بی جا): (بی نا)، ۱۳۵۴

(۶) تاریخ مازندران / شیخ علی گیلانی (ملا): تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده - تهران: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

(۷) تحفة حاتمی / محمد بن بهاءالدین عاملی (شیخ بهائی): ترجمه ابوالفضل نبی - تقی عدالتی - مشهد: آستان قدس رضوی ۱۳۷۰

(۸) تقویم تطبیقی ۱۵۰۰ ساله هجری شمسی و هجری قمری قراردادی / ایرج ملک پور، محمدرضا صیاد - تهران: مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

(۹) تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی با راهنمایی تبدیل تاریخ هجری شمسی با میلادی و بالعکس / فردیناند وستفالد و ادوارد ماہلر؛ مقدمه و تجدید نظر از حکیم‌الدین قریشی - تهران: فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۶۰

(۱۰) رساله تطبیقه / استخراج: عبدالغفار (نجم الدوله) - تهران: (بی نا)، ۱۳۲۱.

(۱۱) روضة المنجمین / شهردان بن الی الخیررازی: با مقدمه و فهرست‌ها و اصطلاحات نجومی از جلیل اخوان زنجائی - تهران: مرکز انتشار نسخ خطی، ۱۳۶۸.

(۱۲) سالماری در ایران / اصلاان غفاری - تهران: فروهر، ۱۳۶۷.

- ۱۳) شرح تقویمهای مختلف و مسئله کبیسه‌های جلالی / تقی ریاحی - تهران  
شرکت سهامی چهر ، ۱۳۳۵
- ۱۴) صورالکواکب / عبدالرحمن صوفی ؛ ترجمه نصرالدین طوسی ، با تصحیح  
معزالدین مهدوی - تهران : بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۵۱ .
- ۱۵) عجایب المخلوقات / زکریاء محمد بن محمود الکموتی قزوینی ؛ به  
تصحیح و مقابله نصراله صبوچی - تهران : کتابخانه مرکزی ، ۱۳۶۱ (بخش  
نجوم)
- ۱۶) فرهنگ اخترشناسی / مهرداد سرمدی - تهران : کمانگیر ۱۳۷۱
- ۱۷) فرهنگ پهلوی به فارسی / بهرام فره‌وشی - تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۵۸ .
- ۱۸) فرهنگ عوام آمل / مهدی پرتوی آملی - تهران : مرکز مردم شناسی ایران ،  
۱۳۵۸ .
- ۱۹) کاوش رصد خانه مراغه و نگاهی به پیشینه دانش ستاره شناسی در ایران /  
پرویز و رجاوند - تهران : امیرکبیر ، ۱۳۶۶
- ۲۰) کتاب تطبیق در بیان تطبیق سال‌ها و ماه‌های هجری قمری - هجری  
شمسی / عباسعلی ادیب ( شیخ ) - اصفهان «بی نا» ، ۱۳۵۵
- ۲۱) کتاب شناخت ( مجموعه مقالات ) / از هفت تن از پژوهشگران . تهران :  
طهوری ، ۱۳۶۳
- ۲۲) کتابشناسی نجوم / فریده عصاره - تهران : مرکز اسناد و مدارک علمی ایران ،  
۱۳۶۷
- ۲۳) کندلوس / علی اصغر جهانگیری . «بی جا» : مؤسسه فرهنگی جهانگیری ،  
۱۳۶۷
- ۲۴) گاه شماری و جشن های ایران باستان / هاشم رضی - تهران : فروهر ،  
۱۳۵۸
- ۲۵) مفاتیح العلوم / ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی ؛  
ترجمه حسین خدیو جم . تهران علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۲ . ( بخش نجوم ) .
- ۲۶) مقدمه ای بر نجوم عالی / عباس ریاضی کرمانی - تهران : دانشگاه تهران ،  
۱۳۵۰
- ۲۷) نشانیهای از گذشته دور گیلان و مازندران / جهانگیر سرتیپ پور - (بی جا):



ناشر مؤلف ، ۱۳۵۶

(۲۸) نوروز و بنیاد نجومی آن در همبستگی با تخت جمشید / یحیی ذکاء .

تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان ، ۱۳۵۸

(۲۹) واژه نامه نجوم و احکام نجوم / محمد طباطبائی - تهران ، فرهنگان ،

۱۳۷۰

(۳۰) یواقیت العلوم و دراری النجوم / ( نویسنده ناشناخته ) ؛ به تصحیح محمد

تقی دانش پژوه - تهران ، اطلاعات ، ۱۳۶۴ . ( بخش نجوم )

یاد داشت ها و یاد آوری ها  
 «تعلیقات»  
 از استاد فرزانه : احمد بیرشک

۱) در باره نگاهداری حساب روز هفته توجه شما را به این نکته ، که مسلماً بدان و اقفید، جلب می کنم : هر گاه فاصله زمانی ۴ معرف هفته ( یعنی مضرب ۷) باشد و ۴ در روز a آغاز شود در روز ۱ - a ختم می شود مثلاً: دوره ۵۶ روزی اگر روز سه شنبه آغاز گردد ؛ روز دوشنبه به پایان می رسد .

۱۲۰۴۵۶۹ روز معادل با ۱۷۲۰۸۱ هفته به علاوه ۲ روز . پس اگر آغاز آن روز دوشنبه باشد روز آخر دوره : یکشنبه + ۲ ، یعنی : سه شنبه است .

مثال : روز ابرار خورشیدی ( شمسی هجری ) جمعه بوده است . برای محاسبه روز ابرار ۱۳۷۵ چنین عمل میکنیم : در ۱۳۷۴ سال :

$$۱۳۷۴ \times ۳۶۵ / ۲۴۲۲ = ۵۰۱۸۴۲ / ۷۸ \# ۵۰۱۸۴۳$$

$$۵۰۱۸۴۳ \div ۷ = ۶$$

مانده

پس : نخستین روز از سال ۱۳۷۵ روز چهارشنبه خواهد بود .

برابر : نمایه مبدأ گاهشماری اوستایی ( رصد )

ص ۴۸ سطر ۹ و ۱۰

۲) به احتمال قوی مراعات نشدن کیسه که موجب جابه جا شدن نوروز بوده «تیر» را هم جابه جا کرده است . یعنی شروع تقویم با آخر خرداد تقارن بوده ، تیر هم با مهر جا عوض کرده است . بنا بر این در کتاب دقیقی مانند کتاب شما بهتر است به آن استفاده نشود یا دلیل آورده شود .

برابر : هرگاه به اعتبار گفته ملا مظفر گنابادی ص ۵۵ سطر ۱۷

۳) هنوز بسیاری از فرهیختگان در گاهشماری ایرانی خبر ندارند ا

برابر : گاهشماری خراجی مردمان کوه نشین لارجان و دیلمان ...

ص ۵۶ سطر ۱۴

۴) چون اعتقاد بر این است و دلایل هم ، از جمله دوره ۱۵۰۸ ساله که در کتاب شما در آن یاد شده است دلالتی کند تقویم اوستایی نو ، یعنی نخستین تقویم تمام خورشیدی در جهان ، از روز ۲۷ مارس ۵۰۲ - ( پیش از میلاد ) ، ( ۱ )

فروردین ۱ اوستایی نو) آغاز شده است. تقارن بودن فردینه ماه باستانی تبری با فروردین ماه باستانی ایرانی شایان توجه است.

برابر: فردینه<sup>۵۷</sup> ماه ص ۶۱ سطر ۴

۵) مقایسه با روز زن، که بسیار کسان فکر میکنند تازه و سوغات فرنگ است. در روز پنجم اسفندارمذ، (روز اسفند از ماه اسفند، جشن اسفندارمذگان) برگزار می شده است.

برابر: واژه مزدگیران ص ۶۸ سطر ۸

۶) اما دیدیم که شروع آن با شروع گاهشماری اوستایی نو مقارن بوده است. شایان توجه.

برابر: ص ۶۹ سطر ۱۵

پیوست :

سالنمای باستانی

آغاز سال تبری ( مازندرانی ) - دیلمی ( گیلانی )

۱۵۷۰

۱۵۰۸

برابر با

۱۳۷۵

۱۳۷۶

شمسی هجری

روزهای هفته	فروردین ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	نوروز ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	نام روزهای باستانی ایرانی	امرداد ۱۳۷۵ شمسی مجری	ربیع الاول ۱۳۱۷ شمسی مجری	زویه ۱۹۹۶ میلادی
-------------	-------------------------------	-----------------------------	---------------------------	-----------------------	---------------------------	------------------

سه شنبه	آغاز		خوردهات	۲	۷	۲۳
چهارشنبه	۲		امردات	۳	۸	۲۴
پنج شنبه	۳		دی به آذر	۴	۹	۲۵
آدینه	۴		آذر	۵	۱۰	۲۶
شنبه	۵		آبان	۶	۱۱	۲۷
یکشنبه	۶		خور	۷	۱۲	۲۸
دوشنبه	۷		ماه	۸	۱۳	۲۹
سه شنبه	۸		نیر	۹	۱۴	۳۰
چهارشنبه	۹		گش	۱۰	۱۵	۳۱
پنجشنبه	۱۰		دی به مهر	۱۱	۱۶	ارت
آدینه	۱۱		مهر	۱۲	۱۷	۲
شنبه	۱۲		سروش	۱۳	۱۸	۳
یکشنبه	۱۳		رشن	۱۴	۱۹	۴
دوشنبه	۱۴		فروردین	۱۵	۲۰	۵
سه شنبه	۱۵		بهرام	۱۶	۲۱	۶
چهارشنبه	۱۶	۱ آغاز	رام	۱۷	۲۲	۷
پنجشنبه	۱۷	۲	باد	۱۸	۲۳	۸
آدینه	۱۸	۳	دی به دین	۱۹	۲۴	۹
شنبه	۱۹	۴	دین	۲۰	۲۵	۱۰
یکشنبه	۲۰	۵	ارت	۲۱	۲۶	۱۱
دوشنبه	۲۱	۶	اشناه	۲۲	۲۷	۱۲
سه شنبه	۲۲	۷	آسمان	۲۳	۲۸	۱۳
چهارشنبه	۲۳	۸	زاسپاد	۲۴	۲۹	۱۴
پنجشنبه	۲۴	۹	مهر	۲۵	۳۰	۱۵
آدینه	۲۵	۱۰	اتارم	۲۶	ربیع الاخر	۱۶
شنبه	۲۶	۱۱	هرمز	۲۷	۲	۱۷
یکشنبه	۲۷	۱۲	بهمن	۲۸	۳	۱۸
دوشنبه	۲۸	۱۳	اردیبهشت	۲۹	۴	۱۹
سه شنبه	۲۹	۱۴	شهریور	۳۰	۵	۲۰
چهارشنبه	۳۰	۱۵	سپنتا	۳۱	۶	۲۱

روزهای هفته	کریمه ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	فروردین ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	نام روزهای باستانی ایرانی	شهریور ۱۳۷۵ شمسی هجری	ریح الاخر ۱۳۱۷ شمسی هجری	اوت ۱۹۹۶ بلادی
-------------	-----------------------------	----------------------------	---------------------------	-----------------------	--------------------------	----------------

پنجشنبه	۱	۱۶	خوردهات	۱	۷	۲۲
آدینه	۲	۱۷	امردات	۲	۸	۲۳
شنبه	۳	۱۸	دی به آذر	۳	۹	۲۴
یکشنبه	۴	۱۹	آذر	۴	۱۰	۲۵
دو شنبه	۵	۲۰	آبان	۵	۱۱	۲۶
سه شنبه	۶	۲۱	مهر	۶	۱۲	۲۷
چهارشنبه	۷	۲۲	ماه	۷	۱۳	۲۸
پنجشنبه	۸	۲۳	نیر	۸	۱۴	۲۹
آدینه	۹	۲۴	گش	۹	۱۵	۳۰
شنبه	۱۰	۲۵	دی به مهر	۱۰	۱۶	۳۱
یکشنبه	۱۱	۲۶	مهر	۱۱	۱۷	سپتامبر
دو شنبه	۱۲	۲۷	سرور	۱۲	۱۸	۲
سه شنبه	۱۳	۲۸	رشن	۱۳	۱۹	۳
چهارشنبه	۱۴	۲۹	فروردین	۱۴	۲۰	۴
پنجشنبه	۱۵	۳۰	بهرام	۱۵	۲۱	۵
آدینه	۱۶	کریمه ماه	رام	۱۶	۲۲	۶
شنبه	۱۷	۲	باد	۱۷	۲۳	۷
یکشنبه	۱۸	۳	دی به دین	۱۸	۲۴	۸
دو شنبه	۱۹	۴	دین	۱۹	۲۵	۹
سه شنبه	۲۰	۵	ارت	۲۰	۲۶	۱۰
چهارشنبه	۲۱	۶	اشاد	۲۱	۲۷	۱۱
پنجشنبه	۲۲	۷	آسمان	۲۲	۲۸	۱۲
آدینه	۲۳	۸	زامیاد	۲۳	۲۹	۱۳
شنبه	۲۴	۹	مهر سپنت	۲۴	جمادی الاول	۱۴
یکشنبه	۲۵	۱۰	انارم	۲۵	۲	۱۵
دو شنبه	۲۶	۱۱	هرمزد	۲۶	۳	۱۶
سه شنبه	۲۷	۱۲	بهمن	۲۷	۴	۱۷
چهارشنبه	۲۸	۱۳	اوردیهشت	۲۸	۵	۱۸
پنجشنبه	۲۹	۱۴	شهریور	۲۹	۶	۱۹
آدینه	۳۰	۱۵	سپنت	۳۰	۷	۲۰

روزهای هفته	هر ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	کورچ ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	نام روزهای باستانی ایرانی	مهر ۱۳۷۵ شمسی هجری	جمادی الاول ۱۴۱۷ قمری هجری	میتابیر ۱۹۹۶ میلادی
-------------	--------------------------	----------------------------	---------------------------	--------------------	----------------------------	---------------------

شنبه	۱	۱۶	خوردات	۲۱	۸	۲۱
یکشنبه	۲	۱۷	امردات	۲۲	۹	۲۲
دو شنبه	۳	۱۸	دی به آذر	۲۳	۱۰	۲۳
سه شنبه	۴	۱۹	آذر	۲۴	۱۱	۲۴
چهارشنبه	۵	۲۰	آبان	۲۵	۱۲	۲۵
پنجشنبه	۶	۲۱	خورد	۲۶	۱۳	۲۶
آدینه	۷	۲۲	ماه	۲۷	۱۴	۲۷
شنبه	۸	۲۳	تبر	۲۸	۱۵	۲۸
یکشنبه	۹	۲۴	گن	۲۹	۱۶	۲۹
دو شنبه	۱۰	۲۵	دی به مهر	۳۰	۱۷	۳۰
سه شنبه	۱۱	۲۶	مهر	اکتبر	۱۸	اکتبر
چهارشنبه	۱۲	۲۷	سرور	۲	۱۹	۲
پنجشنبه	۱۳	۲۸	رشن	۳	۲۰	۳
آدینه	۱۴	۲۹	فروردین	۴	۲۱	۴
شنبه	۱۵	۳۰	بهرام	۵	۲۲	۵
یکشنبه	۱۶	ارگه ما	رام	۶	۲۳	۶
دو شنبه	۱۷	۲	باد	۷	۲۴	۷
سه شنبه	۱۸	۳	دی به دین	۸	۲۵	۸
چهارشنبه	۱۹	۴	دین	۹	۲۶	۹
پنجشنبه	۲۰	۵	ارت	۱۰	۲۷	۱۰
آدینه	۲۱	۶	اشاه	۱۱	۲۸	۱۱
شنبه	۲۲	۷	آسمان	۱۲	۲۹	۱۲
یکشنبه	۲۳	۸	زاسیاد	۱۳	۳۰	۱۳
دو شنبه	۲۴	۹	مهر سبت	۱۴	جمادی الاخر	۱۴
سه شنبه	۲۵	۱۰	انارم	۱۵	۲	۱۵
چهارشنبه	۲۶	۱۱	هرمزد	۱۶	۳	۱۶
پنجشنبه	۲۷	۱۲	بهن	۱۷	۴	۱۷
آدینه	۲۸	۱۳	اردیبهشت	۱۸	۵	۱۸
شنبه	۲۹	۱۴	شهریور	۱۹	۶	۱۹
یکشنبه	۳۰	۱۵	سبت	۲۰	۷	۲۰

اکتبر ۱۹۹۶ میلادی	جمادی الآخر ۱۴۱۷ قمری مجری	آبان ۱۳۷۵ شمسی مجری	تام روزهای باستانی ایرانی	آریه ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	تیر ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	روزهای هفته
-------------------	----------------------------	---------------------	---------------------------	----------------------------	---------------------------	-------------

۲۱	۸	۳۰	خوردات	۱۶	۱	دوشنبه
۲۲	۹	آبان	امردات	۱۷	۲	سه شنبه
۲۳	۱۰	۲	دی به آذر	۱۸	۳	چهارشنبه
۲۴	۱۱	۳	آذر	۱۹	۴	پنجشنبه
۲۵	۱۲	۴	آبان	۲۰	۵	آدینه
۲۶	۱۳	۵	خورد	۲۱	۶	شنبه
۲۷	۱۴	۶	ماه	۲۲	۷	یکشنبه
۲۸	۱۵	۷	تیر	۲۳	۸	دو شنبه
۲۹	۱۶	۸	گش	۲۴	۹	سه شنبه
۳۰	۱۷	۹	دی به مهر	۲۵	۱۰	چهارشنبه
۳۱	۱۸	۱۰	مهر	۲۶	۱۱	پنجشنبه
نوامبر	۱۹	۱۱	سروش	۲۷	۱۲	آدینه
۲	۲۰	۱۲	رفسن	۲۸	۱۳	شنبه
۳	۲۱	۱۳	فروردین	۲۹	۱۴	یکشنبه
۴	۲۲	۱۴	بهرام	۳۰	۱۵	دو شنبه
۵	۲۳	۱۵	رام	تیرما	۱۶	سه شنبه
۶	۲۴	۱۶	باد	۲	۱۷	چهارشنبه
۷	۲۵	۱۷	دی به دین	۳	۱۸	پنجشنبه
	۲۶	۱۸	دین	۴	۱۹	آدینه
	۲۷	۱۹	ارت	۵	۲۰	شنبه
۱۰	۲۸	۲۰	الشاد	۶	۲۱	یکشنبه
۱۱	۲۹	۲۱	آسمان	۷	۲۲	دو شنبه
۱۲	رجب	۲۲	زایاد	۸	۲۳	سه شنبه
۱۳	۲	۲۳	مهر سبت	۹	۲۴	چهارشنبه
۱۴	۳	۲۴	انارم	۱۰	۲۵	پنج شنبه
۱۵	۴	۲۵	هرمزد	۱۱	۲۶	آدینه
۱۶	۵	۲۶	یعسن	۱۲	۲۷	شنبه
۱۷	۶	۲۷	اردیبهشت	۱۳	۲۸	یکشنبه
۱۸	۷	۲۸	شهریور	۱۴	۲۹	دو شنبه
۱۹	۸	۲۹	شبت	۱۵	۳۰	سه شنبه



روزهای هفته	ملازما <sup>۲</sup> ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	تیر ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	تام روزهای باستانی لیرانی	آذر ۱۳۷۵ شمسی هجری	رجب ۱۴۱۷ قمری هجری	نوامبر ۱۹۹۶ میلادی
-------------	---	---------------------------	---------------------------	--------------------	--------------------	--------------------

چهارشنبه	۱	۱۶	خوردهات	۲۰	۹	۲۰
پنجشنبه	۲	۱۷	امردات	آذر	۱۰	۲۱
آدینه	۳	۱۸	دی به آذر	۲	۱۱	۲۲
شنبه	۴	۱۹	آذر	۳	۱۲	۲۳
یکشنبه	۵	۲۰	ایان	۴	۱۳	۲۴
دو شنبه	۶	۲۱	خورد	۵	۱۴	۲۵
سه شنبه	۷	۲۲	ماه	۶	۱۵	۲۶
چهارشنبه	۸	۲۳	تیر	۷	۱۶	۲۷
پنجشنبه	۹	۲۴	گش	۸	۱۷	۲۸
آدینه	۱۰	۲۵	دی به مهر	۹	۱۸	۲۹
شنبه	۱۱	۲۶	مهر	۱۰	۱۹	۳۰
یکشنبه	۱۲	۲۷	سروش	۱۱	۲۰	دسامبر
دو شنبه	۱۳	۲۸	رشن	۱۲	۲۱	۲
سه شنبه	۱۴	۲۹	نوردهین	۱۳	۲۲	۳
چهارشنبه	۱۵	۳۰	بهرام	۱۴	۲۳	۴
پنجشنبه	۱۶	مردان ما	رام	۱۵	۲۴	۵
آدینه	۱۷	۲	یاد	۱۶	۲۵	۶
شنبه	۱۸	۳	دی به دین	۱۷	۲۶	۷
یکشنبه	۱۹	۴	دین	۱۸	۲۷	۸
دو شنبه	۲۰	۵	ارت	۱۹	۲۸	۹
سه شنبه	۲۱	۶	اشناه	۲۰	۲۹	۱۰
چهارشنبه	۲۲	۷	آسمان	۲۱	۳۰	۱۱
پنجشنبه	۲۳	۸	زانیاد	۲۲	شعبان	۱۲
آدینه	۲۴	۹	مهر سبت	۲۳	۲	۱۳
شنبه	۲۵	۱۰	انارم	۲۴	۳	۱۴
یکشنبه	۲۶	۱۱	هرکرد	۲۵	۴	۱۵
دو شنبه	۲۷	۱۲	یلمن	۲۶	۵	۱۶
سه شنبه	۲۸	۱۳	اردیهشت	۲۷	۶	۱۷
چهارشنبه	۲۹	۱۴	شهریور	۲۸	۷	۱۸
پنجشنبه	۳۰	۱۵	سبت	۲۹	۸	۱۹

دسامبر ۱۹۹۶ میلادی	شعبان ۱۳۱۷ قمری هجری	دی ۱۳۷۵ شمسی هجری	تأم روزهای باستانی ایرانی	مردال ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	شروته ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	روزهای هفته
--------------------	----------------------	-------------------	---------------------------	-----------------------------	-----------------------------	-------------

۲۰	۹	۳۰	خورجیات	۱۶	۱	آدینه
۲۱	۱۰	آذر	امرداد	۱۷	۲	شنبه
۲۲	۱۱	۲	دی به آذر	۱۸	۳	یکشنبه
۲۳	۱۲	۳	آذر	۱۹	۴	دوشنبه
۲۴	۱۳	۴	آبان	۲۰	۵	سه شنبه
۲۵	۱۴	۵	خورد	۲۱	۶	چهارشنبه
۲۶	۱۵	۶	ماه	۲۲	۷	پنجشنبه
۲۷	۱۶	۷	تیر	۲۳	۸	آدینه
۲۸	۱۷	۸	گش	۲۴	۹	شنبه
۲۹	۱۸	۹	دی به مهر	۲۵	۱۰	یکشنبه
۳۰	۱۹	۱۰	مهر	۲۶	۱۱	دوشنبه
۳۱	۲۰	۱۱	مرداد	۲۷	۱۲	سه شنبه
۱	۲۱	۱۲	رشن	۲۸	۱۳	چهارشنبه
۲	۲۲	۱۳	فروردین	۲۹	۱۴	پنجشنبه
۳	۲۳	۱۴	بهرام	۳۰	۱۵	آدینه
۴	۲۴	۱۵	رام	شهریور ما	۱۶	شنبه
۵	۲۵	۱۶	باد	۲	۱۷	یکشنبه
۶	۲۶	۱۷	دی به دین	۳	۱۸	دوشنبه
۷	۲۷	۱۸	دین	۴	۱۹	سه شنبه
۸	۲۸	۱۹	ارت	۵	۲۰	چهارشنبه
۹	۲۹	۲۰	اشناد	۶	۲۱	پنجشنبه
۱۰	رمضان	۲۱	آسمان	۷	۲۲	آدینه
۱۱	۲	۲۲	زامیاد	۸	۲۳	شنبه
۱۲	۳	۲۳	مهرمیت	۹	۲۴	یکشنبه
۱۳	۴	۲۴	انارم	۱۰	۲۵	دوشنبه
۱۴	۵	۲۵	مرمزد	۱۱	۲۶	سه شنبه
۱۵	۶	۲۶	بهن	۱۲	۲۷	چهارشنبه
۱۶	۷	۲۷	اردیبهشتا	۱۳	۲۸	پنجشنبه
۱۷	۸	۲۸	شهریور	۱۴	۲۹	آدینه
۱۸	۹	۲۹	میت	۱۵	۳۰	شنبه

روزهای هفته	بیر ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	شیراز ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	نام روزهای باستانی ایرانی	بهمن ۱۳۷۵ شمسی هجری	رمضان ۱۳۱۷ قمری هجری	ژانویه ۱۹۹۷ میلادی
-------------	---------------------------	-----------------------------	---------------------------	---------------------	----------------------	--------------------

۱۹	۱۰	۲۰	خوردات	۱۶	۱	یکشنبه
۲۰	۱۱	بهمن	امرداد	۱۷	۲	دوشنبه
۲۱	۱۲	۲	دی به آذر	۱۸	۳	سه شنبه
۲۲	۱۳	۳	آذر	۱۹	۴	چهارشنبه
۲۳	۱۴	۴	آبان	۲۰	۵	پنجشنبه
۲۴	۱۵	۵	خورد	۲۱	۶	آدینه
۲۵	۱۶	۶	ماه	۲۲	۷	شنبه
۲۶	۱۷	۷	تیر	۲۳	۸	یکشنبه
۲۷	۱۸	۸	گش	۲۴	۹	دوشنبه
۲۸	۱۹	۹	دی به مهر	۲۵	۱۰	سه شنبه
۲۹	۲۰	۱۰	مهر	۲۶	۱۱	چهارشنبه
۳۰	۲۱	۱۱	سرور	۲۷	۱۲	پنجشنبه
۳۱	۲۲	۱۲	رطن	۲۸	۱۳	آدینه
نوربه	۲۳	۱۳	فروردین	۲۹	۱۴	شنبه
۲	۲۴	۱۴	بهرام	۳۰	۱۵	یکشنبه
۳	۲۵	۱۵	رام	آبیر ما	۱۶	دوشنبه
۴	۲۶	۱۶	یاد	۲	۱۷	سه شنبه
۵	۲۷	۱۷	دی به دین	۳	۱۸	چهارشنبه
۶	۲۸	۱۸	دین	۴	۱۹	پنجشنبه
۷	۲۹	۱۹	ارت	۵	۲۰	آدینه
۸	۳۰	۲۰	اشناد	۶	۲۱	شنبه
۹	شوال	۲۱	آسمان	۷	۲۲	یکشنبه
۱۰	۲	۲۲	زایاد	۸	۲۳	دوشنبه
۱۱	۳	۲۳	مهرمپت	۹	۲۴	سه شنبه
۱۲	۴	۲۴	انارم	۱۰	۲۵	چهارشنبه
۱۳	۵	۲۵	هرمز	۱۱	۲۶	پنجشنبه
۱۴	۶	۲۶	بهمن	۱۲	۲۷	آدینه
۱۵	۷	۲۷	اردیبهشت	۱۳	۲۸	شنبه
۱۶	۸	۲۸	شهریور	۱۴	۲۹	یکشنبه
۱۷	۹	۲۹	سپت	۱۵	۳۰	دوشنبه

روزهای هفته	آورد ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	امبر ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	نام روزهای باستانی ایرانی	اسفند ۱۳۷۵ شمسی هجری	شوال ۱۴۱۷ شمسی هجری	توزبه ۱۹۹۷ میلادی
-------------	----------------------------	----------------------------	---------------------------	----------------------	---------------------	-------------------

سه شنبه	۱	۱۶	خوردهات	۳۰	۱۰	۱۸
چهارشنبه	۲	۱۷	اسردات	اسفند	۱۱	۱۹
پنجشنبه	۳	۱۸	دی به آذر	۲	۱۲	۲۰
آدینه	۴	۱۹	آذر	۳	۱۳	۲۱
شنبه	۵	۲۰	آبان	۴	۱۴	۲۲
یکشنبه	۶	۲۱	خورد	۵	۱۵	۲۳
دوشنبه	۷	۲۲	ماه	۶	۱۶	۲۴
سه شنبه	۸	۲۳	تبر	۷	۱۷	۲۵
چهارشنبه	۹	۲۴	گمش	۸	۱۸	۲۶
پنجشنبه	۱۰	۲۵	دی به مهر	۹	۱۹	۲۷
آدینه	۱۱	۲۶	مهر	۱۰	۲۰	۲۸
شنبه	۱۲	۲۷	سررش	۱۱	۲۱	مارس
یکشنبه	۱۳	۲۸	رشن	۱۲	۲۲	۲
دوشنبه	۱۴	۲۹	فروردین	۱۳	۲۳	۳
سه شنبه	۱۵	۳۰	بهرام	۱۴	۲۴	۴
چهارشنبه	۱۶	اول ما	رام	۱۵	۲۵	۵
پنجشنبه	۱۷	۲	باد	۱۶	۲۶	۶
آدینه	۱۸	۳	دی به دین	۱۷	۲۷	۷
شنبه	۱۹	۴	دین	۱۸	۲۸	۸
یکشنبه	۲۰	۵	ارت	۱۹	۲۹	۹
دوشنبه	۲۱	۶	اشاد	۲۰	ذیقعد	۱۰
سه شنبه	۲۲	۷	آسمان	۲۱	۲	۱۱
چهارشنبه	۲۳	۸	زامیاد	۲۲	۳	۱۲
پنجشنبه	۲۴	۹	مهر سبستا	۲۳	۴	۱۳
آدینه	۲۵	۱۰	انارم	۲۴	۵	۱۴
شنبه	۲۶	۱۱	اعتدگاه	۲۵	۶	۱۵
یکشنبه	۲۷	۱۲	اشتردهگه	۲۶	۷	۱۶
دوشنبه	۲۸	۱۳	سپتهدگاه	۲۷	۸	۱۷
سه شنبه	۲۹	۱۴	رهوخرگاه	۲۸	۹	۱۸
چهارشنبه	۳۰	۱۵	رهشترایشتگاه	۲۹	۱۰	۱۹

روزهای هفته	آزگه ماه ۱۵۰۸ باستانی تیری	آول ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	قام روزهای باستانی ایرانی	فروردین ۱۳۷۶ شمسی هجری	ذیقنده ۱۳۱۷ شمسی هجری	مارس ۱۹۹۷ میلادی
-------------	----------------------------	---------------------------	---------------------------	------------------------	-----------------------	------------------

پنجشنبه	پشک	۱۶	ایزدت	۳۰	۱۱	۲۰
آدینه	پشک	۱۷	هرمز	نوروز	۱۲	۲۱
شنبه	۲	۱۸	بهمن	نوروز	۱۳	۲۲
یکشنبه	۳	۱۹	اردیبهشت	نوروز	۱۴	۲۳
دوشنبه	۴	۲۰	شهریور	نوروز	۱۵	۲۴
سه شنبه	۵	۲۱	سپت	۵	۱۶	۲۵
چهارشنبه	ارگه ماه	۲۲	خورداد	۶	۱۷	۲۶
پنجشنبه	۲	۲۳	اسرعات	۷	۱۸	۲۷
آدینه	۳	۲۴	دی به آذر	۸	۱۹	۲۸
شنبه	۴	۲۵	آذر	۹	۲۰	۲۹
یکشنبه	۵	۲۶	آبان	۱۰	۲۱	۳۰
دوشنبه	۶	۲۷	خورد	۱۱	۲۲	۳۱
سه شنبه	۷	۲۸	ماه	۱۲	۲۳	اوریل
چهارشنبه	۸	۲۹	نیر	۱۳	۲۴	۲
پنجشنبه	۹	۳۰	گش	۱۴	۲۵	۳
آدینه	۱۰	وشک	دی به مهر	۱۵	۲۶	۴
شنبه	۱۱	پنجیک	مهر	۱۶	۲۷	۵
یکشنبه	۱۲	۲	سروش	۱۷	۲۸	۶
دوشنبه	۱۳	۳	رشن	۱۸	۲۹	۷
سه شنبه	۱۴	۴	فروردین	۱۹	۳۰	۸
چهارشنبه	۱۵	۵	بهرام	۲۰	ذیحجه	۹
پنجشنبه	۱۶	سیاما	رام	۲۱	۲	۱۰
آدینه	۱۷	۲	باد	۲۲	۳	۱۱
شنبه	۱۸	۳	دی به دین	۲۳	۴	۱۲
یکشنبه	۱۹	۴	دین	۲۴	۵	۱۳
دوشنبه	۲۰	۵	ارت	۲۵	۶	۱۴
سه شنبه	۲۱	۶	اشاد	۲۶	۷	۱۵
چهارشنبه	۲۲	۷	آسمان	۲۷	۸	۱۶
پنجشنبه	۲۳	۸	زامیاد	۲۸	۹	۱۷
آدینه	۲۴	۹	مهرسپت	۲۹	۱۰	۱۸

روزهای هفته	د ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	سیا ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	نام روزهای باستانی ایرانی	آردیبهشت ۱۳۷۶ شمسی هجری	ذیحجه ۱۳۱۷ شمسی هجری	آوزیل ۱۹۹۷ میلادی
-------------	-------------------------	---------------------------	---------------------------	-------------------------	----------------------	-------------------

شنبه	۲۵	۱۰	انارم	۳۰	۱۱	۱۹
یکشنبه	۲۶	۱۱	هرمز	۳۱	۱۲	۲۰
دوشنبه	۲۷	۱۲	بهن	آردیبهشت	۱۳	۲۱
سه شنبه	۲۸	۱۲	آردیبهشت	۲	۱۴	۲۲
چهارشنبه	۲۹	۱۳	شهریور	۳	۱۵	۲۳
پنجشنبه	۳۰	۱۵	سپت	۲	۱۶	۲۴
آدینه	د ماه	۱۶	خوردات	۵	۱۷	۲۵
شنبه	۲	۱۷	اسرdat	۶	۱۸	۲۶
یکشنبه	۳	۱۸	دی به آذر	۷	۱۹	۲۷
دوشنبه	۴	۱۹	آذر	۸	۲۰	۲۸
سه شنبه	۵	۲۰	آبان	۹	۲۱	۲۹
چهارشنبه	۶	۲۱	خور	۱۰	۲۲	۳۰
پنجشنبه	۷	۲۲	ماه	۱۱	۲۳	۳۱
آدینه	۸	۲۳	نیر	۱۲	۲۴	۲
شنبه	۹	۲۴	گن	۱۳	۲۵	۳
یکشنبه	۱۰	۲۵	دی به مهر	۱۴	۲۶	۴
دوشنبه	۱۱	گالشی پنجک	مهر	۱۵	۲۷	۵
سه شنبه	۱۲	۲۷	سرور	۱۶	۲۸	۶
چهارشنبه	۱۳	۲۸	رشن	۱۷	۲۹	۷
پنجشنبه	۱۴	۲۹	نرودین	۱۸	۳۰	۸
آدینه	۱۵	۳۰	بهرام	۱۹	مهر	۹
شنبه	۱۶	دیاما	رام	۲۰	۲	۱۰
یکشنبه	۱۷	۲	باد	۲۱	۳	۱۱
دوشنبه	۱۸	۳	دی به دین	۲۲	۴	۱۲
سه شنبه	۱۹	۴	دین	۲۳	۵	۱۳
چهارشنبه	۲۰	۵	ارت	۲۴	۶	۱۴
پنجشنبه	۲۱	روباری پنجک	اشاد	۲۵	۷	۱۵
آدینه	۲۲	۷	آسان	۲۶	۸	۱۶
شنبه	۲۳	۸	زامیاد	۲۷	۹	۱۷
یکشنبه	۲۴	۹	مهرسپت	۲۸	۱۰	۱۸

روزهای هفته	هفته ماه ۱۵۰۸ باستانی تبری ۷۷۷	دیا ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	نام روزهای باستانی ایرانی	خرداد ۱۳۷۶ شمسی هجری	مهرم ۱۳۱۸ شمسی هجری	مه ۱۹۹۷ میلادی
دوشنبه	۲۵	۱۰	اتارم	۲۹	۱۱	۱۹
سه شنبه	۲۶	۱۱	هرمزده	۳۰	۱۲	۲۰
چهارشنبه	۲۷	۱۲	بجمن	۳۱	۱۳	۲۱
پنجشنبه	۲۸	۱۳	اردیبهشت	خرداد	۱۴	۲۲
آدینه	۲۹	۱۴	شهریور	۲	۱۵	۲۳
شنبه	۳۰	۱۵	سپنت	۳	۱۶	۲۴
یکشنبه	۱ رفته ماه	۱۶	خورداد	۴	۱۷	۲۵
دوشنبه	۲	۱۷	اسرداد	۵	۱۸	۲۶
سه شنبه	۳	۱۸	دی به آذر	۶	۱۹	۲۷
چهارشنبه	۴	۱۹	آذر	۷	۲۰	۲۸
پنجشنبه	۵	۲۰	آبان	۸	۲۱	۲۹
آدینه	۶	۲۱	خورد	۹	۲۲	۳۰
شنبه	۷	۲۲	ماه	۱۰	۲۳	۳۱
یکشنبه	۸	۲۳	تیر	۱۱	۲۴	زولن
دوشنبه	۹	۲۴	گش	۱۲	۲۵	۲
سه شنبه	۱۰	۲۵	دی به مهر	۱۳	۲۶	۳
چهارشنبه	۱۱	۲۶	مهر	۱۴	۲۷	۴
پنجشنبه	۱۲	۲۷	سرروش	۱۵	۲۸	۵
آدینه	۱۳	۲۸	رشن	۱۶	۲۹	۶
شنبه	۱۴	۲۹	فروردین	۱۷	۳۰	۷
یکشنبه	۱۵	۳۰	بهرام	۱۸	صفر	۸
دوشنبه	۱۶	۱ رفته ما	رام	۱۹	۲	۹
سه شنبه	۱۷	۲	باد	۲۰	۳	۱۰
چهارشنبه	۱۸	۳	دی به دین	۲۱	۴	۱۱
پنجشنبه	۱۹	۴	دین	۲۲	۵	۱۲
آدینه	۲۰	۵	ارت	۲۳	۶	۱۳
شنبه	۲۱	۶	اشناد	۲۴	۷	۱۴
یکشنبه	۲۲	۷	آسمان	۲۵	۸	۱۵
دوشنبه	۲۳	۸	زآباد	۲۶	۹	۱۶
سه شنبه	۲۴	۹	مهرسپنت	۲۷	۱۰	۱۷

روزهای هفته	نوروز ماه ۱۵۰۸ باستانی تیری <sup>۲۵</sup>	ورفته ما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی <sup>۱۱۰۰</sup>	قام دوزهای باستانی ایرانی	تیر ۱۳۷۶ شمسی مجری	مهر ۱۳۱۸ شمسی مجری	زوتن ۱۹۹۷ میلادی
-------------	---	---	---------------------------	--------------------	--------------------	------------------

چهارشنبه	۲۵	۱۰	انارم	۲۸	۱۱	۱۸
پنجشنبه	۲۶	۱۱	هرمز	۲۹	۱۲	۱۹
آدینه	۲۷	۱۲	بهن	۳۰	۱۳	۲۰
شنبه	۲۸	۱۳	اردیبهشت	۳۱	۱۴	۲۱
یکشنبه	۲۹	۱۴	شهریور	تیر	۱۵	۲۲
دوشنبه	۳۰	۱۵	مهر	۲	۱۶	۲۳
سه شنبه	نوروز ماه	۱۶	خورداد	۳	۱۷	۲۴
چهارشنبه	۲	۱۷	اسرداد	۴	۱۸	۲۵
پنجشنبه	۳	۱۸	دی به آذر	۵	۱۹	۲۶
آدینه	۴	۱۹	آذر	۶	۲۰	۲۷
شنبه	۵	۲۰	آبان	۷	۲۱	۲۸
یکشنبه	۶	۲۱	خورداد	۸	۲۲	۲۹
دوشنبه	۷	۲۲	ماه	۹	۲۳	۳۰
سه شنبه	۸	۲۳	تیر	۱۰	۲۴	زویه
چهارشنبه	۹	۲۴	گش	۱۱	۲۵	۲
پنجشنبه	۱۰	۲۵	دی به مهر	۱۲	۲۶	۳
آدینه	۱۱	۲۶	مهر	۱۳	۲۷	۴
شنبه	۱۲	۲۷	سرور	۱۴	۲۸	۵
یکشنبه	۱۳	۲۸	رشن	۱۵	۲۹	۶
دوشنبه	۱۴	۲۹	فروردین	۱۶	ربیع الاول	۷
سه شنبه	۱۵	۳۰	بهرام	۱۷	۲	۸
چهارشنبه	۱۶	اسفندارما	رام	۱۸	۳	۹
پنجشنبه	۱۷	۲	باد	۱۹	۴	۱۰
آدینه	۱۸	۳	دی به دین	۲۰	۵	۱۱
شنبه	۱۹	۴	دین	۲۱	۶	۱۲
یکشنبه	۲۰	۵	ارت	۲۲	۷	۱۳
دو شنبه	۲۱	۶	اشناد	۲۳	۸	۱۴
سه شنبه	۲۲	۷	آسمان	۲۴	۹	۱۵
چهارشنبه	۲۳	۸	زامیاد	۲۵	۱۰	۱۶
پنجشنبه	۲۴	۹	مهر مینت	۲۶	۱۱	۱۷



روزهای هفته	نوروزماه ۱۵۰۸ باستانی تبری	اسفندارما ۱۵۷۰ باستانی دیلمی	نام روزهای باستانی ایرانی	امرداد ۱۳۷۶ شمسی هجری	ربیع الاول ۱۴۱۸ لری هجری	زوبنه ۱۹۹۷ میلادی
-------------	----------------------------	------------------------------	---------------------------	-----------------------	--------------------------	-------------------

۱۸	۱۲	۲۷	انارم	۱۰	نورده ماه آغاز سال ۱۵۰۹ باستانی تبری	آدینه
۱۹	۱۳	۲۸	مرزرد	۱۱		شنبه
۲۰	۱۴	۲۹	پهمن	۱۲		یکشنبه
۲۱	۱۵	۳۰	اردیبهشت	۱۳		دوشنبه
۲۲	۱۶	۳۱	شهریور	۱۴		سه شنبه
۲۳	۱۷	امرداد	سپنت	۱۵		چهارشنبه
۲۴	۱۸	۲	خوردات	۱۶		پنجشنبه
۲۵	۱۹	۳	امردات	۱۷		آدینه
۲۶	۲۰	۴	دی به آذر	۱۸		شنبه
۲۷	۲۱	۵	آذر	۱۹		یکشنبه
۲۸	۲۲	۶	آبان	۲۰		دوشنبه
۲۹	۲۳	۷	خورد	۲۱		سه شنبه
۳۰	۲۴	۸	ماه	۲۲		چهارشنبه
۳۱	۲۵	۹	نیر	۲۳		پنجشنبه
اوت	۲۶	۱۰	گش	۲۴		آدینه
۲	۲۷	۱۱	دی به مهر	۲۵		شنبه
۳	۲۸	۱۲	مهر	۲۶		یکشنبه
۴	۲۹	۱۳	سرروش	۲۷		دوشنبه
۵	۳۰	۱۴	رشن	۲۸		سه شنبه
۶	ربیع الاخر	۱۵	نوردهین	۲۹		چهارشنبه
۷	۲	۱۶	بهرام	۳۰	پنجشنبه	
۸	۳	۱۷	وام	نوروز ما	آدینه	

\*\*\* آغاز سال ۱۵۷۱ باستانی دیلمی \*\*\*

\*\*\* جشن بیس شش نورز ماه باستانی تبری \*\*\*

**THE ANCIENT CHRONOLOGY  
OF THE PEOPLE  
OF MĀZANDARĀN AND GILĀN**

**A RESEARCH  
ON THE BASIS OF THE IRĀNIAN CHORNALOGY  
WITH THE TABARĪ AND DAYLOMĪ CALENDARS**

**BY  
NASROLLAH HŪMAND**

**IRĀNIAN, MĀZANDARĀN, ĀMŌL 1996**





بها: ۳۰۰ تومان